



وزارت معارف

معینیت انکشاف نصاب تعلیمی و تربیة معلم  
ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و  
تألیف کتب درسی

# زبان و ادبیات دری

صنف دهم

برای مکاتب پشتو زبان



سال چاپ: ۱۳۹۶ هـ. ش

دری صنف دهم - برای مکاتب پشتو زبان

کتاب های درسی متعلق به وزارت معارف بوده خرید و فروش آن جدا ممنوع است. با متخلفین برخورد قانونی صورت می گیرد.

moe.curriculum@gmail.com



## سرود ملی

دا عزت د هر افغان دی  
هر بچی یې قهرمان دی  
د بلوڅو د ازبکو  
د ترکمنو د تاجکو  
پامیریان، نورستانیان  
هم ایماق، هم پشه پان  
لکه لمر پر شنه آسمان  
لکه زره وي جاویدان  
وایو الله اکبر وایو الله اکبر

دا وطن افغانستان دی  
کور د سولې کور د تورې  
دا وطن د ټولو کور دی  
د پښتون او هزاره وو  
ورسره عرب، گوجر دي  
براهوي دي، قزلباش دي  
دا هیواد به تل ځلیري  
په سینه کې د آسیا به  
نوم د حق مودی رهبر

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت معارف

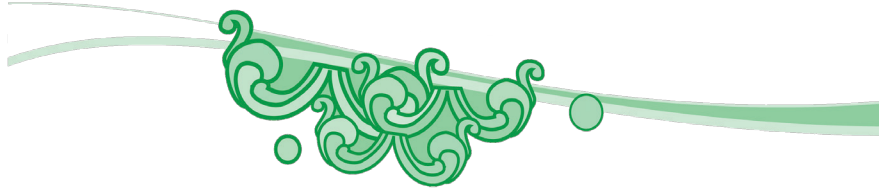
معینیت انکشاف نصاب تعلیمی و تربیة معلم  
ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و  
تألیف کتب درسی

## زبان و ادبیات دری

صنف دهم

برای مکاتب پشتوزبان

سال چاپ: ۱۳۹۶ هـ. ش.



**مؤلف:** عبدالرزاق کوهستانی عضو علمی دیپارتمنت دری ریاست انکشاف نصاب تعلیمی  
و تألیف کتب درسی

### **ایدیت علمی و مسلکی**

پوهندوی عبدالرازق اسمر متخصص زبان و ادبیات دری  
فرزانه شریف متخصص زبان و ادبیات دری

**ایدیت زبانی:** سیدمحمود خلیق متخصص زبان و ادبیات دری

### **کمیته دینی، سیاسی و فرهنگی**

- محمد عارف عطائی  
فیضان الله آنس عضو علمی دیپارتمنت تعلیمات اسلامی ریاست انکشاف نصاب تعلیمی  
و تألیف کتب درسی  
- حبیب الله راحل مشاور وزارت معارف در ریاست انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب  
درسی.

### **کمیته نظارت**

- دکتور اسدالله محقق معین انکشاف نصاب تعلیمی، تربیه معلم و مرکز ساینس  
- دکتور شیر علی ظریفی رئیس پروژہ انکشاف نصاب تعلیمی  
- دکتور محمد یوسف نیازی سرپرست ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب  
درسی

**طرح و دیزاین:** عبدالرزاق کوهستانی و حمیدالله غفاری

**تنظیم امور چاپ:** محمد کبیر حقمل رئیس نشرات و اطلاعات وزارت معارف.

## بسم الله الرحمن الرحيم

### پیام وزیر معارف

سپاس بیکران آفریدگاری را که انسان را در احسن تقویم آفرید و او را قدرت بیان بخشید و به زیور علم و اندیشه آراست و درود بی‌پایان بر پیامبر مکرم اسلام حضرت محمد مصطفی - صلی الله علیه وسلم - که معلم بزرگ انسانیت است و پیام آور رحمت و هدایت و روشنایی.

تعلیم و تربیت نقطه آغاز هر تحول و سنگ بنای توسعه در هر جامعه است. هدف اصلی تعلیم و تربیت به فعلیت رساندن نیروهای بالقوه انسان و شکوفا کردن استعدادهای درونی وی است.

کتاب درسی یکی از ارکان مهم در فرایند تعلیم و تربیت محسوب می‌شود که همگام با تحولات و پیشرفت‌های علمی نوین و مطابق با نیازمندی‌های جامعه تهیه و تألیف می‌گردد و باید دارای ظرفیت و ظرفیتی باشد که بتواند آموزه‌های دینی و اخلاقی را توأم با فرآورده‌های علوم جدید با میتودهای نوین به شاگردان منتقل کند.

کتابی که اکنون در اختیار شما قرار دارد، بر اساس همین ویژه‌گی‌ها تهیه و تألیف شده است. سعی وزارت معارف همواره بر این بوده که نصاب تعلیمی و کتب درسی معارف کشور، متکی بر مبانی تعلیم و تربیت اسلامی و حفظ هویت ملی، مطابق با معیارهای علمی و روش‌های تربیتی نوین بوده، استعدادهای دانش آموزان را در همه زمینه‌های اخلاقی و علمی شکوفا گرداند و قدرت تفکر، ابتکار و حس جستجوگری را در آنها تقویت بخشد. ترویج فرهنگ گفتگو و رواداری، تقویت حس وطن‌دوستی، مهربانی، گذشت و همبستگی از خواست‌های دیگر وزارت معارف است که باید در کتب درسی متبلور باشد.

کتاب‌های درسی بدون داشتن معلم خوب و مسلکی نمی‌تواند اهداف مورد نظر را بر آورده سازد. معلم یکی از ارکان مهم تعلیم و تربیت و مجری برنامه‌های آموزشی و تربیتی است. از معلمان و آموزگاران خوب، متعهد و دلسوز کشورم که ستیزه با سیاهی و نادانی را پیشه خود ساخته‌اند، صمیمانه آرزو مندیم که با تطبیق دقیق و مخلصانه نصاب تعلیمی، کودکان و جوانان میهن را بسوی فتح قله‌های رفیع دانش، اخلاق و معنویت رهنمون گردند.

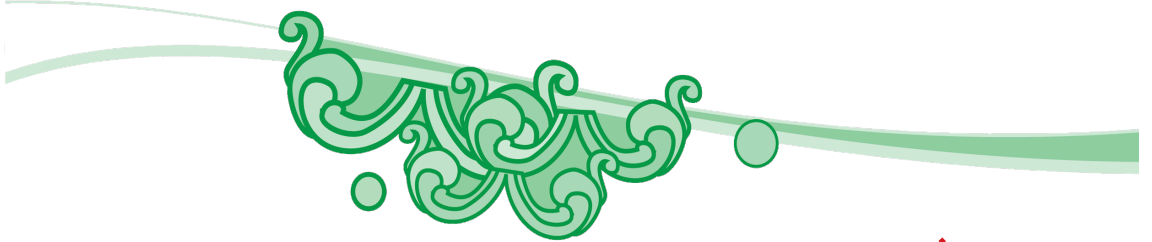
کامیابی نظام آموزشی کشور بدون همکاری جدی مردم غیر ممکن است. ازین رو از همه اقشار و افراد ملت شریف افغانستان، بخصوص از خانواده‌ها و اولیای محترم شاگردان خواهشمندم که از هیچگونه همکاری در جهت تحقق اهداف معارف دریغ نوزند. همچنان از همه نویسندگان، دانشمندان، متخصصان تعلیم و تربیت و اولیای محترم شاگردان تقاضا می‌شود که با ارائه نظریات و پیشنهادات سالم و نقدهای سازنده خود وزارت معارف را در بهبود هر چه بیشتر کتاب‌های درسی همکاری نمایند.

لازم می‌دانم از تمام مؤلفان دانشمند و کارمندان اداری و فنی وزارت معارف که در تهیه، تألیف، طبع و توزیع این کتاب زحمت کشیده‌اند و از همه نهادهای ملی و بین‌المللی که در زمینه چاپ و توزیع کتب درسی همکاری نموده‌اند، قدردانی و تشکر نمایم.

در اخیر از خداوند منان استدعا دارم که به لطف بی‌پایان خود، ما را در تحقق آرمان‌های مقدس معارف یاری رساند. إنه سمیع قریب مجیب.

دکتور اسدالله حنیف بلخی

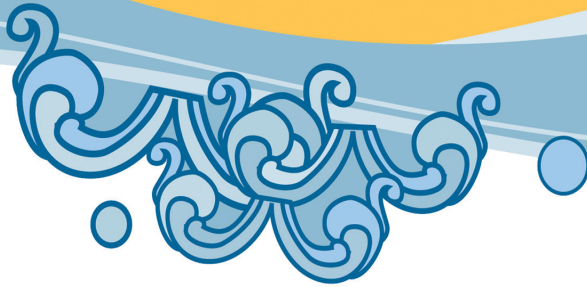
وزیر معارف



## فهرست

صفحه	عنوان	شماره درس
۱	حمد (آن که ایمان داد مشیت خاک را)	درس اول
۷	نعت سردار ثقلین	درس دوم
۱۱	عظمت کاینات	درس سوم
۱۷	فرهنگ مطالعه	درس چهارم
۲۳	تربیت فرزند	درس پنجم
۲۹	دقیقی بلخی	درس ششم
۳۵	ناول چیست؟	درس هفتم

شماره درس	عنوان	صفحه
درس هشتم	داستان کوتاه	۴۰
درس نهم	پند بزرگان	۴۹
درس دهم	حاتم طایی	۵۵
درس یازدهم	حافظ شیرازی	۵۹
درس دوازدهم	گفتار پیامبر ﷺ	۶۷
درس سیزدهم	مقام زن از دیدگاه اسلام	۷۳
درس چهاردهم	بلخ (ام‌البلاد)	۸۱
درس پانزدهم	آیین سخنرانی	۸۷
درس شانزدهم	عبدالرازق فانی	۹۳
درس هفدهم	چیزی که به خود نمی‌پسندی به....	۹۹
درس هجدهم	بهارستان جامی	۱۰۵
درس نوزدهم	مروت و مردانه‌گی	۱۱۱
درس بیستم	زنده‌گی همین لحظه‌هاست	۱۱۷
درس بیست و یکم	جهان معنوی	۱۲۶
درس بیست و دوم	شرط نیکنامی	۱۲۹
درس بیست و سوم	نیک خواهی و خدمت به خلق	۱۳۵
درس بیست و چهارم	امام فخر رازی	۱۳۹
درس بیست و پنجم	نوع‌دوستی	۱۴۳
درس بیست و ششم	فردوسی	۱۴۹
درس بیست و هفتم	در وصف وطن	۱۵۵
درس بیست و هشتم	ورزش و تندرستی	۱۶۱
	واژه‌نامه	۱۶۷



درس اول

حمد شریف

## آنکه ایمان داد مشیت خاک را



عبادت، وسیلهٔ تکامل و سعادت ماست و دستور خداوند ﷻ به نماز، نوعی لطف و رحمت و رهنمایی است که ما را به کمال می‌رساند. نماز پنج‌گانه، اظهار شکران و سپاس‌دایی از همه نعمت‌ها و خوبی‌هایی است که خداوند رحمان به ما داده است. در مضمون بعضی احادیث مبارک آمده است که: «انسان در حال نماز با خدای خود نجوا و گفتگو می‌کند و اگر انسان لذت این گفتگو را بچشد، هیچ‌گاه از حال نماز خارج نمی‌شود.»

راستی چقدر لذت بخش است با خدای جهان‌آفرین به گفتگو و مناجات پرداختن! و روحی به عظمت تمام هستی یافتن و با خدای هستی هم سخن شدن!



حمد بی حد مر خدای پاک را  
 آنکه در آدم دمید او روح را  
 آنکه فرمان کرد قهرش باد را  
 آنکه لطف خویش را اظهار کرد  
 آن خداوندی که هنگام سحر  
 سوی آن خصمی که تیر انداخته  
 آنکه اعدا را به دریا در کشید  
 چون عنایت قادر قیوم کرد  
 با سلیمان داد ملک و سروری  
 از تن صابر به کرمان قوت داد

بنده‌یی را اره بر سر می‌کشد

دیگری را تاج بر سر می‌نهد

عطار

## توضیحات

♦ خداوند تبارک و تعالی در اثر کبر، غرور و نا فرمانی قوم عاد، به باد دستور داد تا عادیان را زیر و زبر کند.

♦ قوم عاد: نام قبیله از نسل عاد بن نوح که هود علیه السلام پیغمبر ایشان بود.

♦ حضرت ابراهیم علیه السلام را نمرودیان در آتش انداختند تا مانع بت تراشی و بت پرستی شان نشود؛ اما آتشی که به فرمان نمرود برای سوزاندن ابراهیم خلیل الله افروخته شده بود به امر خداوند جل جلاله بر حضرت ابراهیم علیه السلام گلستان گشت.

یارب این آتش که بر جان من است سرد کن زانسان که کردی بر خلیل

حافظ

♦ چون قوم لوط به نصایح آن حضرت گوش نمی‌دادند و کارهای نا روا را انجام می‌دادند خداوند (ج) هنگام سحر همه آن‌ها را زیر و زبر کرد.

♦ خداوند قادر و توانا به حضرت داوود (ع) آنقدر قوت داده بود که آهن در دستش مثل موم نرم می‌شد.

- ◆ حضرت ایوب علیه السلام به تکلیف صحی گرفتار شد و زخم برداشت، حضرت یونس علیه السلام وقتیکه به دریا افتید ماهی او را در شکم خود فرو برد.
- ◆ وقتی که حضرت زکریا علیه السلام از شر و ضرر قوم خود به درختی پناه برد، مردم او را همراه با درخت اره کردند.



### شاگردان عزیز،

در صنوف گذشته در هر درس بخشی جداگانه‌یی تحت عنوان قواعد دستوری را فرا گرفتید. در این صنف برای این که از عهده نگارش یک مطلب به آسانی بدر آید، بخشی را تحت عنوان آیین انشا و نگارش می‌آموزید.

هر چند بحث نگارش بسیار وسیع و گسترده است و نیاز به وقت و زمان زیاد دارد و هم از این نقطه نظر که برای شما شاگردان عزیز رهنمایی ساده شده باشد دروس انشا به گونه مختصر ترتیب گردیده است. دروازه تجسس و تحقیق برای شاگردان کنجکاو باز است. هدف از آموزش انشا آن است تا دانش آموز بتواند آن چه را که در ذهن او می‌گذرد، بنویسد به تعبیر دیگر، همان طوری که می‌تواند سخن بگوید. بتواند مطالب را بنویسد.

بحث نگارش بحثی کاملاً جدید نیست؛ بلکه شما از صنوف ابتدایی تا حال دهها مقاله و موضوعات گوناگونی نوشته اید. تعدادی از شاگردان با وجود این که در ذهن خود ذخیره لغات و معلومات زیاد دارند؛ اما جرأت نوشتن یک موضوع را ندارند. برای این که بتوانید بدون دلهره و نگرانی بنویسید. اعتماد به نفس داشته باشید.

آیین یعنی اسلوب، شیوه و روش و انشا به معنای آغاز کردن، آفریدن، پدید آوردن و نگارش به معنای تحریر، نوشتن و شیوه انشا است.

انشا و نگارش عامل اصلی خلاقیت‌هاست و زیر بنای خلاقیت اعتماد به نفس است. در درس انشا و نگارش، ساده ترین تجربه‌های تلخ و شیرین تا عمیق ترین اندیشه‌های فلسفی فرصت بیان پیدا می‌نماید. انشا با ارزش ترین درس است که بیان علوم را نیز سهل و انسان را متفکر و صاحب اندیشه می‌سازد.



♦ سوی آن خصمی که تیر انداخته پشه‌یی کارش کفایت ساخته  
 نمرود می‌خواست نموداً بالله با خداوند ﷻ بجنگد، برج بلندی ساخت و از آن جا به  
 طرف آسمان تیر پرتاب می‌کرد. خداوند توانا توسط یک پشهٔ کوچک که در دماغ نمرود داخل  
 شد او را هلاک کرد.

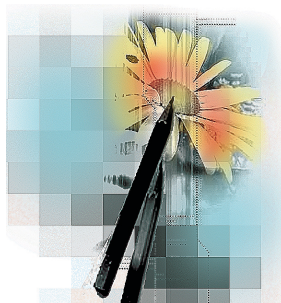
♦ آنکه اعدا را به دریا در کشید ناقه را از سنگ خارا بر کشید  
 فرعون و قتی که می‌خواست با حضرت موسی ﷺ بجنگد خداوند تعالی حضرت  
 موسی ﷺ را نجات داد و فرعون و فرعونیان را به دریا غرق کرد، که این واقعه در رود نیل اتفاق  
 افتاده است.  
 \* \* \*

شیخ فریدالدین محمد عطار بن ابراهیم نیشاپوری شاعر و عارف نام آور قرن هفتم  
 می‌باشد. عطار با کلام ساده و گیرنده‌اش که از دل سوخته، عاشق و شیدا بر می‌آید به حق که  
 حقایق عرفان را به نحوی خاص در دل‌ها جای‌گزین می‌سازد. سال وفات او را ۶۲۷ هـ.ق.  
 می‌دانند.

این بزرگ‌مرد شعر و ادب فارسی دری آثار گران‌بها و ارزشمندی چون: اسرار نامه،  
 الهی نامه، پندنامه، منطق الطیر، خسرونامه، مصیبت نامه، وصیت نامه و... از خود به‌جا مانده  
 است.

\* \* \*

انشا و نگارش عامل اصلی خلاقیت‌هاست و زیر بنای خلاقیت اعتماد به نفس است.  
 انشا با ارزش‌ترین درس است که بیان علوم را نیز سهل می‌سازد و از طرفی دیگر انسان را متفکر  
 و صاحب اندیشه می‌سازد.





- ◆ متنی را که معلم محترم می‌خواند املا بنویسید.
- ◆ گروه‌ها برداشت شان را از مفهوم درس در چهار جمله خلاصه کنند.
- ◆ آرزوها و تخیلات تان را در یک سطر روی تخته بنویسید.

## کار گروهی و سخنرانی

- ◆ در مورد مفهوم و محتوای متن درس بحث و گفتگو کنید و از هر گروه یک شاگرد نتیجه را به دیگران بیان کند.
  - ◆ از هر گروه یک شاگرد درک و برداشت گروهش را از مفهوم بیت زیر به دیگران بیان کند:
- بنده‌یی را اره بر سر می‌کشد      دیگری را تاج بر سر می‌نهد
- ◆ گروه اول دربارهٔ بیت، گروه دوم در مورد تصویر زیر و گروه سوم دربارهٔ زیبایی‌های آفرینش، هر کدام پنج جملهٔ زیبا بنویسند.

برگ درختان سبز در نظر هوشیار  
هر ورقش دفترست معرفت کردگار

سعدی

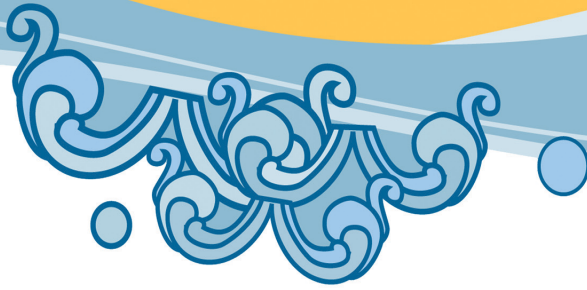




- ◆ منظور شاعر از مصرع «آنکه در آدم دمید او روح را» چیست؟
- ◆ چرا خداوند ﷻ قوم لوط را زیر و زیر کرد؟
- ◆ چطور خداوند ﷻ نوح ﷺ را از توفان نجات داد؟
- ◆ پیام اصلی درس چیست؟



- ◆ مفهوم کلی درس را به گونه نثر در کتابچه‌های خود بنویسید.
- ◆ متن کامل درس دوم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.



## درس دوم

### نعت سردار ثقلین صلی الله علیه و آله



رسول اکرم صلی الله علیه و آله با فرزندان خود به مهر و عطوفت رفتار می کرد و می فرمود: فرزندان ما پاره جگر ما هستند و با خدمتگاران نیز رأفت و عطوفت داشت. در میان جمع گشاده رو بود و در تنهایی سیمای متفکر و محزون داشت. هرگز به روی کسی خیره نگاه نمی کرد و بیشتر اوقات چشم‌هایش را به زمین می دوخت. در سلام دادن به همه حتی به کودکان پیش دستی می کرد. هرگاه به مجلسی وارد می شد، نزدیک ترین جای خالی را اختیار می نمود. از بیماران عیادت می کرد. سخن همنشین خود را نمی بُرید، بیش از حد لزوم سخن نمی گفت و اجازه نمی داد کسی جز در مقام دادخواهی در حضور او از دیگری بد بگوید و یا به کسی دشنام دهد. هیچ‌گاه زبانش را به دشنام نمی آلود. بد رفتاری با شخص خود را، می بخشید؛ ولی درباره کسانی که به حریم قانون تجاوز می کردند گذشت و مدارا نداشت.

ای گزیده مر ترا از خلق رب العالمین  
 آفرین گوید همی بر جان پاکت آفرین  
 از برای این که ماه و آفتابت چاکرند  
 زان طواف آرد شب و روز آسمان گرد زمین  
 حال تو بس با کمال و فضل تو بس باجمال  
 روی تو نور مبین و رأی تو جبل‌المتین  
 مرگ با مهر تو باشد خوشتر از عمر ابد  
 زهر با یاد تو باشد خوشتر از ماء مَعین  
 بر تن و جان تو بادا آفرین از کردگار  
 جبرئیل از آسمان بر خُلق تو کرد آفرین  
 از برای این که تا آسان کند این دین خویش  
 آدمی از آدم آرد حور از خلد برین  
 این صفات و نعت آن مرد است کاندر آسمان  
 از برای طلعتش می‌تابد این شمس مبین  
 ای سنایی گر ز دانایی بجویی مهر او  
 جز کمالش را مدان و جز جمالش را مبین  
 سنایی

### توضیحات

- ♦ مر ترا: در این جا به معنای تنها ترا
- ♦ همی: در این جا به معنای هر لحظه

### آیین انشا و نگارش

#### نگارش و علوم انسانی

در نگارش آشنایی با علوم صرف، نحو، فصاحت و بلاغت بسیار مهم پنداشته می‌شود. از این که لفظ وسیله بیان معنی است و برای ارائه یک معنی شاید از چند جمله یا

چند کلمه مترادف، یکی دو تای آن مناسب تر باشد انتخاب گردد. بنابراین لازم است که نویسنده به صورت کافی ذخیره لغات داشته باشد تا در بیان موضوعات گوناگون توانایی نشان دهد.

نقش کلمه‌ها در نگارش بسیار مهم است. سر و کار ما در نگارش با کلمه‌ها می‌باشد. پس ما باید صرف و نحو را بدانیم با قواعد آن آشنا باشیم تا در نوشتن یک موضوع به مشکل دچار نشویم و از عهده نگارش آن برآییم.

### بیاموزیم

ای گزیده مرترا از خلق رب العالمین  
ای آنکه خداوند تبارک و تعالی از میان همه بنده گانش ترا به پیامبری برگزید و هر دم  
و هر لحظه به جان پاکت آفرین می‌گوید.

\* \* \*

حکیم ابوالمجد محدود بن آدم سنایی شاعر بلند مرتبه شعر فارسی دری است. ولادتش در اواسط قرن پنجم در غزنی اتفاق افتاده است. قصاید معروف سنایی در زهد، وعظ و عرفان، منظومه‌های حدیقه الحقیقه، طریق التحقيق، سیرالعباد، کارنامه بلخ و... از آثار گران‌بها و ارزشمند در تاریخ افغانستان است. وفات او در سال ۵۴۵ هـ.ق. اتفاق افتاد و مقبره‌اش در شهر غزنی، زیارت‌گاه خاص و عام است.

\* \* \*

ما باید صرف و نحو را بدانیم با قواعد آن آشنا باشیم تا در نوشتن یک مفهوم به مشکل دچار نشویم و از عهده نگارش یک موضوع برآییم.

### املا و نگارش

♦ متنی را که معلم محترم می‌خواند املا بنویسید.

♦ فکر کنید و راجع به بیت زیر هر کدام یک جمله بنویسید:

به گفتار پیغمبرت راه جوی      دل از تیره‌گی‌ها بدین آب شوی



- ◆ دو شاگرد کلمه‌های آتی را در جمله‌ها به کار برند:  
(چاکر، طواف، سنایی)

## کار گروهی و سخنرانی

- ◆ از هر گروه یک شاگرد مفهوم متن درس را به دیگران بیان کند.
- ◆ یک شاگرد از هر گروه، در مورد سیرت پیامبر گرامی اسلام ﷺ سخنرانی کند.
- ◆ شعری را که در وصف پیامبر ﷺ خواندید از این شاعر است، حالا با مشوره در گروه خود، نام و دیگر مشخصات این شاعر را در چند جمله بنویسید:



### خود آزمایی

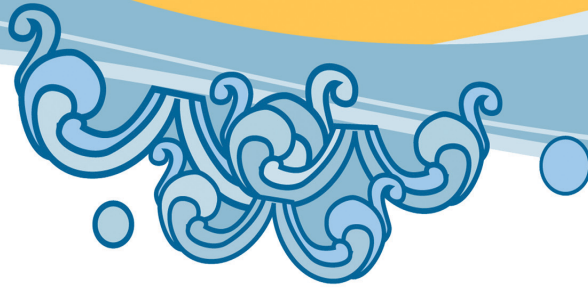


- ◆ از درسی که خواندید چه آموختید؟
- ◆ منظور شاعر از بیت زیر چیست:  
مرگ با مهر تو باشد خوشتر از عمر ابد      زهر با یاد تو باشد خوشتر از ماء معین
- ◆ یک مسلمان به پیروی از پیغمبر ﷺ خود کدام صفات را داشته باشد؟

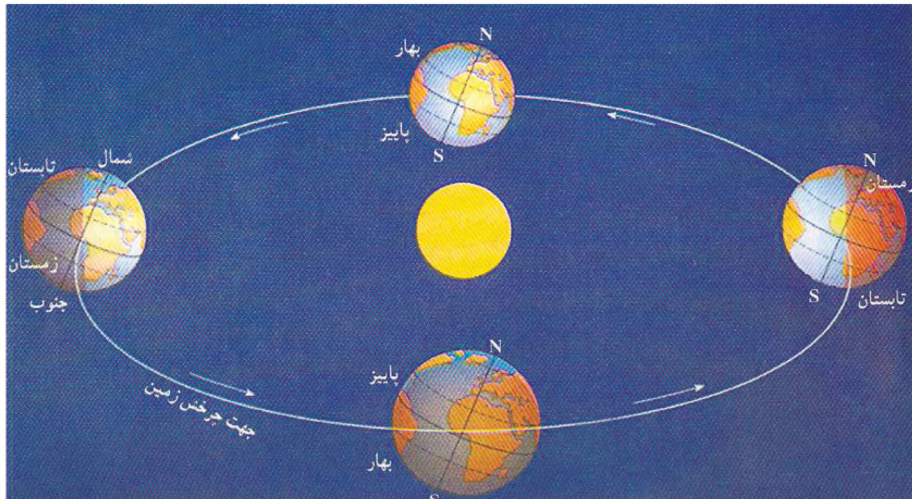
### کارخانه‌گی



- ◆ در مورد صفات یک مسلمان به پیروی از پیغمبر گرامی اسلام ﷺ، مقاله‌یی تحریر کنید.
- ◆ متن کامل درس سوم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.



## بزرگی جهان



پروردگار عالمیان، کاینات را با این عظمت و زیبایی خلق کرده و موجودات او را از نیستی به هستی در آورده است. زیبایی‌های جهان خلقت، قانون‌مندی‌های طبیعت، نظم و سیاره‌های شمسی، کوه‌ها، دریاها و همه و همه، بهتر می‌توانند ما را به قدرت‌های ذات پاک و یگانه خداوند قادر و توانا آشنا ساخته، ایمان و عقیده‌ی راسخ ما را قویتر سازد.

دلم می‌خواهد، بر بال‌های باد نشینم و آن‌چه را که پروردگار جهان از میان ظلمت و آشفته‌گی پدید آورده، زیر پا گذارم؛ تا مگر روزی به پایان این دریای بی‌کران رسم و بدان سرزمین که خداوند عز وجل سرحد جهان خلقتش قرار داده فرود آیم، از هم اکنون، در این سفر دور و دراز ستاره‌گان را با درخشنده‌گی جاودانی می‌بینم که راه هزاران ساله را در دل افلاک می‌پیمایند تا به سرزمین غایی سفر خود برسند؛ اما بدین حد اکتفا نمی‌کنم و همچنان بالاتر می‌روم بدانجا می‌روم که دیگر ستاره‌گان فلک را در آن راهی نیست، دلیرانه پا در قلمرو بی‌پایان ظلمت و خاموشی می‌گذارم و به چابکی نور شتابان از آن می‌گذرم، ناگهان وارد دنیای تازه‌یی می‌شوم که در آسمان آن، ابرها در حرکت اند و در زمینش رودخانه‌ها به سوی دریاها جریان دارند، در یک جاده خلوت رهگذری به من نزدیک می‌شود می‌پرسد:

ای مسافر بایست! با چنین شتاب کجا می‌روی؟ می‌گویم به سوی آخر دنیا سفر می‌کنم، خواهم بدانجا روم که خداوند عز وجل آن را سرحد دنیای خلقت قرار داده است و دیگر در آن ذیحیات نفس نمی‌کشد. می‌گوید: اوه، بایست! بیهوده رنج سفر را بر خویش هموار مکن! مگر نمی‌دانی می‌خواهی به عالم بی‌پایان و بی‌کران قدم گذاری. ای فکر دور پرواز من! بال‌های عقاب آسایت را از پرواز باز دار و تو ای کشتی تند رو خیال من، همین‌جا لنگر انداز؛ زیرا ترا بیش از این اجازه سفر نیست.

شیلر



منظومه شمسی ما که حدود ۵ میلیارد سال عمر دارد در ابتدا ابر بوده که شامل دود، گاز، خاکستر، غبار و برخی عناصر دیگر که در فضای منظومه شمسی پراکنده بوده است. بعد بادی که ظاهراً موج ناشی از انفجار ستاره‌یی بوده ابعاد و جوانب آن را به هم آورده و منظومه شمسی به صورت یک دیسک در آمده بود که به دور خود می‌چرخیده است. بعد در قسمت مرکزی آن ابر، که ضخیم‌تر بوده، نیروی جاذبه مواد بیشتری را جذب کرده و در آن ناحیه متراکم، گرمای لازم برای ایجاد واکنش‌های هسته‌یی فراهم گشته و خورشید شکل گرفته است. در اطراف آن حلقه‌های دیگری از گاز و غیره به چرخش در آمده که رفته رفته به کره‌های بزرگتری تبدیل شده اند که همان سیارات فعلی منظومه شمسی اند.

### معلومات عمومی درباره نگارش

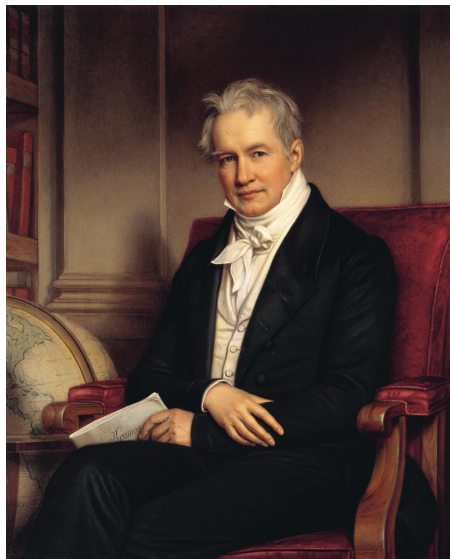
برای یک نویسنده خیلی لازم و حتمی است، که در موارد مختلف مطالعات دقیق داشته باشد؛ یعنی آگاهی از اوضاع محیطی، اجتماعی و جهانی داشته، نوشته‌ها و آثار روز را همیشه بخواند و قضاوت همه جانبه نموده، جریانات مثبت زنده‌گی و ایجابات عصر را درک کند. برای این که یک نویسنده خوب باشیم همواره با مطالعه آثار عالی، پر محتوا و مفید که نیاز زمان باشد پردازیم و بدین صورت معلومات گسترده حیاتی به دست آوریم و در پرتو این گونه فرآورده‌های عمومی و وسیع، علمی، ادبی و اجتماعی به ایجاد اثر سودمند پر ارزش و مورد نیاز مردم موفق گردیم.



برای این که یک نویسنده خوب باشیم همواره به مطالعه آثار عالی، پر محتوا و مفید که نیاز زمان باشد بپردازیم و بدین صورت معلومات گسترده حیاتی را ولو نسبی هم باشد، به دست آوریم.



فریدریش شیلر نویسنده و شاعر آلمانی در ۱۰ نوامبر سال ۱۷۵۹م. در آلمان تولد شد و در ۹ می سال ۱۸۰۵ م. با زنده گی وداع کرد.  
شیلر از آغاز کودکی عشق سرشاری به نویسندگی و شعر داشت. نخستین نمایشنامه خود موسوم به راهزن را هنگامی نوشت که هژده یا نوزده سال بیشتر از عمرش نگذشته بود. گرچه او در زمینه های تاریخ، فلسفه، زیباشناسی، شعر و داستان قلم زد؛ ولی خلاقیت و کار عمده او را، نوشتن دُرّام و نمایشنامه می دانند و امروز یکی از چهره های مهم تاریخ ادبیات آلمان به شمار می رود.





- ♦ متنی را که معلم محترم می‌خواند املا بنویسید.
- ♦ یک شاگرد از هر گروه کلمه‌های جدید درس را روی تخته بنویسد، معنی کند و جمله بسازد.

## کار گروهی و سخنرانی

- ♦ از هر گروه دو شاگرد درس را با صدای بلند بخوانند.
- ♦ با مشوره در گروه، درباره عبارت «خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد» سه شاگرد سخنرانی کنند.
- ♦ شاگردان در گروه‌های خود در مورد فقره‌های زیر چند جمله بنویسند:  
«ای فکر دور پرواز من! بال‌های عقاب آسایت را از پرواز باز دار و تو ای کشتی تند رو خیال من، همین جا لنگر انداز! زیرا ترا بیش از این اجازه سفر نیست.»



- ♦ شما زیبایی‌های آفرینش را در چه می‌بینید؟
- ♦ منظور نویسنده از جمله زیر چیست؟  
«دل‌م می‌خواهد بر بال‌های باد نشینم»
- ♦ آیا مطالعه و معلومات عمومی در نگارش حتمی است؟
- ♦ پیام اصلی درس چیست؟

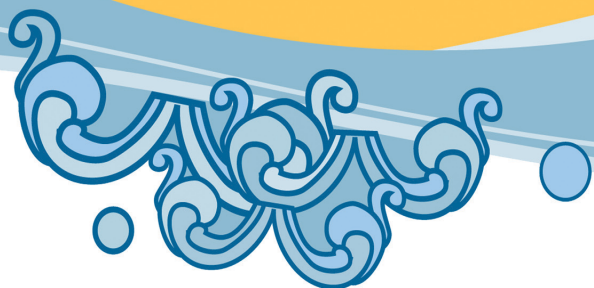


- ◆ برداشت تان را از مفهوم و محتوای درس در کتابچه‌های تان بنویسید.
- ◆ درس چهارم را به دقت بخوانید و برای معرفی آن در روز آینده آماده باشید.
- ◆ بیت زیر را حفظ کنید:

سایه به یمن عاجزی ایمن از آب و آتش است  
سر به زمین فگنده را هیچ بلا نمی‌رسد

بیدل



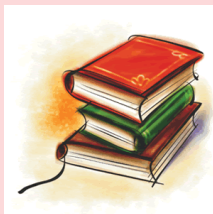


درس چهارم

## فرهنگ مطالعه



(کتاب وسیله‌ی است که ما را از حد خود فراتر می‌برد.)





تمدن امروز ما حاصل دانش و تجربه نسل‌هایی است که پیش از ما زیسته‌اند. ما نمی‌توانیم در این تمدن شرکت جوییم مگر آن که با اندیشه نسل‌های گذشته آشنا شویم. یگانه وسیله‌ی که ما را به این مقصود می‌رساند، مطالعه کتاب‌های سودمند علمی است.

با کتاب هم می‌توان دوستی ورزید. کتاب در دوستی همیشه ثابت قدم و وفادار است. برخی از کتاب‌ها را چه بسا فرزانه‌تر و دلاویزتر از نویسندگان می‌یابیم؛ زیرا نویسندگان از وجود خود، آن چه بهتر است به آثارش می‌بخشد و هنگامی که ما با او گفتگو می‌کنیم سخنانش هر چند لبریز از معنی باشند، بار دوم در وضعیت فعلی قابل دسترس نیستند؛ زیرا امواج صوتی آن به فضای بی‌کرانه سفر می‌کند؛ اما کتاب همیشه در اختیار ماست و اسرار و رموز آن پیوسته قابل بررسی و پی‌جویی است. گذشته از این، میلیون‌ها تن می‌توانند کتاب یا کتاب‌هایی را دوست بدارند، بی‌آن که این دوستی مشترک رشکی میان‌شان برانگیزد. آثار فردوسی، خیام، مولوی، سعدی، حافظ و... پیوندهای شگفت‌انگیزی میان مردمی که به کلی از هم جدایند، پدید آورند.

کتاب وسیله‌ی است که ما را از حد خود فراتر می‌برد. هیچ‌کس آن اندازه تجربه ندارد که دیگران و خود را به خوبی بشناسد، ما همه‌گی در این جهان بی‌کران؛ ولی ناشناختنی خود را تنها می‌یابیم و از آن رنج می‌بریم، دشواری‌های زنده‌گی آزار مان می‌دهد. کتاب به ما آرامش می‌بخشد و می‌آموزاند که مردمی بسیار بزرگتر از ما نیز چون ما رنج برده‌اند و در جستجوی حقیقت کوشیده‌اند. به یاری کتاب می‌توانیم از تنگنای جهان کوچک خود بگریزیم.

کتاب مهم‌ترین وسیله شناختن اعصار گذشته و بهترین وسیله‌ی وقوف بر احوال اجتماعی است که از دسترس ما بیرون می‌باشد. سفرنامه‌هایی که نویسندگان بزرگ نوشته‌اند، نکته‌هایی از روح پنهان کشورها و ملت‌ها را بر ما آشکار می‌کنند که اگر بیست بار به رسم جهانگردی به آن سرزمین‌ها سفر کنیم یکی از آن‌ها را نخواهیم آموخت.

هر چند تا اندازه‌ی برای آن کتاب می‌خوانیم که از حد زنده‌گی خود فرا گذریم و از زنده‌گی دیگران آگاه شویم؛ ولی علت شادی و نشاطی که از خواندن کتاب به ما دست می‌دهد، تنها در این نیست. ما در زنده‌گی روزانه خود آن چنان در حوادث غرقیم که نمی‌توانیم این حوادث را آشکار ببینیم و آن قدر دستخوش هیجانات روحی خویشیم که مجال لذت بردن از این هیجانات را نمی‌یابیم. زنده‌گی بسیاری از ما خود داستانی است که از داستان‌های نویسندگان بزرگ چیزی کم ندارد؛ ولی ما نه تنها خود از این زنده‌گی لذت نمی‌بریم؛ بلکه پیوسته از رنج آن نالانیم. هنر نویسندگان در آن

است که تصویر راستینی از زنده‌گی پیش چشم ما می‌گذارد؛ ولی آن را در چنان فاصله‌یی از ما نگاه می‌دارد که ما بی‌اندک بیم و احساس مسؤولیتی از آن لذت می‌بریم. کسی که رمان یا سرگذشت بزرگی را می‌خواند، در کشاکش حادثهٔ بزرگی زنده‌گی می‌کند، بی‌آن که صفای خاطرش از آن شوریده شود. کتاب خوب خواننده را آن چنان که پیش از خواندن بود نمی‌گذارد؛ بلکه او را به صفات نیکوتری آراسته می‌گرداند.

آندره موروا مورخ و نویسندهٔ فرانسوی ۱۹۶۷-۱۸۸۵ م  
ترجمه از اسماعیل سعادت



## استعداد و ممارست در نگارش

انسان دارای طبع عالی، تعقل و صاحب مخیله و قریحه‌یی سرشار و قوی در زمینه‌های گوناگون می‌باشد؛ البته این نیرو و صفات برای کسب مهارت در نگارش نیکوترین مددگار یک نویسنده است.

انسان‌ها همه دارای استعداد اند و این استعداد فطری (ذاتی) و استعداد فکری کسبی می‌باشد. بعضی انسان‌ها در زمینه‌های مختلف دارای استعداد فطری اند و بعضی از محیط و اجتماع خود کسب می‌نمایند. دانشمندان بدین نظر استند که هر دو استعداد به تمرین و ممارست ضرورت دارد. اگر همان استعداد فطری هم به کار انداخته نشود رشد نکرده از بین می‌رود؛ زیرا نگارش فنی است عملی و بدون مداومت و ممارست به‌جای نخواهد رسید.

پس برای رشد استعداد در نگارش نیازمند تمرین، ممارست و تلاش متداوم

استیم.



مطالعه کتاب‌ها و موضوعات گوناگون، معلومات، دانش و طرز دید انسان را در زمینه‌های مختلف وسعت می‌بخشد. هر قدر انسان بیشتر مطالعه کند به همان اندازه به آگاهی و دانش آن افزوده می‌شود که همین افزایش آگاهی و دانش، افق دید و افکار انسان را بالا برده، باعث ترقی و پیشرفت جامعه می‌گردد. جهت معلومات مزید و بلند بردن سطح دانش تان، اندرزهای سودمند زیر را که در مورد کتاب و مطالعه می‌باشد، به حافظه بسپارید:

♦ کسانی که با افکار عالی و خوب دمسازند، هرگز تنها و بی مونس نیستند.  
فلیپ سیدنی

♦ مطالعه یگانه راهی است برای آشنایی و گفتگو با بزرگان روزگار که قرن‌ها پیش از این در دنیا به سر برده اند و اکنون در زیر خاک منزل دارند.  
دانشمند انگلیسی

♦ آنچه را می‌توان بعد از بیست سال تجربه آموخت مطالعه صحیح در یک سال به ما می‌آموزد.  
دانشمند انگلیسی



برای کسب مهارت در نگارش نیکوترین مددگار یک نویسنده، طبع عالی، تعقل و قوه تخیل در مغز، قریحه‌یی سرشار و قوی در زمینه‌های گوناگون می‌باشد.





- ♦ متنی را که معلم محترم می‌خواند املا بنویسید.
- ♦ نکات مهم درس را در کتابچه‌های خود یادداشت کنید.
- ♦ دو شاگرد جمله‌های مختلف در مورد کتاب و مطالعه روی تخته بنویسند.

## کار گروهی و سخنرانی

- ♦ متن درس را در گروه‌های خود خاموشانه بخوانید.
- ♦ یک شاگرد از هر گروه در مورد مطالعه و فایده‌های آن سخنرانی کند.
- ♦ گروه‌ها برداشت شان را در مورد مطالعه بنویسند و نتیجه توسط یکی از اعضای گروه به دیگران بیان گردد.





- ◆ مطالعه برای رشد استعداد، طرز فکر و آگاهی انسان چه تأثیر دارد؟
  - ◆ کتاب به ما چه می‌آموزد؟
  - ◆ چرا خواندن سرگذشت مردان بزرگ برای ما دلپذیر است؟
  - ◆ استعداد و ممارست در نگارش چه نقش دارد؟
- 
- 
- 



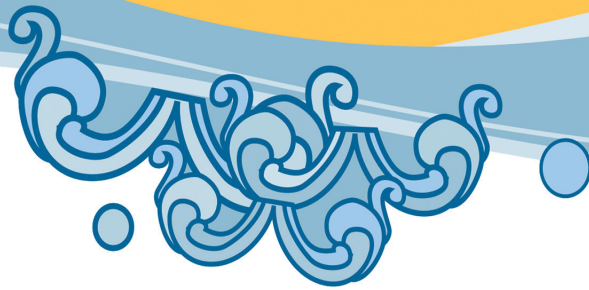
- ◆ در مورد فایده‌های کتاب و مطالعه یک مقاله ترتیب دهید.
- ◆ درس پنجم را به دقت بخوانید و برای معرفی آن در روز آینده آماده باشید.
- ◆ بیت زیر را حفظ کنید:

مکن گردن فرازی تا نسازد دهر پامالت

که نی آخر به جرم سرکشی‌ها بوریا گردد

بیدل

ز نامحرمان گو فراتر نشین	پسر چون ز ده بر گذشتش سنین
پسر را خردمندی آموز و رأی	چو خواهی که نامت بماند به جای
بمیری و از تو نماند کسی	چو فرهنگ و رأیش نباشد بسی



درس پنجم

## تربیت فرزند



فکر دقیق در انتخاب و گزینش دوست و گشت و گذار با اشخاص اهل و صالح، بالای شخصیت انسان تأثیر مستقیم داشته که متضمن نام نیک و آینده خوب و درخشان است.

آموختن خردمندی و تربیت سالم به فرزندان باعث نیکنامی و سرافرازی والدین می‌گردد و سبب می‌شود تا فرزندان در انتخاب دوست دقت کنند و از همان آوانی که درست همانند شاخچه تر درختان، قابلیت انحنا یا خمیدن به هر طرف را دارند، بتوانند راه درست و سالم را انتخاب کنند.

خردمند و پرهیزگارش برآر  
به خُردی دَرَش زجر و تعلیم کن  
نو آموز را ذکر و تحسین و زه  
بیاموز پرورده را دست رنج  
مکن تکیه بر دستگاهی که هست  
به پایان رسد کیسه سیم و زر  
چو بر پیشه‌یی باشدش دسترس  
ندانی که سعدی مراد از چه یافت  
به خُردی بخورد از بزرگان قفا  
هر آن کس که گردن به فرمان نهد  
هرآن طفل که جور آموزگار  
پسر را نکودار و راحت رسان  
که چشمش نماند به دست کسان

نگهدار از آمیزگار بدش  
که بدبخت و بی‌ره کند چون خودش



- پسر چون ز ده بر گذشتش سنین: زمانی که سن پسر از ده گذشت.
- مکن تکیه بر دستگاهی که هست: منظور از دستگاه این دنیا است، یعنی بر دبدبه و تجملات زنده‌گی زودگذر تکیه مکن.
- آمیزگار: در اینجا آمیزنده، آمیزش کننده یا معاشرت کننده
- قارون: از قبیله بنی‌اسرائیل بود و ثروتی فراوان داشت. وی جاه طلب، بخیل و حسود بود، در پرداخت زکات بخل می‌ورزید و گفته‌های حضرت موسی علیه السلام را نمی‌پذیرفت. تا این که روزی حضرت موسی علیه السلام او را نفرین کرد و خداوند جل جلاله زلزله‌یی سخت پدید آورد و زمین قارون، خانه و گنجش را به کام خود کشید.
- هامون: دشت و صحرا

### زمان و مکان در نگارش

از جمله مقتضیات و شرایط نگارش یکی هم موقع و محل مناسب است؛ زیرا بدون آن نویسنده موفق به ایجاد یک اثر عالی نخواهد شد؛ بلکه معنی مبتذل و عبارت سست خواهد آمد. بهترین وقت برای نگارش بعد از استراحت است چون که در آن وقت ذهن با نشاط و طبع آماده کار می‌باشد. هم‌چنین محل مناسب با شرایط درست آراسته بوده از اسباب تشویش چون اصوات گوش خراش و حرکات اذیت کننده بر کنار و فارغ باشد. همین موضوعات بنیان یک نگارش خوب را تشکیل می‌دهد.



چو خواهی که نامت بماند به جای پسر را خردمندی آموز و رأی  
 خطاب به کسانی که در تربیت و خردمندی فرزندان شان غفلت می کنند و  
 این دین مهم و زنده گی ساز را نادیده می گیرند و نمی دانند که چه جرم سنگین و گناه  
 عظیمی را مرتکب می گردند.

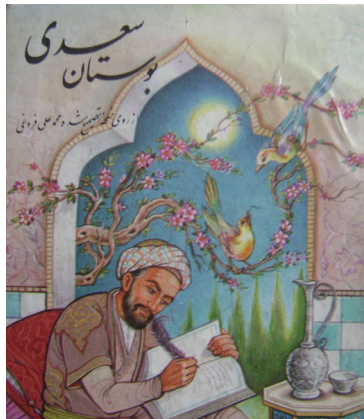
\* \* \*

بهترین وقت برای نگارش بعد از استراحت است چون که در آن وقت ذهن با  
 نشاط و طبع آماده کار می باشد. محل مناسب دور از صداهای گوش خراش و اذیت کننده  
 باعث ایجاد یک اثر عالی می گردد.

\* \* \*

سعدی شیرازی در اوایل قرن هفتم ه.ق. میان خاندانی از عالمان دین در  
 شیراز تولد یافت. در آوان جوانی به بغداد رفت و آنجا در مدرسه نظامیه به تحصیل  
 علوم ادبی و دینی همت گماشت و سپس به عراق، شام و حجاز سفر کرد و در اوسط قرن  
 هفتم ه.ق. به شیراز باز گشت و در سال ۶۹۴ ه.ق. وفات نمود و در همانجا مدفون  
 است.

آثار منشور سعدی غیر از گلستان، مجالس پنج گانه، رساله عقل و عشق و  
 تقریرات ثلاثه است.

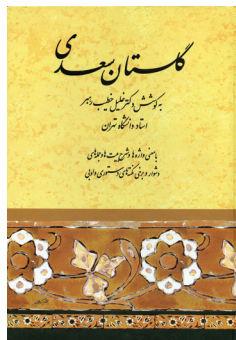




- ♦ متنی را که معلم محترم می‌خواند املا بنویسید.
- ♦ نکات مهم درس را در کتابچه‌های خود بنویسند.
- ♦ دو شاگرد مفهوم بیت زیر را روی تخته بنویسند:  
پسر چون ز ده بر گذشتش سنین      ز نا محرمان گو، فراتر نشین
- ♦ برداشت شان را از مفهوم شعر و نقش معلم در تعلیم و تربیت اطفال بنویسند.

## کار گروهی و سخنرانی

- ♦ درباره مفهوم و محتوای شعر تربیت فرزند، سه شاگرد سخنرانی کنند.
- ♦ گروه‌ها در مورد بیت زیر بحث و گفتگو کنند و برداشت شان را از مفهوم آن با زبان ساده بیان دارند:  
چو بر پیشه‌یی باشدش دسترس      کجا دست حاجت برد پیش کس
- ♦ گروه‌ها در مورد تصویر زیر بحث کنند و یک‌تن از هر گروه نتیجه را به دیگران بیان نماید:





◆ سعدی در کدام قرن می‌زیست؟

◆ تربیت در شخصیت انسان چه نقش دارد؟

منظور شاعر از بیت زیر چیست:

نبیند، جفا بیند از روزگار  
که چشمش نماند به دست کسان

هر آن طفل که جور آموزگار

پسر را نکو دار و راحت رسان

◆ مفهوم کلی درس چیست؟

.....

.....

.....

.....



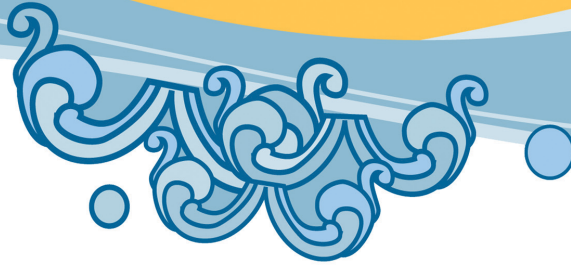
◆ اندرز زیر را حفظ کنید و دربارهٔ تربیت و اخلاق خوب، یک مقالهٔ زیبا در ده سطر

بنویسید.

(ادب خرجی ندارد؛ ولی همه چیز را خریداری می‌کند.)

◆ متن کامل درس ششم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی

بگیرید.



درس ششم

## دقیقی بلخی



من اینجا دیر ماندم خوار گشتم  
عزیز از ماندن دایم شود خوار

چو آب اندر شَمَر بسیار ماند  
ز هومت گیرد از آرام بسیار

ابو منصور محمد بن احمد دقیقی با منصور بن نوح و نوح بن منصور سامانی معاصر بوده و بعضی از امرای چغانیان را مدح گفته، پیش از فردوسی به گفتن شاهنامه اقدام کرده و هزار بیت در باب سلطنت گشتاسب به نظم آورده و فردوسی این هزار بیت را بر اثر خوابی که دیده در شاهنامه خود نقل کرده است.

دقیقی بلخی شاعر مدیحه سرا و بزرگ زبان فارسی دری با عمر کوتاهی که داشت به سرودن اشعار گوناگون دست یازید؛ اما آن چه مسلم است دیوانش از اکثر اشعار اعم از غزل، قصیده و مثنوی انباشته بود؛ اما در حال حاضر از او مطالب زیادی که در خور شأن او باشد در دست نیست.

دقیقی سعی فراوان به سرودن شاهنامه داشت؛ ولی بنابر دلایل نا معلوم در عهد شباب به دست غلام خود کشته شد که بعد از آن فردوسی شاهنامه را به اتمام رسانید.

زنده گی برای دقیقی بسیار بیوفا بود و در این مدت کوتاه نیز او به دربارهای مختلف که در آن دوران وجود داشت سرکشی کرد. از قصاید معدود او که به دست آمده پیداست که سخنش پخته و بلیغ بوده است؛ اما چون عمرش طولانی نبود نمی توان مرام و مسلک واقعی او را دریافت. او در زمان زنده گی یکجا ساکن نبود و شاید دنبال ماوایی می گشت؛ اما اجل به او مهلت نداد.

در میان سامانیان با امیر منصور بن نوح و فرزندش نوح بن منصور ارتباط یافت و برخی معتقداند که به فرمان آن ها بود که به نظم شاهنامه پرداخت.

دقیقی شاعر مدیحه سرا بود و از خوشی های زنده گی لذت می برد. وی چون به میان سالی نرسید، نمی توان روحیات او را سنجید؛ اما اشعاری که از او باز مانده بسیار پخته و چنین می نماید که اگر ادامه می یافت آثارش جزو شاهکارهای ادبی تاریخ محسوب می شد.



## نمونه کلام:

بر افگند ای صنم ابر بهشتی  
زمین را خلعت اُردی بهشتی

زمین برسان خون آلوده دیبا  
هوا بر سان مُشک اندوده مُشتی

به طعم نوش گشته چشمه آب  
به رنگ دیده آهوی دشتی

چنان گردد زمان هزمان که در دشت  
پلنگ آهو نگیرد جز به کشتی

بتی باید کنون خورشید چهره  
مهی گر دارد از خورشید پُشتی

جهان طاووس گونه گشت گویی  
به جایی نرمی و جایی دُرُشتی

بدان ماند که گویی از می و مُشک  
مثال دوست بر صحرا نِبِشتی

ز گل بوی گلاب آید بدانسان  
که پنداری گل اندر گل سرشتی





- هزمان: مخفف هر زمان.
- مشتی: به ضم میم، نوعی از جامه لطیف و حریر نازک.
- نِشْتی: نقش کردی.



### مراحل نگارش

نگارش از آغاز تا پایان سه مرحله متمایز و باهم مرتبط را در بر می‌گیرد که عبارت اند از:

۱. مرحله ایجاد فکر

۲. مرحله تنظیم فکر

۳. مرحله بیان فکر

در درس‌های بعدی هر کدام از مراحل نگارش را به طور جداگانه می‌خوانیم.



بر افگند ای صنم ابر بهشتی

زمین را خلعت اُردی بهشتی

شاعر ابر را، بهشتی یا دارنده دست سخاوت گفته است، یعنی باریدن باران در موسم بهار باعث زیبایی و طراوت طبیعت گردیده و زمین را چنان خوشبو، زیبا و سبز و خرم می‌سازد که با جامه بهاری، سرخ و لاله گون می‌گردد.



متنی را که معلم محترم می‌خواند املا بنویسید.

سه شاگرد در مورد بیت زیر جمله‌های مختلف بنویسند:

ز گل بوی گلاب آید بدانسان که پنداری گل اندر گل سرشتی

با توجه به پیام درس، درباره موضوع زیر سه سطر بنویسید:

شاعران نامدار افغانستان

## کار گروهی و سخنرانی

پس از مشوره در گروه، یک شاگرد درک و برداشت گروهش را به دیگران بیان

کند.

یک شاگرد از هر گروه در مورد زنده گی نامه دقیقی سخنرانی کند.

پس از مشوره در گروه، مفهوم بیت زیر را بیان دارید:

جهان طاووس گونه گشت گویی به جایی نرمی و جایی دُرشتی

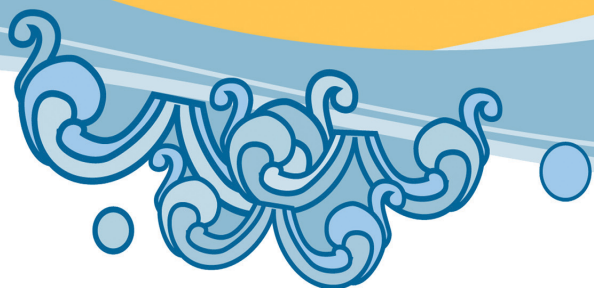




- ◆ دقتی کی بود؟
- ◆ شاهنامه اثر دقیقی است یا فردوسی؟
- ◆ نگارش، چند مرحله دارد؟ نام ببرید.
- ◆ متن شعر را با آواز بلند و مناسب دکلمه کنید.



- ◆ واژه‌های آتی را طوری در جمله‌ها به کار بندید که با متن درس ارتباط داشته باشد.
- ..... مدیحه
- ..... انباشته
- ..... بلخ
- ..... شباب
- ◆ متن کامل درس هفتم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.



## ناول چیست؟



ناول مترادف زمان است که در زبان دری داستان بلند یا داستان دراز گفته می‌شود.

ناول مترادف رُمان است که در زبان دری به داستان بلند یا دراز گفته می‌شود. این اصطلاح ره آورد دنیای غرب است، که با نام، محتوا و مفهوم خود در ادبیات ما راه یافته است.

چون ترجمهٔ این نوع آثار در اوایل کار از زبان فرانسوی صورت گرفت، اصطلاح رُمان نیز با ترجمهٔ کتاب‌های رُمان متداول شد و در زبان و فرهنگ ادبی ما جا افتاد. تاریخ پیدایش و طلوع آن در فرهنگ ادبی جهان، از دو صد و پنجاه سال تجاوز نمی‌کند. در حقیقت وقتی آدمی شناسنامه و هویت فردی خود را پیدا کرد، رمان نیز تولد یافت. نویسندگان نیز بر اثر این تحول ادبی، به ابداع آثار دست یازیدند.

ادبیات، پوشش اشرافی و اختصاصی خود را به دور انداخت و محتوای آثار، دگرگون شد. طبقهٔ متوسط و مردم عام برای اولین بار مورد توجه قرار گرفت و شخصیت‌های آن‌ها به ادبیات راه یافت. به تدریج فرد به نیروی خلاقه، زنده‌گی درونی، عاطفی و ویژه‌گی‌های شخصیت خود آگاهی یافت و رُمان که حاصل این شناخت است آفریده شد و به معنای واقعی و امروزی آن به وجود آمد.

نویسندگان در ناول یا رُمان، شخصیت‌ها را از نمونهٔ انسان واقعی می‌آفرینند و عکس‌العمل آن‌ها را در برابر اعمال و رفتار خود شان و شخصیت‌های دیگر به نمایش می‌گذارند. خصوصیات درونی و روانی آن‌ها را در برابر وقایع ترسیم می‌کنند و نشان می‌دهند که شخصیت‌های داستان چه می‌کنند چه می‌اندیشند، خلاصه نمونه‌یی از انسان واقعی را با همه خصوصیات روحی و عاطفی می‌آفرینند.

از این رو می‌بینیم که با وجود گسترش و رشد امور اختصاصی و تخصصی و آن‌چه که علوم انسانی نامیده می‌شود، با وجود خلق و ابداع شکل‌های هنری دیگر، ناول یا رمان به بقا و زنده‌گی خود ادامه داده و اصالت و تنوع‌گرایی آن همچنان محفوظ مانده است؛ البته رُمانی که ما امروز می‌شناسیم، همان رمان قرن هژده یا حتی قرن نوزده نیست. رُمان امروزی تغییرات و دگرگونی‌های بسیاری پذیرفته است و در سیر تحولات خود دگرگونی‌های دیگری نیز خواهد پذیرفت؛ زیرا رُمان ساختمانی از تجربه است و

همچون جامعه، عقاید و تجربیات آدمی، تغییر و تحول می‌پذیرد، همانطوری که ذهن و معرفت بشری دچار تحول و تغییر است، رُمان نیز همگام با این تحول است. با این حال رُمان، هنوز هم، رمان، باقی مانده و گسترش شکل هنری آن تداوم و بقای فرهنگی به آن بخشیده است.

ویلیام هزلیت نویسندهٔ انگلیسی در قرن نوزده، رُمان را چنین تعریف کرده است: (( رُمان داستانی است که بر اساس تقلیدی نزدیک به واقعیت، از آدمی و عادات و حالات بشری نوشته شده باشد و به نحوی از آنحاء شالودهٔ جامعه را در خود تصویر و منعکس کند.))

همین طور تعریف‌های زیادی برای رُمان آورده اند که از آن جمله می‌توان از ژان هیته منتقد فرانسوی نام برد که در مورد تعریف رُمان چنین گفته است: ((فرهنگ‌ها که معمولاً تعریف‌های‌شان کمی با فکر بیشتر تهیه شده است، همه متفقند بر اینکه: رُمان سرگذشتی است که برای جلب توجه خواننده فراهم شده باشد.))؛ اما چنان که ملاحظه می‌شود این تعریف نیز کامل نیست؛ زیرا اولاً رُمان‌های کسل‌کننده هم کمیاب نیست و ثانیاً این تعریف تنها به رمان محدود نمی‌شود؛ بلکه همه انواع ادبی برای جلب توجهٔ خواننده عرضه می‌شود.

بهترین رُمان، رُمانی است که شعور ما را نسبت به خود و دنیای اطرافیان تعالی بخشد و گاهی نیز ما را از خود بی خود کند. البته میان رُمان‌ها باید تفاوتی قایل شد. فرق است میان رُمانی که تصویر واقعی از زنده‌گی به دست می‌دهد و رویای شکل گرفتهٔ ذهنی را منعکس می‌کند؛ تا رمان تفننی که هدفش چیزی جز سرگرمی و مشغول کردن خواننده نیست.



## ۱. مرحله ایجاد فکر

پیش از آغاز نگارش باید فکر کنیم چه می‌خواهیم بنویسیم باید اندیشه و دقت خود را به کار بیندازیم؛ زیرا بدون اندیشه و دقت کافی، بیان درست و دقیق مطلبی امکان پذیر نیست.

دقت و اندیشه دربارهٔ موضوع، باعث می‌شود که طرح نوشته در ذهن پدید آید و شکل گیرد. برای نویسنده لازم است که مدتها به تفکر بپردازد و تعمق نماید تا موضوع دلچسپ، مفید و طرف نیاز مردم را انتخاب کند و آن را سوژهٔ نگارش قرار دهد و در همین مرحله دقت زیاد به خرج دهد و بکوشد تا موضوع بکر را برگزیند. افکار از دو منبع کلی سرچشمه می‌گیرد:

الف) مشاهدات و تجربه‌های شخصی، موضوعاتی که در آن مورد مطالعه کردیم و یا فلم‌ها و برنامه‌های تلویزیونی را که دیدیم.

ب) مشاهدات و تجربه‌های دیگران که از آن‌ها شنیده ایم.

ناول مترادف رُمان است که در زبان دری داستان بلند یا داستان دراز گفته می‌شود. ناول یا رُمان را به انواع زیر تقسیم کرده اند:

- ۱- رُمان‌های حادثه یی، که نمایش هیجانانگیز روحی و نفسانی آدمی است.
- ۲- رُمان‌های خیالی واقعیت‌های طبیعی را، با توصیف والاتر می‌سازد.
- ۳- رُمان‌های واقعی که به آن‌ها رُمان‌های عشقی نیز اطلاق می‌شود.
- ۴- رُمان‌های پولیسی و جنایی دارای ارزش خاص خود می‌باشد.

- ۵- رُمان‌های علمی که به رُمان حادثه‌ی‌ی و خیالی شبیه است.
- ۶- رُمان‌های تمثیلی و سمبولیک که رویدادهای به ظاهر واقعی برای بیان اغراض فلسفی، عرفانی و اجتماعی استفاده می‌شود.
- ۷- رُمان‌های غیر داستانی یا غیر تخیلی که ماجرا و وقایع داستان بر اساس حوادث و اتفاقات مستند و حادث شده، آفریده شده است.

\* \* \*

بدون اندیشه و دقت کافی، بیان درست و دقیق مطلبی امکان پذیر نیست. موضوع دلچسپ، مفید و طرف نیاز مردم با دقت و تعمق نویسنده امکان پذیر است. دقت و اندیشه دربارهٔ موضوع، باعث می‌شود که طرح نوشته در ذهن پدید آید و شکل گیرد.



- ♦ متنی را که معلم محترم می‌خواند املا بنویسید.
- ♦ یک شاگرد رُمان یا ناول را تعریف کرده، روی تخته بنویسد.
- ♦ دو شاگرد نکات عمده و مهم مرحله ایجاد فکر را، روی تخته بنویسند.
- ♦ یک شاگرد واژه‌های جدید درس را روی تخته بنویسد، معنی کند و جمله بسازد.

## کار گروهی و سخنرانی

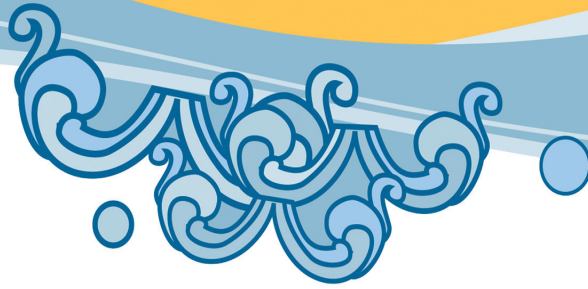
- ♦ با مشوره در گروه‌ها دربارهٔ مفهوم درس، سه شاگرد سخنرانی کنند.
- ♦ یک شاگرد از هر گروه، نکات مهم مرحلهٔ ایجاد فکر را در نگارش، با زبان ساده به دیگران بیان کند.



- ◆ ناول و رُمان از هم چه فرق دارند؟
- ◆ ویلیام هزلیت نویسندهٔ انگلیسی رُمان را چگونه تعریف کرده است؟
- ◆ از هر گروه دو شاگرد درس را با صدای بلند بخوانند.



- ◆ با در نظر داشت مرحله ایجاد فکر، در مورد اخلاق نیکو یک مضمون بنویسید.
- ◆ متن کامل درس هشتم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیریید.



درس هشتم

## داستان کوتاه

### یتیم



خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

(فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ)

یعنی: بر یتیم خشمگین مشوید.

سوره الضحی / آیت ۹



دسترخوان پلاستیکی تَرک خورده را که در بالای تاقچه قرار داشت، پایین کرد و پارچه نانی را که تازه نبود از آن بیرون آورد. قسمت خودش را گرفت و حصهٔ مادر را به دستر خوان پیچید و دوباره سرجایش گذاشت. نزدیک مادر رفت و صدا زد: «مادر! مادر بخیز! که مه می ترسم.» مگر جوابی نشنید. سرش را روی سینهٔ مادر گذاشت. داغ بود، خیلی داغ و بوی تب و عرق میداد در گرمی آغوش مادر احساس آرامش کرد. به آواز مادر - که هر چند لحظهٔ یک بار، الله می گفت، گوش فرا داد. به یاد روزهایی افتاد که «ادی» برای طلب خیر به خانهٔ شان می آمد. مادر برایش چیزهایی می گفت و «ادی» هر چند لحظهٔ بعد رو به آسمان می کرد و الله می گفت. هر دو باهم گریه می کردند و در این حال از یاد می بردند که حاجتمند کیست و حاجتروا کدام است. «ادی» می رفت و دروازهٔ همسایه را میزد و خیر طلب می کرد. «غنی» با قد کوتاه و کومه‌های گوشتی‌اش در را باز می کرد و پارچه نانی را که از آن تفت بلند میشد در چادر او می انداخت و در را با شتاب می بست. «ادی» سرش را به طرف آسمان می کرد و الله می گفت. رؤوف هم به تقلید از او به آسمان نگاهی می انداخت، تا شاید چیزی را ببیند که ادی و مادرش می دیدند....

\* \* \*

صدای آذان که مردم را برای نماز شام فرا می خواند... او نیز هر شام با پدرش به مسجد می رفت و با این کار خودش را بزرگتر فکر می کرد؛ اما این چندمین شام پیهم بود که تلخی نبودن پدر را تجربه می کرد. سرش را از روی سینهٔ مادر برداشت و از جا بلند شد. ناگهان چشمانش به بوتهای پدر افتاد که بی صاحب در دهن دروازه افتاده بود. سایهٔ خاطرات گذشته دوباره در پردهٔ ذهنش نقش بست. به یادش آمد همان روزی که پدرش این بوت‌ها را از دکان «کاکا عبدل» خرید، برای رؤوف هم یک جوره بوت خریده بود که یکی از آن را «غنی» در نهر آسیاب انداخته بود و رؤوف تا چند روز دیگر با چپک میگشت. به یاد آورد که پس از خریدن آن بوته‌ها، پدرش از دکان کریم گوشت خرید و چون شب عید قربان بود، مادرش با آن یک پلو مزه دار پخته بود. چیزی که سالی دو-سه بار میسر نمی شد.

صدای میو میو پشک همسایه باز رشته افکارش را از هم پاره کرد. چشمانش به سایه جولایی که بر روی دیوار چند برابر بزرگتر شده بود افتاد، سخت ترسید و وحشت زده شد. سرا پایش را سردی فرا گرفته بود و نمی دانست چه کند. از فضای سرد و غم انگیز خانه دلگیر شده بود؛ نزدیک کلکین کوچک رفت و از پشت شیشه شکسته - به امید دیدن سایه‌یی به شکل پدرش که از میان جنگل گذشته و به سوی خانه می‌آید - چشم به آن سوی جنگل کوچک دوخت؛ ولی جز صدای به هم آمیخته زوزه باد و آواز زاغان جنگلی که روی شاخه‌های سفید و پر برف پناه گرفته بودند چیزی ندید. بچه‌های دهکده همه به خانه‌های شان رفته بودند. باز صحنه نشستن آن‌ها در گرد دسترخوان‌های مملو از غذاهای مزه دار و نان‌های گرم در کنار پدر و مادر و بعد خواب آرام در زیر صندلی‌های داغ در نظرش جان گرفتند؛ نا خود آگاه پاهای مادر را که از زیر لحاف بیرون آمده بود، پوشانید و در دل آرزو کرد، کاش پدرش دوباره برگردد. حیران بود مادر مریضش را چگونه پرستاری کند. هیزم خلاص شده بود آخرین توت‌ه نان را هم با مادر قسمت کرده بود. فکر کرد چگونه خواهد توانست از عهده این همه باری که پدر بدوشش گذاشته و خود رفته بود بر خواهد آمد.

صدای بسته شدن دروازه که با غژغژ هیبتناکی همراه بود، نتوانست رعشه ترس را بر رشته افکار او چیره سازد؛ زیرا او تصمیم خود را گرفته بود که باید پدر را به خانه برگرداند. زنجیر را به میخ زنگ زده‌یی که چندین برابر خودش عمر داشت داخل کرده راه قبرستان را در پیش گرفت.

آخرین وامانده‌های لشکر زردپوش غروب هنوز بر بلندای شاخساران چنارهای سفیدپوش به نظر می‌رسید و زاغان سیه فام، آمد آمد سیاهی شب را با قاغ قاغ‌های پی‌هم خویش جشن گرفته، در بلندترین شاخه‌های پر برف درختان، باهماهنگی «کولی باد پریشان دل آشفته صفت» در رقص و آواز بودند. رؤوف نزدیک توده خاکی پوشیده از برف رسید که از همه بلند تر به نظر می‌رسید. روی قبر پدر زانو زد. انگشتان پاها و دستهایش یخ بسته و بی‌حس شده بودند. بغض گلویش با حسرت بودن در آغوش پدر ترکید. با

آستین کرتی پینه خورده‌اش اشک‌های سردش را پاک کرد، پدرش را در زیر انبارهای خاک مجسم کرد که راحت خوابیده بود. فکر کرد شاید هم گرسنه باشد، روزنی می‌پالید که مگر بتواند پدر را از آن ببیند؛ با سر انگشتان سرما خورده‌اش برف‌ها را کنار زد و در خاک تازه، سوراخی کند. پارچه نان را دو قسمت کرد و قسمت پدر را درمیان سوراخ گذاشت، حشره کوچکی سر از خاک بیرون کشید و ناگهان زاغی بد روی قاغ قاغ کنان از شاخه درخت به پایین پرید و حشره را در منقارش به بالا کشید. رؤوف دهانش را روی سوراخ گذاشت و صدا زد: «پدر! مه از زاغا می‌ترسم بیا که یکجای خانه بریم امروز هیزم نبود خانه یخ یخ است مه گشنه شدیم از خانه غنی شان بوی گوشت می‌آمد مگم مه ده قصیش نشدم.ها راستی پدر صبا عید قربان اس مگم مه... مه ده قصه شیرینی وکلچه نیستم کالای نو هم به کار نیست. بان که غنی سر بوتایم خنده کنه مه و تو صوب وخت بخیر میریم هیزم جمع کدن، اگه ده دستایم خار خلیلد گریه و ناله نمی‌کنم زود زود هیزما ره قوده میکنم مه دگه مرد شدیم هشت ساله بچه استم. راستی پدر امروز گل روز ده خانه بودم نه کتی کس دست به یخن شدم نه ده لب ماجد رفتم کل روز سبقایمه تکرار کدم می‌خایی برت بخانم؟: بسم الله الرحمن الرحيم پنج بنای مسلمانی اول کلمه دویم نماز سیم روزه چارم زکات پنجم حج خانه کعبه شریفه. بسم الله الرحمن الرحيم الحمدولله رب العالمین... قل هو الله احد الله الصمد... قل اعوذ برب الناس ملک الناس.....»

\* \* \*

فردا صبح، هنوز فضای مسجد انباشته از آوازهای «عیدت مبارک، ایام شریف مبارک، عید شما مبارک و...» بود که گروهی از مردان قریه، جنازه‌یی بر دوش سوی قبرستان در حرکت افتادند.

نارسیده به قبرستان متوجه شدند، خلیفه لعل گل، سراسیمه و نفس زنان به طرف شان روان است که با نزدیک شدن جمعیت، «خلیفه» صدا زد:

- ملاصایب! مه دوتا قبر کندیم.

- به خاطر چه؟

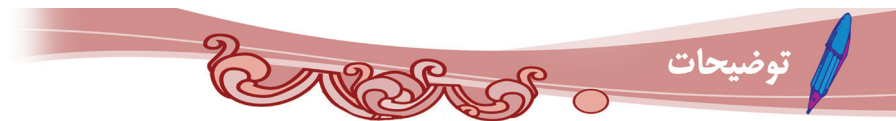
- خود تان بیاین و ببینین.

وقتی طول قبرستان را پیمودند و به نزدیکی قبر تازه رسیدند، پیش از آن که جنازهٔ مادر رؤوف را بر زمین گذارند، دیدند کودکی بر سوراخ قبری دهن گشوده و جان سپرده و در این حال زاغان حریص و سیاه، لقمهٔ نان را که در بین انگشتان سردش بود با طمع نول میزدند.

اطفال کنجکاو دهکده که جنازه را با بزرگترها همراهی کرده بودند با دیدن رؤوف قلب‌های کوچک شان فشرده شده بود و گرد رؤوف حلقه زده می‌گریستند. غنی، پیش پاهای برهنه و سرد رؤوف زانو زده هق هق می‌گریست، از این که بوت‌های او را در نهر آسیاب انداخته بود و باکودکان دیگر از پایان و بالا دویدن رؤوف چند لحظه خندیده بودند احساس ندامت می‌کرد.

آنسو تر پرنده بی ناشناخته بر روی لوحهٔ گوری خاموش نشسته و درحالی که مرتب نول خود را باز و بسته می‌کرد، گاهی به طرف آسمان نظر می‌انداخت. گویی او هم مانند «ادی» الله می‌گفت و شاید هم روح ادی بود که از سرگردانی خم و پیچ کوچه‌های گمنام خود را رهانیده بدینجا آمده بود که رؤوف را تا نزد پدرش همراهی کند.

نوشته: سلطانه مولانازاده



داستان کوتاه مثل دریچه‌یی است که به روی زنده‌گی شخصیت یا شخصیت‌هایی، برای مدت کوتاهی باز می‌شود و به خواننده فقط امکان می‌دهد که از این دریچه به اتفاقاتی که در حال وقوع است نگاه کند.

## ۲. مرحله تنظیم فکر

بعد از ایجاد فکر در نگارش مرحله‌ی تنظیم فکر آغاز می‌شود. در همین مرحله نویسنده با در نظر داشت ارکان نگارش نوشته‌اش را به فصول تقسیم می‌کند که عبارت از مقدمه، شروع مطلب، شرح و بسط و نتیجه می‌باشد. هر کدام این فصول دارای عناصر اصلی و فرعی متعدد بوده باید هر کدام آن جدا جدا در نظر گرفته شود، تا موضوعات باهم آمیخته نگردد؛ زیرا این کار برای نگارنده و خواننده هر دو مشکل ایجاد می‌کند در حالی که تنظیم فکر به صورت درست هم برای خواننده و هم برای نویسنده سهولت فراهم نموده مفید واقع می‌گردد.

نویسنده نباید پایه تفکر خود را کاملاً و به صورت یک نواخت روی چیزهای غیر محسوس قرار دهد؛ بلکه پایه تفکر او تا اندازه‌ی بر مدرکات و حسیات هم گذاشته شده باشد. در حقیقت فکر کردن از نوشتن جدا نیست؛ بلکه عامل اساسی در نگارش فکر درست و ذوق سلیم است.

نگارش زیبا و رسا آنست که موضوع آن قبلاً با درستی و مهارت در ذهن پرورش و تنظیم شده، صورت دلپسند، منطقی و یکدست به خود گرفته باشد آنگاه اقدام به بیان آن گردد.





(إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا)  
(النساء/ آیت ۱۰)

آنانی که اموال یتیمان را به ظلم می‌خورند، در حقیقت آتش را در شکم خویش می‌افکنند و به زودی در آتش فروزان دورخ خواهند افتاد. رسول خدا ﷺ فرموده اند:

(أَنَا وَ كَافِلِ الْيَتِيمِ لَهُ وَ لِعَيْرِهِ فِي الْجَنَّةِ هَكَذَا وَ أَشَارَ بِالسَّبَابَةِ وَالْوَسْطَىٰ...)

(روایت سعل بن سعد رض/ بخاری)

من و سرپرست یتیمان و محتاجان در جنت، درست مانند انگشت شهادت و انگشت میانه، با هم نزدیک می‌باشیم.



نگارش زیبا و رسا آنست که موضوع آن قبلاً با درستی و مهارت در ذهن پرورش و تنظیم شده، صورت دلپسند، منطقی و یکدست به خود گرفته باشد آنگاه اقدام به بیان آن گردد. فکر درست و ذوق سلیم عامل اساسی یک نگارش زیبا و رسا است و نویسنده نباید پایه تفکر خود را کاملاً و به صورت یک نواخت روی چیزهای غیر محسوس قرار دهد



- ♦ متنی را که معلم محترم می‌خواند املا بنویسید.
  - ♦ نکات مهم درس را در کتابچه‌های خود یادداشت کنید.
  - ♦ دو شاگرد در مورد مفهوم جمله زیر چند سطر روی تخته بنویسند:
- (آخرین وامانده‌های لشکر زردپوش غروب هنوز بر بلندای شاخساران چنارهای سفیدپوش به نظر می‌رسید)

## کار گروهی و سخنرانی

- ◆ گروه‌ها پس از مشوره برای متن درس یک مقدمه زیبا بنویسند.
- ◆ یک شاگرد از هر گروه در مورد شیوه برخورد و رفتار با یتیمان و نیازمندان و تصویر زیر سخنرانی کند:



### خود آزمایی

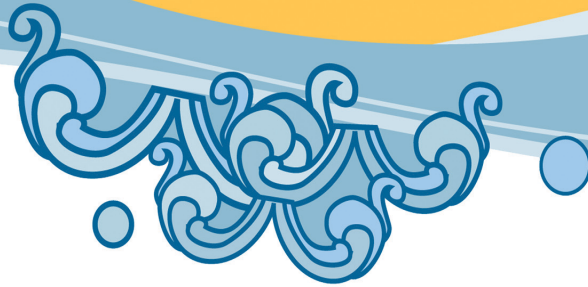


- ◆ رؤوف از کلکین چه را دید و چه آرزو کرد؟
- ◆ چرا غنی بوت رؤوف را به نهر آسیاب انداخت؟
- ◆ رؤوف به پدر خود چه گفت؟
- ◆ نگارش چند مرحله دارد؟ نام ببرید.

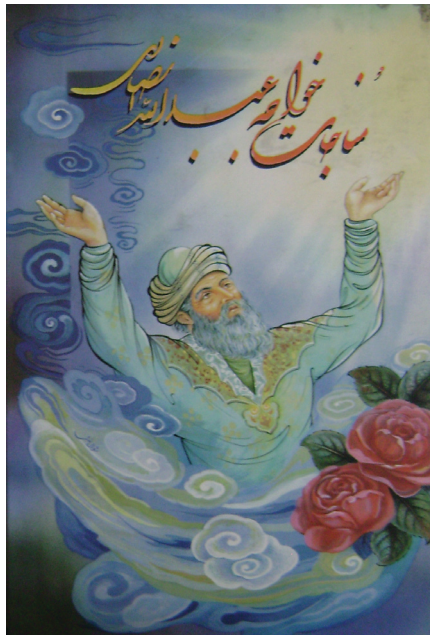
### کارخانه‌گی



- ◆ احساس تان را در مورد مفهوم درس و این که تا حال با نیازمندان و یتیمان چه کرده اید و در آینده چه خواهید کرد، ده سطر بنویسید.
- ◆ متن کامل درس نهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.



## پند بزرگان



ابو اسماعیل محمد بن انصاری هروی معروف به پیر هرات، پیر انصار، خواجه عبدالله انصاری، از شعرا و عرفای قرن چهارم هـ.ق. در سال ۳۶۹ هـ.ق. در شهر هرات متولد شده و جد پدریش ابو ایوب انصاری و مادرش از اهالی بلخ بود.

خواجه از کودکی زبان گویا و فصیح و طبع لطیف و روان داشته، طوری که ادبیات فارسی دری و عربی را به خوبی فرا گرفته و در سرودن اشعار ماهر بود. خواجه آثار زیادی دارد که از آن میان به تفسیر قرآن مجید و رساله نثر زیبای مناجات نامه، نصایح زادالعارفین، قلندرنامه، رساله دل و جان و الهی نامه اشاره نمود.



ای عزیز!

- عمر را به نادانی به آخر مرسان، بیاموز و بیاموزان.
- علم اگر چه دور باشد بطلب، کم گوی، کم خور و کم خفت باش.
- در سختی‌ها صبر پیشه‌گیر، به شکسته و ریخته و گذشته افسوس مخور.
- به آن چه در دست داری، شادمان باش و به آن چه از دست رفت، غم و دریغ مخور.
- در سخن ثواب اندیش باش، کس را به افراط مگوی و مستای، اگر چه زیان افتد.
- از برای اندک چیزی خود را بی قدر مکن.
- کاری که به محبت و دوستی بر نیاید، دیوانه‌گی در او بباید.
- بر اندک خود قانع مباش.
- در مُهمّات ضعیف الرأی و سست همت مباش.
- حرمت را به از مال دان.
- از آموختن علم و پیشه عار مدار.

\* \* \*

از بی ادبی کسی به جایی نرسید  
سر رشتهٔ ملک پادشاهی ادبست  
دُرِیست ادب به هر گدایی نرسید  
تاجیست که جز به پادشاهی نرسید

\* \* \*

صد سال در آتشم اگر مهل بود  
با مردم نا اهل مبادا صحبت  
آن آتش سوزنده مرا سهل بود  
کز مرگ بدتر صحبت نا اهل بود

\* \* \*

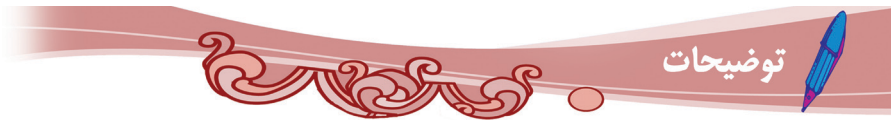
عیب است بزرگ برکشیدن خود را  
از مردمک دیده بباید آموخت  
وز جملهٔ خلق بر گزیدن خود را  
دیدن همه کس را و ندیدن خود را

\* \* \*

یارب دل پاک و جان آگاهم ده      آه شب و گریه سحر گاهم ده  
در راه خود اول ز خودم بیخود کن      بیخود چو شدم ز خود به خود راهم ده

\* \* \*

در راه خدا دو کعبه آمد حاصل      یک کعبه صورتست و یک کعبه دل  
تا بتوانی زیارت دل ها کن      کافزون ز هزار کعبه آمد یک دل  
از مقالات و مناجات خواجه عبدالله انصاری



- ۱- در سخن ثواب اندیش باش، کس را به افراط مگوی و مستای، اگر چه زیان افتد. همیشه به خیر و فلاح مردم لب باز کن، هیچ گاهی یکی را در مقابل دیگری بی قدر و ذلیل نکن و همیشه به شخصیت و اهلیت انسان ارج و احترام بگذار، غیبت مکن، دروغ مگو، هر چند نقص و زیان کنی؛ ولی همیشه حق پرست و حق بین باش.
- ۲- در مُهَمّات ضعیف الرأی و سست همت مباش.
- یعنی در هر کاری با اراده قوی، عزم راسخ و با متانت و استواری عمل کنید.
- ۳- در راه خدا دو کعبه آمد حاصل      یک کعبه صورتست و یک کعبه دل  
تا بتوانی زیارت دل ها کن      کافزون ز هزار کعبه آمد یک دل  
منظور از کعبه صورت، یعنی کعبه حجاز که در مکه مکرمه است و مسلمانان جهت ادای رکن پنجم اسلام برای فریضه حج به آنجا می روند.
- منظور از کعبه دل، همانا دل هر انسان است که مظهر اعمال نیک و بد اوست و در حقیقت خانه‌ی است که بازتابگر پاکی‌ها و ناپاکی‌های نیت هر انسان می باشد.
- پس بر ما لازم است تا در راضی نگه داشتن دل‌ها توجه نماییم و بدون کینه، تعصب، غرور و تکبر همه را دوست داشته باشیم و ارزش حقوق یکدیگر را بدانیم.

## مرحله بیان فکر

پس از تنظیم فکر نوبت می‌رسد به بیان فکر یعنی نویسنده هر گاه به ایجاد فکر و تنظیم فکر نایل آید می‌تواند به آسانی آن را بیان دارد. به شرط این که به مشق و ممارست پرداخته باشد. در مرحله بیان فکر دو وسیله وجود دارد یکی گفتار و دیگری نگارش.

نویسنده‌گان به صورت اغلب راه دومی را انتخاب می‌کنند در حالی که بعضی از ادبا به خصوص مبلغان از راه نخستین استفاده کرده فکر ایجاد و تنظیم شده را توسط گفتار ارائه می‌نمایند. گفتار میان تفکر و نگارش به منزله حلقه‌بی است؛ یعنی در بین این دو راه وسیله تفکر، ارتباط محکم وجود دارد؛ چنانکه: یکی اثر پذیر دیگر است؛ مثلاً: نویسنده وقتی معانی را به تصویر می‌آورد و آن را ترتیب می‌کند آنگاه در صورت نگارش نخست عبارات و جملاتی برای آن در ذهن خود تهیه کرده سپس آن را می‌نویسد و در این صورت هر قدر گفتار واضح و روشن باشد نگارش به همان اندازه روان و رسا می‌آید.

علم اگر چه دور باشد بطلب، کم گوی، کم خور و کم خفت باش.  
هیچ‌گاهی در آموختن علم و دانش غفلت نکنیم و یک لحظه وقت گران‌بهای خود را بیجا و بی مورد تلف ننماییم. اطمینان داشته باشید که سعی و تلاش شبانه روزی و جد و جهد خسته‌گی ناپذیر انسان را، بر مقام بلند پیروزی و موفقیت می‌نشانند.  
صفات برازنده یک انسان آگاه در کم گفتن و خوب گفتن، کم خوردن و پاک خوردن و کم خوابیدن و سحر خیز بودن آن است.

یارب تو چنان کن که پریشان نشوم  
بی منت خلق خود مرا روزی ده

محتاج به بیگانه و خویشان نشوم  
تا از درِ تو بر درِ ایشان نشوم

خواجه عبدالله انصاری \* \* \*

در مرحلهٔ بیان فکر دو راه وجود دارد یکی گفتار و دیگر نگارش و یک نویسنده وقتی معانی را به تصویر می‌آورد و آن را ترتیب می‌کند، آنگاه در صورت نگارش نخست عبارتی برای آن در ذهن خود تهیه کرده سپس آن را می‌نویسد.



- ♦ متنی را که معلم محترم می‌خواند املا بنویسید.
  - ♦ فکر کنید و راجع به اندرز زیر هر کدام یک جمله بنویسید:  
( در سختی‌ها صبر پیشه‌گیر، به شکسته و ریخته و گذشته افسوس مخور.)
- .....
- .....
- .....

## کار گروهی و سخنرانی

- ♦ یک نفر از هر گروه صفات یک انسان آگاه و پسندیده را با زبان ساده بیان کند.
- ♦ از هر گروه یک تن در مورد مفهوم رباعی زیر سخنرانی کند:

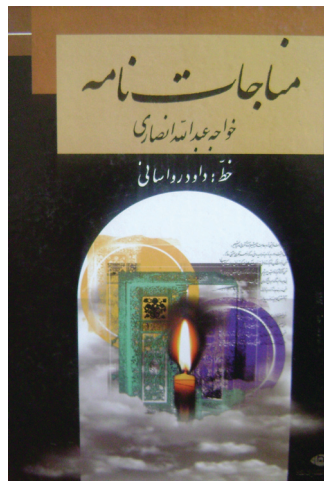
بیاد تو انیس خاطر غمگینم  
بر یاد تو فریاد تو دارم شب و روز

بی یاد تو من هیچ گهی ننشینم  
شمع غم توست بر سر بالینم

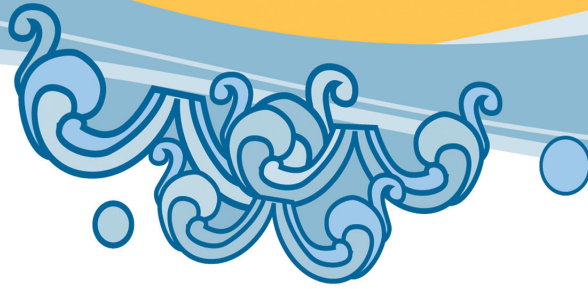
خواجه عبدالله انصاری



- ◆ خواجه عبدالله انصاری را معرفی نمایید؟
- ◆ کتابهایی را که خواجه عبدالله انصاری نوشته است، کدامها اند؟
- ◆ یک شاگرد مشخصات مرحله بیان فکر را بیان کند.
- ◆ منظور نویسنده را از اندرز زیر واضح سازید:  
( از آموختن علم و پیشه عار مدار.)
- ◆ تصویر زیر را به دقت ببینید و نویسنده آن را معرفی نمایید:



- ◆ برداشت تان را از مفهوم و محتوای درس در کتابچه‌های تان بنویسید.
- ◆ متن کامل درس دهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیریید.



## کریم تر از حاتم طایی



حاتم ابن عبدالله سعد از مردم قبیله طی بود که در جود، سخا و مردانه‌گی وی، داستان‌های بسیار در برخی از کتاب‌ها آمده است. وفاتش را سال ۵۷۵ م. می‌دانند. اینک یکی از حکایت‌های شیرین و آموزنده این بزرگمرد سخا و کرم را می‌خوانیم و مطالب خوبی را از آن می‌آموزیم.

آورده اند که از حاتم طایی سؤال شد. که از خود کریمتر یافته ای؟ گفت: بلی، گفتند: به کجا دیده‌ای؟ گفت: وقتی که در بادیه‌یی می‌رفتم، به خیمه‌یی رسیدم و بادیه نشینی در آن بود و بزکی داشت. چون پرسیدم بادیه نشین پیش من باز دوید و مرا خدمت کرد، عنان مرکب مرا بگرفت تا فرود آمدم. چون فرود آمدم هرچه تمامتر مرا محبت کرد، پرسش را گفت: برخیز و به رسم مهمان نوازی، مهمان مرا خدمتی کن، پسر نیز بزک را بگرفت و خواست طعامی مهیا کند که دید هیزم ندارند. لذا قصد رفتن به صحرا و هیزم جمع کردن را نمود، بادیه نشین پسر را خطاب کرد که تا از صحرا هیزم آوری دیر شود و مهمان را گرسنه داشتن از ثواب و مروت نیست، پس دو نیزه خویش را بشکست و با آن آتش ساخت تا طعام برای مهمان از گوشت بزک مهیا گردد.

چون او را پرسیدم، مشخص شد بادیه نشین هیچ چیزی دیگر نداشت و آن را هم که داشت اینار من کرد، پس از او سؤال کردم، آیا مرا می‌شناسی؟ بادیه نشین گفت: خیر، گفتم من حاتم طایی هستم، باید به قبیله من بیایی تا شما را ضیافتی بگذارم، بادیه نشین گفت: «إِنَّا لَا نَطْلُبُ عَلَى الضَّيْفِ جَزَاءً» ما جزا برای مهمان را نستانیم و نان را به بها نفروشیم و از من هیچ قبول نکرد. لذا من دانستم که ایشان از من کریمتر است.



### ارکان نگارش

فن نگارش بر قواعدی استوار است که اگر یکی آن هم از نظر انداخته شود باعث نا به سامانی در نگارش می‌گردد. همچنان که پایه‌ها در استواری بنایی مهم شمرده می‌شود در صورت متزلزل شدن یکی همه آن بنا معروض به خطر انهدام و فروریختن می‌باشد. همان‌گونه بنای نگارش هم بر پایه‌های متن متکی است و هر رکنی از آن در جای خود حایز اهمیت بوده در استواری و رونق و روبنای کلی نگارش نقش ارزنده دارد.

ارکان نگارش در راه درک و فهم درست موضوع بسیار با ارزش است همان

گونه‌یی که هر حصهٔ یک عمارت برای هدف خاص جهت استحکام تزئین و نمای خارجی آن مورد نظر بوده قبلاً طرح و پیریزی می‌شود. در نگارش نیز ارکان آن پیش از آغاز نگارش به طور واضح پی‌ریزی گردد. پس برای هر نویسنده لازم است که نوشته‌اش را به فصولی چند تقسیم نماید همین فصول که ارکان نگارش را تشکیل می‌دهد چهار است:

۱- مقدمه ۲- آغاز مطلب ۳- شرح و بسط ۴- نتیجه



۱- « اِنَا لَا نَطْلُبُ عَلَی الضَّیْفِ جَزَاءً » ما جزا برای مهمان را نستائیم و نان را به بها نفروشیم.

یعنی بر مهمان خود منت نمی‌گذاریم و قیمتی برای نان تعیین نمی‌کنیم که در بدل آن توقع داشته باشیم.

۲- مهمان نواز فقیرترین شخصی بود که در صحرا زنده‌گی داشته و چگونه از مهمانی که اصلاً او را نمی‌شناخته پذیرایی کرده است، آن هم از کسی که در سخا و کرم نامی دوران خود بوده است، این حکایت می‌تواند پند و سرمشق خوبی برای ما باشد.

مهمان حبیب خداست و هر چه را آماده داریم نثارش می‌کنیم.

\* \* \*

فن نگارش بر ارکانی استوار است که اگر یکی آن هم از نظر انداخته شود باعث نا به سامانی در نگارش می‌گردد. برای هر نویسنده لازم است که ارکان نگارش (مقدمه، آغاز مطلب، شرح و بسط و نتیجه) را رعایت کند.







- ♦ متنی را که معلم محترم می‌خواند املا بنویسید.
- ♦ پیام درس را به صورت خلاصه بنویسید.
- ♦ دو شاگرد در مورد مهمان نوازی و انسان دوستی سه جمله بنویسند.

### کار گروهی و سخنرانی

- ♦ هر گروه روی تخته با کلمه‌های زیر، جمله بنویسند که با متن درس ارتباط داشته باشد:

( بادیه، عنان، مهیا، ثواب )

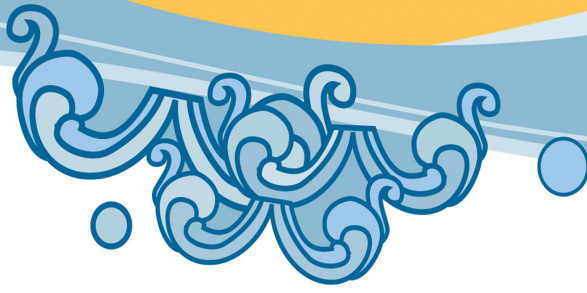
- ♦ یک شاگرد از هر گروه درباره مفهوم درس سخنرانی کنند.



- ♦ از متن درس کدام نکته زیر را آموختید:
- الف: انسان دوستی، ب: مهمان نوازی، ج: دشمنی، د: هیچ کدام.
- ♦ ارکان نگارش کدام‌ها اند؟
- ♦ نکات اساسی درس چیست؟



- ♦ در مورد انسان دوستی یک مقاله بنویسید.
- ♦ متن کامل درس یازدهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.



درس یازدهم

## حافظ شیرازی



ز شعر دلکش حافظ کسی بود آگاه  
که لطف طبع و سخن گفتن دری داند

شاعر شیرین سخن و بلبل غزل‌سرای بوستان ادب فارسی دری خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی مشهور به لسان‌الغیب فرزند بهاء‌الدین محمد از نادره‌های روزگار و نوابغ شعر و ادب است که در آسمان پر ستاره ادبیات جهان همچون خورشیدی می‌درخشد و روشنایی بخش راه دوستداران علم و ادب است.

حافظ که سال تولدش را به درستی نمی‌دانند؛ اما در اوایل قرن هشتم که بین سال‌های ۷۰۱ تا ۷۲۶ ه.ق. تخمین می‌زنند در شهر شیراز به دنیا آمد، دوران کودکی خویش را با تنگدستی سپری کرد، از اینرو همین که به سن رشد رسید به خاطر تأمین معاش به کار روی آورد و در ناوایی محله خویش به خمیرگری مشغول شد.

حافظ نسبت علاقه مندی که به علم و ادب و تحصیل داشت علاوه بر این که در ناوایی کار می‌کرد به تحصیل علوم مختلف؛ چون: زبان عربی، عرفان و حکمت و علوم ادبی پرداخت و ذوق شعری خاصی که داشت به سرودن شعر آغاز کرد و اشعار خود را نزد قوام‌الدین عبدالله و میر سید شریف گرگانی می‌خواند. علامه گرگانی او را به تدوین اشعارش تشویق می‌کرد تا بالاخره در غزل استاد شد.

همتم بدرقه راه کن ای طایر قدس

که دراز است ره مقصد و من نو سفرم

خواجه از جمله کسانی بود که در جوانی قرآن را از حفظ داشت و نیز به علت تسلطی که به علوم قرآنی داشت لقب حافظ را به او داده‌اند. به قول خودش و در مورد کلمه خواجه که به او اطلاق می‌شود نیز باید گفت: در عصر حافظ بزرگان ممتاز را خواجه می‌نامیدند، لذا او را نیز خواجه شمس‌الدین محمد حافظ می‌خواندند.

عشقت رسد به فریاد گر خود بسان حافظ

قرآن زبر بخوانی در چهارده روایت

حافظ توانست مضامین عرفانی و عشقی را به نحوی درهم آمیزد که از دو شیوه غزل (عارفانه، عاشقانه) سبک واحدی به وجود آورد، ترکیباتی را که حافظ در اشعار خود آورده تازه و بدیع و بی سابقه است و حافظ در ساختن این ترکیبات نهایت قدرت و کمال

ذوق و لطف طبع خود را نشان داده است، به هر حال غزل حافظ از جمله نمونه‌های بسیار خوب سخن است.

حافظ آنچنان هنگام سرودن در مبدأ هستی غرق می‌شود که خواننده را نیز با خود تا اوج آسمان‌ها می‌برد. ابیات زیر اشاره به پیامبر گرامی ما حضرت محمد مصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است:

ستاره‌یی بدرخشید و ماه مجلس شد  
دل رمیده ما را انیس و مونس شد  
نگار من که به مکتب نرفت و خط ننوشت  
به غمزه مسأله آموز صد مدرس شد

از حافظ تاکنون که گفتیم جز یک دیوان مشتمل بر کمتر از پنجصد غزل، چند قصیده، یک ساقی‌نامه در قالب مثنوی و چند رباعی و قطعه پراکنده در دست نیست؛ با این حال مرتبه شاعری حافظ را تنها غزلیات او مشخص می‌کند. سرانجام خواجه در سال ۷۹۱ ه.ق. دیده از جهان فرو بست و آرامگاهش در شهر شیراز زیارتگاه خاص و عام است.

بر سر تربت ما گر گذری همت خواه  
که زیارتگه رندان جهان خواهد بود



## نمونه کلام

یاری اندر کس نمی بینم یاران را چه شد  
دوستی کی آخر آمد دوستداران را چه شد  
آب حیوان تیره گون شد خضر فرخ پی کجاست  
خون چکید از شاخ گل باد بهاران را چه شد  
کس نمی گوید که یاری داشت حق دوستی  
حق شناسان را چه حال افتاد یاران را چه شد  
شهر یاران بود و خاک مهربانان این دیار  
مهربانی کی سر آمد شهر یاران را چه شد  
لعلی از کان مروت بر نیاید سال هاست  
تابش خورشید و سعی باد و باران را چه شد  
گوی توفیق و کرامت در میان افکنده اند  
کس به میدان در نمی آید سواران را چه شد  
صد هزاران گل شگفت و بانگ مرغی بر نخواست  
عندلیبان را چه پیش آمد هزاران را چه شد  
حافظ اسرار الهی کس نمی داند خموش  
از که می پرسی که دور روزگاران را چه شد

## توضیحات

- ۱- خِضِر: نام یکی از انبیا که در کتب و داستانها از او یاد شده است. گفته اند با اسکندر مقدونی به طلب آب حیات رفته و در ظلمات چشمه حیوان را یافته و از آن آشامیده و عمر جاویدان پیدا کرده و گاهای گم گشته گان را یاری و رهنمایی می کند.
- ۲- هزاران: بلبل هزارستان، هزار آوا، به طور مفرد هم به معنای بلبل گفته شده و نیز جمع هزار (عدد هزار)

## مقدمه

مقدمه باید مختصر و مربوط به موضوع مورد نظر بوده بر باقی مطالب نگارش پیوند داشته باشد. از این که خواننده نخست به مقدمه بر می خورد، پس همین مقدمه است که یا او را از خواندن منصرف می سازد یا به خواندن وا می دارد که نوشته را تا آخر بخواند، پس نوشته ما طوری باشد که خواننده را به درون متن بکشاند و این وابسته گی به چگونه گی استعمال و کاربرد کلمه ها دارد. همین مقدمه رسا و جامع است که به نوشته یک وزن خاص می دهد.

ما باید مقدمه را کوتاه بنویسیم و چنین بنویسیم که با مطلب پیوند منطقی داشته باشد و در حقیقت فشرده مطلب را در مقدمه ذکر کنیم؛ ولی نباید مطلب هایی کلی را در مقدمه بیاوریم که از جزالت و زیبایی نوشته ما بکاهد.

یاری اندر کس نمی بینم یاران را چه شد  
دوستی کی آخر آمد دوستداران را چه شد

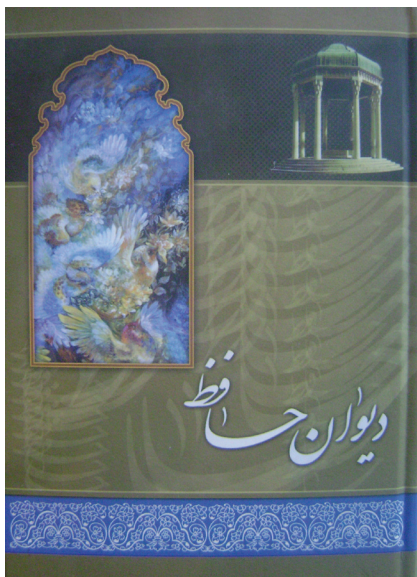
شاعر از کمرنگ شدن صمیمیت ها، دوستی ها و مردانه گی ها می نالد و می گوید:  
کجا شد آن همه دوستی ها، صمیمیت ها و انسانیت ها.  
لسان الغیب حافظ، این شعر را چندین قرن پیش سروده؛ ولی امروز به بسیار خوبی پی می بریم که خود دچار چنین سرنوشتی استیم و یگانه راه رهایی از چنین حالات فقط دوری از تعصبات قومی، نژادی، مذهبی و سمتی است. دل هایی را که خداوند رحمان با نور ایمان روشن گردانید و در آن ها تخم مهر و محبت را کشت و توسط رسول مقبولش حضرت محمد ﷺ انسانیت و شرافت را برای ما آموختاند. پس بر ما لازم است تا از اوامر خدای یگانه سرکشی نکنیم و صلح و صفا را بر وطن خویش حاکم سازیم.

\* \* \*

مقدمه باید مختصر و مربوط به موضوع مورد نظر بوده و بر باقی مطالب نگارش پیوند داشته باشد. ما باید مقدمه را کوتاه بنویسیم و چنین بنویسیم که با موضوع پیوند منطقی داشته باشد. مقدمه رسا و جامع برای نوشته ما زیبایی خاصی می‌بخشد.

## املا و نگارش

- ♦ متنی را که معلم محترم می‌خواند املا بنویسید.
- ♦ نکات مهم درس را در کتابچه‌های خود یادداشت کنید.
- ♦ دو شاگرد دو بیت زیبای شعر را با معنای آن روی تخته بنویسند.
- ♦ یک شاگرد از هر گروه واژه‌های جدید درس را روی تخته بنویسد، معنی کند و جمله بسازد.
- ♦ هر گروه در مورد تصویرهای زیر چند جمله بنویسند:



## کار گروهی و سخنرانی

- ◆ از هر گروه دو شاگرد درس را با آواز بلند بخوانند و شعر را دکلمه کنند.
- ◆ گروه‌ها در مورد بیت زیر تبادل نظر کنند و برداشت شان را از مفهوم آن بیان دارند:

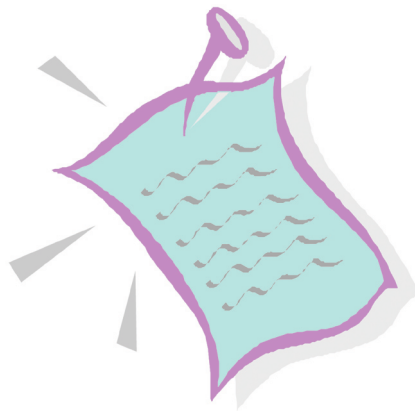
عشقت رسد به فریاد گر خود بسان حافظ

قرآن زبر بخوانی با چهارده روایت

- ◆ با مشوره در گروه درباره مفهوم و محتوای شعر درس، سه شاگرد سخنرانی کنند



- ◆ حافظ در کدام قرن می‌زیست؟
- ◆ منظور حافظ از بیت زیر چیست:
- یاری اندر کس نمی‌بینم یاران را چه شد دوستی کی آخر آمد دوستداران را چه شد
- ◆ مفهوم اساسی شعر درس چیست؟



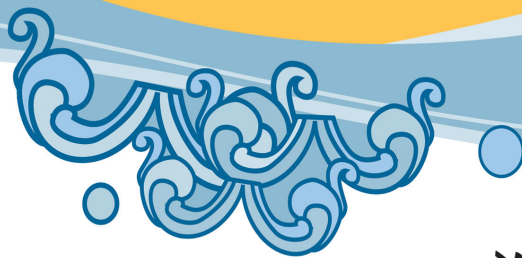




- ♦ متن کامل درس دوازدهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.
- ♦ شعر زیر را به حافظه بسپارید:

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق  
ثبت است بر جریده عالم دوام ما





درس دوازدهم

## گفتار پیامبر صلی الله علیه و آله



به گفتار پیغمبرت راه جوی  
دل از تیره‌گی‌ها بدین آب شوی  
فردوسی

مسلمان آگاه و واقعی همیشه با پیروی از کلام پاک الهی و احادیث رسول مقبولش حضرت محمد ﷺ به تمام جهانیان حقانیت و یگانه‌گی دین مقدس اسلام را انعکاس می‌دهد.

حضرت محمد ﷺ در احادیث مبارک مسلمانان را به آموختن و آموختاندن قرآن مجید، آموختن علم و دانش، خوش اخلاقی، مهربانی، صمیمیت، یک‌رنگی و برادری دعوت کرده است.

بنابراین بر ما امتان و پیروان آن حضرت ﷺ لازم است، تا در راستای دین مقدس اسلام با نهادن قدم خیر همیشه مددگار مستمندان باشیم و هیچ‌گاهی بر ضعیفان و زیر دستان خود ظلم نکنیم.

اندرزهایی را که در زیر می‌خوانید از گفته‌های پیامبر گرامی ما سرور سادات عالم حضرت محمد مصطفی ﷺ است که پیام ارزنده آن می‌تواند سرمشق خوبی در زنده‌گی و توشهٔ پرباری برای آخرت باشد:

- بهترین شما خوش اخلاق ترین شماست.
- بهترین شما کسانی اند که عمر دراز و اعمال نیکو دارند.
- بهترین شما مهربانترین شما با فامیل خود است.
- بهترین شما کسانی اند که قرآن کریم را بیاموزند و به دیگران نیز بیاموزانند.
- بهترین بنده‌گان خداوند ﷻ در روز قیامت کسانی اند که با وعده‌های خویش وفا می‌نمایند و خوش اخلاق اند.
- بهترین شما کسانی اند که به دیگران طعام و سلام می‌دهند.
- مسلمان واقعی کسی است که مسلمانان دیگر از دست و زبان او در امان باشد.
- بهترین مردم کسانی اند که برای مردم نفع و فایدهٔ او برسد.
- بهترین مردم کسانی اند که قرآن کریم را بهتر تلاوت کنند، امور دینی خود را خوبتر بدانند، از خداوند ﷻ بیشتر بترسند، از کارهای بد و ناشایسته دوری نمایند و به

خویشاوندان خود بیشتر روابط نیک داشته باشند.

- دانا ترین مردم کسانی اند که از مردم نادان فرار کنند.
- بهترین رفیق آنست که به کار خیر رهنمایی ات کند.
- نماز ستون دین است.
- روزه سپر در برابر آتش است.
- زیبایی سخن به کوتاهی و اختصار است.
- دانش بجوید، هر چند در چین باشد.
- با راستی است که گفتار زینت پیدا می کند.
- صبور باش که صبوری ترازوی عقل و نشانه توفیق است.
- زیبایی شخص در گفتار اوست.
- توانگر واقعی کسی است که چشمش به دست دیگران نباشد.
- نیرومندی به زور بازو نیست، نیرومند کسی است که به خشم خود غالب آید.
- فرصت ها را از دست دادن، اندوه به بار می آورد.
- اجرت مزدور را پیش از خشک شدن عرق وی پردازید.
- علامات منافق سه است: زمانی که حرف می زند دروغ می گوید، وقتی که امانتی به او سپرده شود خیانت می کند و وقتی وعده می دهد، به وعده خود وفا نمی کند.
- سقوط دنیا نزد خداوند ﷻ آسانتر از قتل یک فرد مسلمان است.
- خدایا، هر کسی که عهده دار کار امت من شد و بر آن ها سخت گرفت، بر او سخت گیر و هر کسی که عهده دار کار امت من شد و با آن ها مدارا کرد، با او مدارا کن.

## چگونه متن را آغاز کنیم؟

نگارنده بعد از مقدمه به نوشتن موضوع شروع نماید. آغاز موضوع باید چنان باشد که از مقدمه جدایی نگیرد در قسمت موضوع هم نکاتی است که عمده و اساسی بوده اصل و ریشهٔ موضوع را تشکیل می‌دهد و مطلوبه‌هایی هم وجود دارد که در فرع می‌آید. از این‌رو نویسنده باید موضوعات اصلی و فرعی را دسته‌بندی کرده آن‌هایی که شرح مطلب اند در قسمت سوم نوشتهٔ خود توضیح کند در صورت امکان مثال‌هایی برای بیان مقصود بیاورد.

در آغاز متن چند نکته را در نظر داشته باشید:

۱- عنوان جالب به موضوع بدهید؛ مثلاً: جنایت بشر، دروغ شاخدار، بزرگترین راه و.  
 ۲- متن را با یک سؤال آغاز کنید؛ مثلاً: آیا می‌خواهید از عهدهٔ نگارش موضوعات  
 برایید؟

۳- در جملهٔ اول مطلب جالبی را بیاورید؛ مثلاً: بشر به آسمان‌ها پرواز می‌کند.

۴- یک فکاهی یا حکایتی کوچک طنز گونه را بیاورید.

۵- به یک ضرب‌المثل یا گفتار بزرگان یا سخنی معروف اشاره کنید.

۶- با یک بیت موضوع را آغاز کنید.



در رهنمودها و احادیث پیامبر گرامی اسلام محمد ﷺ خواندیم که خوش اخلاق، نیکوکار، مهربان، علاقه مند به قرآن، وفادار به وعده، با تقوا و خدا ترس باشیم و هم‌چنین درگفتن سلام و دادن طعام به دیگران پیشدست باشیم، تا خداوند ﷻ از ما راضی و خوشنود باشد و اوصاف یک مسلمان واقعی هم همین‌هاست.

\* \* \*

آغاز موضوع باید چنان باشد که از مقدمه جدایی نگیرد. در آغاز متن چند نکته را در نظر داشته باشید:

۱- عنوان جالب به موضوع بدهید؛ مثلاً: جنایت بشر، دروغ شاخدار، بزرگترین راه و...

- ♦ متنی را که معلم محترم می‌خواند املا بنویسید.
- ♦ دو شاگرد در مورد کلمه «بهترین»، چند جمله بنویسند.
- ♦ یک شاگرد واژه‌های جدید درس را روی تخته بنویسد، معنی کند و جمله بسازد.
- ♦ دو شاگرد کلمه‌های آتی را روی تخته در جمله‌های مناسب به کار برند:  
( اخلاق، بهترین، مهربان، زشت، سلام، ناپسند )

## کار گروهی و سخنرانی

◆ پس از مشوره در گروه، درباره مفهوم حدیث مبارک آتی، سه شاگرد سخنرانی کنند:

«بهترین شما خوش اخلاق ترین شماست.»

◆ دو شاگرد از هر گروه نکات اساسی قواعد نگارش را بیان کند.

### خود آزمایی



- ◆ آیا تا حال فکر کرده اید که از جمله بهترین ها باشید؟
- ◆ چطور یک شخص از جمله انسان های بهتر شده می تواند؟
- ◆ از هر گروه یک شاگرد مفهوم درس را در یک جمله بیان کند.
- ◆ مفهوم اساسی درس چیست؟

### کارخانه گی



◆ گفته های پیامبر بزرگوار اسلام حضرت محمد ﷺ را به خاطر بسپارید و در مورد اخلاق خوش یک مقاله ده سطری در کتابچه های تان بنویسید.

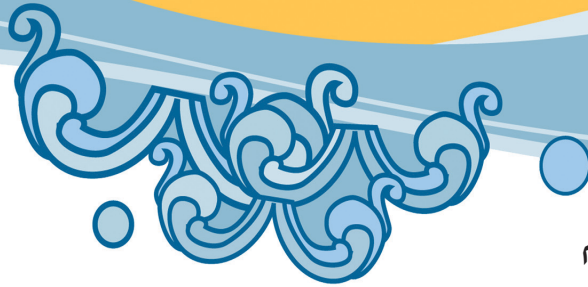
◆ متن کامل درس سیزدهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیریید.

◆ بیت زیر را حفظ کنید:

اعتبار خلق بیدل در لباس افتاده است

ورنه یک سان است خون در پیکر طاووس و زاغ

بیدل



درس سیزدهم

## مقام زن از دیدگاه اسلام



خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم می‌فرماید:

(وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ) سورة النساء آیه (۱۹)  
با زنان خوش رفتاری کنید.





نخست از همه خداوند متعال، خالق دو جهان و هستی بخش عالم بشریت را ستایش می‌کنیم که جهان را خلق کرد و کاینات را به وجود آورد. آدم را زنده‌گی بخشید، به آفتاب، مهتاب و زمین امر حرکت کردن داد، که در اثر آن لیل و نهار (شب و روز) به وجود آمد و زیبایی‌های طبیعت را برای انسان به وجود آورد و برای تکمیل و بقای انسان زن را آفرید، حوا پا به عرصه وجود نهاد تا به طبیعت زیبایی بخشد و چنین هم شد. زن این مظهر دستگاه آفرینش کمبود طبیعت را با آمدنش تکمیل نمود.

زن هم از لحاظ کیفی و هم از نظر کمی نیمی از پیکر جامعه را می‌سازد، این موجود اجتماعی در تنظیم امور جامعه، در همه شئون حیات، نقش به سزا و ارزنده دارد، زن در مراحل مختلف زنده‌گی مایه امید، همسر، خواهر و مادر است.

نقش زن در قالب سمت‌های فوق بازنده‌گی انسان‌ها طوری عجین شده است که بدون مشارکت آن زنده‌گی مفهومی ندارد و رنگ و رخ نمی‌گیرد.

زن در جامعه دارای حقوق و وجایب مشخص می‌باشد. حقوق زن در اسلام و در جوامع بشری واضح و مبرهن است.

از جمله مسایلی که در قرآن کریم تفسیر شده موضوع خلقت زن و مرد است. قرآن در این زمینه سکوت نکرده و به یاره گویان مجال نداده است که از پیش خود برای مقررات مربوط به زن و مرد فلسفه بتراشند و مبنای این مقررات را نظر تحقیرآمیز اسلام نسبت به زن معرفی کنند. اسلام، پیشاپیش نظر خود را درباره زن بیان کرده است.

قرآن با کمال صراحت در آیات متعددی می‌فرماید که زنان را از جنس مردان و از سرشتی نظیر سرشت مردان آفریده ایم. قرآن کریم درباره آدم اول می‌گوید: ((همه شما را از یک پدر آفریدیم و جفت آن پدر را از جنس خود او قرار دادیم)) (سوره نساء آیه ۱) و درباره همه آدمیان می‌گوید: ((خداوند از جنس خود شما برای شما همسر آفرید.)) (سوره نساء و سوره نحل و سوره روم).

در اسلام نظریه تحقیرآمیزی نسبت به زن از لحاظ سرشت و طینت وجود ندارد. گویی قرآن خواسته است در قصص خود توازن را حفظ کند و قهرمانان داستان‌ها را منحصر به مردان ننماید. قرآن دربارهٔ مریم مادر حضرت عیسی علیه السلام می‌گوید: کار او به آنجا کشیده شده بود که در محراب عبادت همواره ملائک با او سخن می‌گفتند و گفت و شنود می‌کردند، از غیب برای او روزی می‌رسید، کارش از لحاظ مقامات معنوی آنقدر بالا گرفته بود که پیغمبر زمانش را در حیرت فرو برده، زکریا در مقابل مریم مات و مبهوت مانده بود.

اسلام در ((سیر من الخلق الی الحق)) یعنی در حرکت و مسافرت به سوی خدا هیچ تفاوتی میان زن و مرد قایل نیست. تفاوتی که اسلام قایل است در ((سیر من الحق الی الخلق)) است، در بازگشت از حق به سوی مردم و تحمل مسؤولیت پیغامبری است که مرد را برای این کار مناسبتر دانسته است.

اسلام با صراحت کامل می‌گوید زمین و آسمان، ابرو باد، گیاه و حیوان، همه برای انسان آفریده شده‌اند؛ اما هرگز نمی‌گوید زن برای مرد آفریده شده است. اسلام می‌گوید هر یک از زن و مرد برای یکدیگر آفریده شده‌اند:

﴿هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ﴾ (البقرة: ۱۸۷) زنان زینت و پوشش شما هستند و شما زینت و پوشش آن‌ها.

قرآن کریم زن و مرد را از اصل و منشای مشترک معرفی می‌کند و هر دو را به کلمهٔ الناس (مردم) خطاب می‌کند چنانکه فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً﴾ (النساء آیه ۱).

یعنی: ای مردم! از پروردگار تان بترسید. آن که شما را از تنی واحد آفرید و از آن جفتش را خلق کرد و گسترده ساخت از آن‌ها مردانی زیاد و زنانی.

و در جای دیگر می‌فرماید:

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ﴾ (التوبه، آیه ۷۱).

یعنی: مردان مسلمان و زنان مسلمان دوست و حامی یک دیگر اند. قرآن کریم مخصوصاً این مطلب را تذکر می‌دهد که وجود زن برای مرد خیر است و مایه سکونت و آرامش دل اوست.

از آن‌چه گفته شد اسلام از نظر فکر فلسفی و از نظر تفسیر خلقت، نظر تحقیر آمیزی نسبت به زن نداشته؛ بلکه آن نظریات را کاملاً رد و مردود شناخته است. اسلام با طلوع خورشیدش و ابراز نظریه کرامت زن با تمام مردم جهان در افتاد، و زن را آن‌طور که هست و بر آن اساسی که آفریده شده به جهان معرفی کرده اساسی که به دست بشر منهدم شده و آثارش نیز محو گشته بود. اسلام عقایدی که مردم درباره زن داشتند و رفتاری که عملاً با زن می‌کردند بی اعتبار نموده و خط بطلان بر آن‌ها کشید. مشاهده و تجربه این معنی را ثابت کرده که مرد و زن دو فرد، از یک نوع و از یک جوهرند، جوهری که نامش انسان است.





(وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ) با زنان خوش رفتاری کنید.

با زنان به روشی پسندیده معاشرت کنید. در معاشرت با زنان باید از بهترین کلمات و پسندیده ترین کردار استفاده کرد. اسلام برای زن مقام و منزلت خاصی داده است و نباید به شخصیت و کرامت آنان بی احترامی کرد.



### شرح و بسط موضوع

شرح و بسط مهمترین و اساسی ترین قسمت نگارش به حساب می آید. واضح است که مخلوط کردن این عناصر در نگارش ناپسند بوده از حیثیت نویسنده و زیبایی موضوع می کاهد. در درس گذشته در بخش آیین انشا و نگارش خواندیم که نکات و مفاهیم اساسی مطلب که به شرح و بسط کافی ضرورت دارد باید توسط نویسنده موضوعات اصلی و فرعی دسته بندی گردیده موضوعاتی که شرح مطلب اند توضیح شود در صورت امکان مثال هایی برای بیان مقصد آورده شود. مطلبی که بیان می گردد باید با ارائه دلایل منطقی به صورت روشن و آشکار توضیح داده شود تا خواننده مقصود و پیام موضوع را به آسانی دریابد و به مشکل مواجه نگردد. شرح موضوعات آنقدر هم زیاد و طولانی نباشد که باعث ملال خاطر طرف مقابل (خواننده) گردد. نویسنده بعد از توضیح مطلب با مهارت خاص موضوعی را که گسترده است با یک ارتباط دقیق موضوعات را جمع بندی نموده به یک نتیجه گیری کلی از بحث برسد.

حضرت رسول اکرم ﷺ زن را شقایق مرد می‌داند و می‌فرماید: «إِنَّمَا النِّسَاءُ شَقَائِقُ الرِّجَالِ» و همچنان فرموده است: من به سه چیز علاقه دارم: بوی خوش، زن و نماز. بهترین شما آن‌هایی اند که با زن و فرزندان خویش بهترین رفتار را داشته باشد و من برای خانواده ام از همه شما بهترم.

این حدیث از عایشه رضی الله عنها روایت شده است:

(زن و مرد هر دو به یک پدر ارتباط دارند و هر دو ممد و همکار یک دیگرند طوری که در حدیث ذیل آمده است: «إِيَّهَا النَّاسُ إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَإِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ، كُلُّكُمْ لِأَدَمَ وَأَدَمٌ مِنْ تُرَابٍ.» یعنی: ای مردم! یقیناً پروردگار شما یکی است و یقیناً پدر شما واحد است، همه شما از آدم و آدام از خاک است.)

\* \* \*

شرح و بسط مهمترین و اساسی‌ترین قسمت نگارش به حساب می‌آید. نویسندگان باید موضوعات اصلی و فرعی را دسته‌بندی کرده و موضوعاتی که شرح مطلب اند توضیح دهد. در صورت امکان مثال‌هایی برای بیان مقصود بیاورد. شرح موضوعات آنقدر هم زیاد و طولانی نباشد که باعث ملال خاطر خواننده گردد.





- ♦ متنی را که معلم محترم می‌خواند املا بنویسید.
- ♦ یک شاگرد واژه‌های جدید درس را روی تخته بنویسد، معنی کند و جمله بسازد.
- ♦ دو شاگرد، در مورد حدیث مبارک ذیل یک جمله زیبا روی تخته بنویسند:  
(بهشت زیر پای مادران است.)
- ♦ مفهوم اندرز زیر را در کتابچه‌های تان بنویسید:  
(زن مخزن اسرار خلقت است.)

## کار گروهی و سخنرانی

- ♦ چند شاگرد در مورد مقام زن از دیدگاه اسلام سخنرانی کنند.
- ♦ پس از مشوره در گروه، مفهوم بیت زیر را با زبان ساده بیان کنید:

ز عشق بود که او این جهان و عالم ساخت

و مشتِ خاکِ زمین را گرفت و آدم ساخت

حمیرا نگهت دستگیرزاده





- ◆ قرآن در مورد زن چه فرموده است؟
- ◆ زنان در جامعه چه نقشی را ایفا می کنند؟
- ◆ چند شاگرد درس را با صدای بلند بخوانند.
- ◆ شرح و بسط موضوع را تعریف کنید.



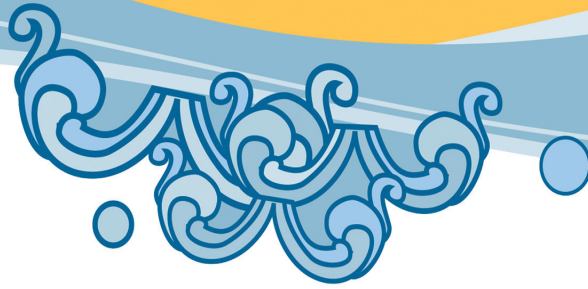
- ◆ هر کدام برداشت خود را از متن درس در ده سطر بنویسید.
- ◆ متن کامل درس چهاردهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیرید.

- ◆ بیت زیر را به حافظه بسپارید:

دل به دست آور که حج اکبر است

از هزاران کعبه یک دل بهتر است

خواجه عبدالله انصاری



## بلخ (ام البلاد)



ز بلخ آمد سرود جاودانی  
جلال الدین محمد شد جهانی  
به نی نامه بخوان اسرار عالم  
ز افکار بلند آسمانی



اگر به گذشته نظری کنیم در می‌یابیم که آریانای کهن در محور شهر باستانی بلخ مدنیت درخشان پنج هزار ساله را داشت. مدنیته که شامل افغانستان کنونی، هند، فارس (ایران) و آسیای میانه می‌گردید. قبل از گسترش دین اسلام، مدنیت آریایی به عنوان مهد تمدن و زبان در تاریخ قدیم جهان همیشه بحث‌های علمی داشته است. بلخ مرکز و آغازگر زبان اوستایی و دین زردشتی بود. زردشت خود اهل شهر بلخ بود و به قول بیشتر مستشرقان زادگاه زردشت را بلخ باختر (بخدی) می‌دانند.

در منابع تاریخی به خاطر موقعیت فرهنگی و تمدنی بلخ از آن به نام‌های مختلف یاد شده‌است؛ مثلاً: بلخ گزین، بلخ الحسنا، ام البلاد، ام القراء، بلخ بامی و... شهر بلخ یا شهر باختر (یونانی باستان: Βάκτρα؛ لاتین: باکتر Bactra)، از قدیمی‌ترین شهرهای افغانستان که امروزه شهرکی به فاصله ۲۰ کیلومتری مزار شریف مرکز ولایت بلخ است و بنیانگذار آن جمشید (یما) بوده است.

بلخ در دوره‌های فرمانروایی موریای هند و کوشانیان از مراکز دین بودایی و محل معبد معروف نو بهار بود. پادشاهان قدیم بلخ عبارت بودند از پیشدادیان، کیانیان، اسپه‌ها که پسان‌ها در شاهنامه فردوسی و روایات مؤرخان نیز از آن‌ها یاد شده است. آریایی‌ها که به باختریان ثروتمند نیز شهرت داشتند، در اوایل هجوم و حملات قبیله‌های بدوی آسیای مرکزی قرار گرفتند. در دوره اعراب، یعنی در قرون وسطی، بلخ همراه با هرات، نیشاپور و مرو یکی از چهار قسمت (چهار ربع) خراسان بود.

بلخ همواره کانون علم و فرهنگ قبل از اسلام و دوره اسلامی بوده، و فضایی بزرگ را در دامان خویش پرورانیده است. از شمار مشاهیر و فرهیخته‌گان آن می‌توان از مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، رابعه بلخی، ابن سینای بلخی، امیر خسرو بلخی (مشهور به دهلوی)، ابولمؤید بلخی، حکیم ناصر خسرو بلخی، عنصری بلخی، ابو شکور بلخی، شهید بلخی، دقیقی بلخی و ... نام برد.

در ولایت بلخ اماکن تاریخی و مقدس فراوانی وجود دارد که همه آن بازتابگر قدامت تاریخی و فرهنگی این خطه می‌باشد. مسجد جامع روضه شریف در مرکز ولایت بلخ با گنجایش حدود سه هزار نماز گزار در سال ۱۳۳۶ تهداب‌گذاری گردیده است.

خانقاه مولانا در نزدیکی دیوارهای بیرونی سمت شرقی بالاحصار بلخ، در میان کوچه‌های تنگ و باریک، ساختمان قدیمی و نیمه مخروبه‌ی وی وجود دارد که روزگاری عارف و شاعر نامی قرن هفتم مولانا جلال‌الدین محمد بلخی در آن زنده‌گی می‌کرد. وی در سنین نو جوانی به همراه خانواده از بلخ به سوی قلمرو روم شرقی (ترکیه امروزی) هجرت نمود و در آنجا ماندگار شد.

آتشکده نوبهار، مسجد خواجه محمد پارسا، مسجد نه گنبد، بالاحصار، مدرسه سبحانقلی، منار زادیان، پل مامکری، خانقاه مولانا، روضه شریف و... قدامت چندین هزار ساله بلخ باستان را برای ما باز می‌گوید.

### توضیحات

- جمشید ( یمما ): نام پادشاه اریایی که بنیانگذار برابری، حکمروایی و اداره بوده است و به پیشدادیان باختر نیز معروف است. در اوستا با کلمه‌های ساده، از زنده‌گی بدون تکلف و آرایش یمما (جمشید) پادشاه، سخن رانده شده است.
- خانقاه: محل ذکر و عبادت صوفیان و عابدان.

### آیین انشا و نگارش

#### نتیجه

در هر نوع نگارش چه کوتاه باشد چه طولانی نتیجه‌گیری از موضوع مورد نظر حتمی است. نتیجه خلاصه نگارش را باید در بر داشته باشد البته حسن ختام در آن است، که نویسنده سخن خود را با الفاظ نرم، ملایم و دلکش به پایان برساند؛ زیرا آخرین چیزی که از نوشته در ذهن خواننده باقی می‌ماند همان نتیجه است. از این رو لازم است، که نتیجه به صورت مؤجز در برگیرنده و مناسب همه موضوع باشد. اگر ایجاب میکرد با یک تبصره شاعرانه یا یک بیت آنرا خاتمه بخشید.

## منار زادیان

از قدیمی ترین مناره اسلامی باقی مانده در افغانستان است، ارتفاع فعلی آن ۱۷۷۴ سانتی متر و محیط آن ۱۶ متر و قطر آن ۴۷۰ سانتی متر است. برای بالا رفتن از آن باید ۶۴ پله را طی کرد. این مناره احتمالاً از دوره سلجوقی‌ها است.

## آتشکده نوبهار

قدیمی ترین آبدۀ باستانی در بلخ استوپه یی نوبهار است که در متون تاریخی به نام (نواویهارا) از آن یاد شده و یکی از معابد زردشتی است و فعلاً آثار این معبد در مجاورت شاهراه مزار- شبرغان دیده می‌شود.

## مسجد خواجه پارسا

تنها مسجد باقی مانده از دوره تمیوری با مشخصات کامل معماری آن دوره با گنبد دنداندار به سبک بناهای ریگستان و شاه زنده سمرقند در افغانستان می‌باشد. این مسجد به یاد بود خواجه ابو نصر محمد بن محمد بن محمود الحافظی البخارایی در سال ۸۵۶ هـ. ق. توسط حاکم بلخ میر فرید ارغوان ساخته شده است.

## مسجد نه گنبد

این بنا قدیمی ترین مسجد اسلامی در افغانستان است. طبق نظر گروهی از باستان شناسان این مسجد قبلاً معبد بودایی بوده که در دوره اسلامی با اندک تعدیل به مسجد تبدیل گردیده است.

## مدرسه سبخانقلی

مدرسه بزرگ سبخانقلی خان حاکم بلخ که در قرن ۱۷م. ساخته شده است؛ ۱۵۰ حجره داشته و افراد زیادی در آن درس می‌خواندند و مانند مدارس بخارا بوده که در جنگ‌های پی در پی حفظ و ترمیم نشده، از بین رفته است.

## پل مامکری (امام بکری)

در جنوب غرب مزارشریف در نزدیکی کارخانه کود و برق بر روی رودخانه بلخاب پل خشتی با ۳ دهانه بزرگ و دهانه کوچک از دوره تیموری باقی مانده است که روزگار درازی، محل آمد و رفت افراد و کاروان‌ها بود. فعلاً این پل به نام کمپیرک یا امام بکری یا ماموکری یاد می‌شود.

\* \* \*

نتیجه‌گیری از مطلب مورد نظر در هر نوع نگارش چه کوتاه باشد چه طولانی حتمی است و نویسنده باید سخن خود را با الفاظ نرم و ملایم و دلکش به پایان برساند، که در بر گیرنده همه موضوع باشد.



- ♦ متنی را که معلم محترم می‌خواند املا بنویسید.
- ♦ یک شاگرد نکات مهم درس را، روی تخته بنویسد.
- ♦ دو شاگرد واژه‌های جدید درس را معنی کنند.
- ♦ دو شاگرد نکات عمده و مهم قواعد انشا و نگارش (نتیجه) را، روی تخته بنویسند.



## کار گروهی و سخنرانی

- ♦ با مشوره در گروه‌ها درباره مفهوم درس، سه شاگرد سخنرانی کنند.
- ♦ یک شاگرد از هر گروه، نکات مهم مرحله ایجاد فکر را در نگارش، با زبان ساده به دیگران بیان کند.



- ♦ بنیانگذار شهر بلخ کی بود؟
- ♦ در منابع تاریخی، بلخ به کدام نام‌ها یاد شده است؟
- ♦ از چند دانشمند و شاعر بلخ باستان و جاهای تاریخی آن نام ببرید؟

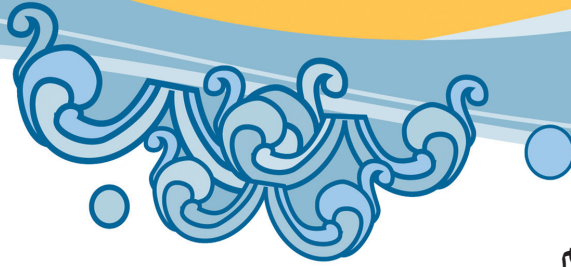
.....

.....

.....



- ♦ در مورد شاعران و دانشمندان بلخ باستان یک مضمون زیبا بنویسید.
- ♦ متن کامل درس پانزدهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.



درس پانزدهم

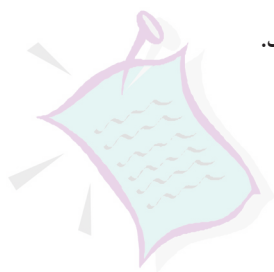
## آیین سخنرانی



اگر می‌خواهی بهترین سخن سرا باشی، بهترین شنونده باش.  
دیل کارنگی

آیا گاهی از شما خواسته شده تا در محفلی یا مجلسی روی موضوع معینی صحبت کنید؟ اگر چنین کاری شده باشد، پس در همان زمان چه حالتی داشتید؟ آیا دچار ترس نگرديده بودید؟ آیا دست و پاهای تان نمی‌لرزید؟ آیا درست فکر کرده می‌توانستید و گفتار تان نظم منطقی به خود داشت؟

جواب تان حتماً بلی است، پس اگر می‌خواهید از این حالت‌ها رهایی پیدا کنید و یک سخنور خوب و همه‌پذیر باشید و سخنان تان از خود لطف و جذابیت خاصی داشته باشد و برای شنونده‌گان ملال آور نباشد، پس به چند موردی که در زیر اشاره شده است توجه کنید:



- ◆ از تجربه دیگران بهره ببرید و دل و جرأت پیدا کنید.
- ◆ پیشاپیش، ذهن تان را آماده موفقیت کنید.
- ◆ سخنرانی را با دوستان تان تمرین کنید.
- ◆ هیچ وقت متن را کلمه به کلمه حفظ نکنید.
- ◆ نظرات خود را پیشاپیش منظم و مرتب کنید.
- ◆ از قبل ذهن تان را آماده موفق شدن کنید.
- ◆ خود را در موضوع تان غرق کنید.
- ◆ مطلب را با ذکر مثال ویژه آغاز کنید.
- ◆ برای سخنرانی جرأت و اعتماد به نفس خود را بیرورانید.
- ◆ باید دقیق بدانید که در اطراف چه موضوعی می‌خواهید صحبت کنید.
- ◆ دایم هدف را دنبال کنید.
- ◆ کلمات مهم را با تأکید بیان کنید.
- ◆ سرعت بیان تان را تغییر بدهید.
- ◆ قبل و بعد از بیان، اندکی مکث کنید.
- ◆ از شنونده‌گان سؤال کنید.

- ◆ موضوع صحبت خود را با علایق حیاتی شنونده‌گان ارتباط دهید.
- ◆ از به کار بردن اصطلاحات فنی خود داری کنید.
- ◆ مفکوره‌های مهم خود را در الفاظ مختلف از نو بیان کنید.
- ◆ راجع به تجربیات خود صحبت کنید.
- ◆ صحبت خود را با شوخی پایان دهید.
- ◆ حواس خود را از محرکات منفی که آشفته‌تان می‌کند، دور نگاه‌دارید.
- ◆ دربارهٔ چیزی حرف بزنید که از طریق تجربه یا مطالعه، حق حرف زدن دربارهٔ آن را به دست آورده‌اید.
- ◆ چیزی را بگویید که زنده‌گی یادتان داده است.
- ◆ به خودتان دل‌داری بدهید.



### تنوع در نگارش فقره‌ها و جمله‌ها

صورت جمله‌ها و فقره‌ها باید از هر نظر متنوع باشد. در برخی صنوف ابتدایی شاگردان در اثنای حکایت یا نوشتن یک دو حرف ربط مانند: و، خو، باز... را پیوسته و تکرار در هر جا به کار می‌برند. این عادت تکرار را متأسفانه بسیاری اشخاص در بزرگ سالی هم دارند، خوشایند نیست؛ زیرا نوشته‌های شان ملال انگیز می‌گردد. بنابراین در نوشتن، تنوع در ترکیب کلمه‌ها، فقره‌ها و جمله‌ها رعایت شود. هر قدر فقره‌ها منظم و مرتب باشد؛ ولی اگر جمله‌های طولانی و پر پیچ در نگارش آورده شود، خسته کن جلوه می‌کند. پس باید از جمله‌های مختلف (جمله‌های ساده، پرسشی، امری و...) استفاده کرد. تنوع در نگارش فقره‌ها و جمله‌ها نوشتهٔ ما را زیبا ساخته، ما را به حیث یک نویسندهٔ موفق در جامعه تثبیت می‌کند.





روحیه پرنشاط در سخنرانی باعث جلب توجه شنونده می‌شود، چراکه هنگام سخنرانی هیچ چیز به اندازه صمیمیت اهمیت ندارد و هر کسی حتی بدون آن که حرفی بزند، صمیمیت را تشخیص می‌دهد.

اگر در خوانش، تشریح و توضیح درس در داخل صنف همه روزه سهم بگیریم و درس را با لحن زیبا و رسا در مقابل همصنفان خود بخوانیم و سخنرانی کنیم، جرأت ما روز به روز بیشتر تقویت می‌گردد. همیشه باید کم گوی باشیم و کوشش کنیم بیشتر بشنویم به این معنی که یکی از راه‌های مهم و ارزنده آموزش، شنیدن دقیق است، علاوه بر این عادت به مطالعه و شنیدن سخنان دیگران، ما را در سخنران شدن خوب، صمیمی و دلپذیر کمک می‌کند و شخصیت ما را بالا می‌برد.

اطمینان داشته باشید که تلاش شما بی اثر نخواهد بود. فردوسی بزرگ در این باره چنین گفته است:

درشتی از کس نشنوی نرم گوی سخن تا می‌توانی به آزرم گوی

\* \* \*

در نوشتن، تنوع در ترکیب کلمه‌ها، فقره‌ها و جمله‌ها در نظر گرفته شود. تنوع در نگارش فقره‌ها و جمله‌ها نوشته ما را زیبا ساخته، ما را به حیث یک نویسنده موفق در جامعه تثبیت می‌کند.

\* \* \*

دیل کارنگی روانشناس و مربی تعلیم و تربیت امریکایی و همچنین نویسنده کتاب‌های زیبا و پر محتوای آیین سخنرانی، آیین دوست یابی و آیین زنده گی است. سال تولد و وفاتش ۱۸۸۸ و ۱۹۵۵ م. می‌باشد.



- ♦ متنی را که معلم محترم می‌خواند املا بنویسید.
- ♦ متن درس را در کتابچه‌های خود یادداشت کنید.
- ♦ دو شاگرد در مورد سخنرانی روی تخته چند جمله بنویسند.
- ♦ مفهوم بیت زیر را با در نظر داشت قواعد نگارش، در چند سطر بنویسید:  
سخن سنجیده گو تا دوست را دشمن نگردانی  
ز حرف بی‌تأمل آشنا بیگانه می‌گردد

## کار گروهی و سخنرانی

- ♦ با مشوره در گروه مفهوم و محتوای درس را با زبان ساده بیان کنید.
- ♦ گروه‌ها در مورد جمله زیر بحث کنند و برداشت شان را از مفهوم آن بیان  
دارند:
- ♦ «اگر می‌خواهی بهترین سخن سرا باشی، بهترین شنونده باش.»
- ♦ یک شاگرد از هر گروه به صورت مقایسوی در مورد یک موضوع سخنرانی کند.

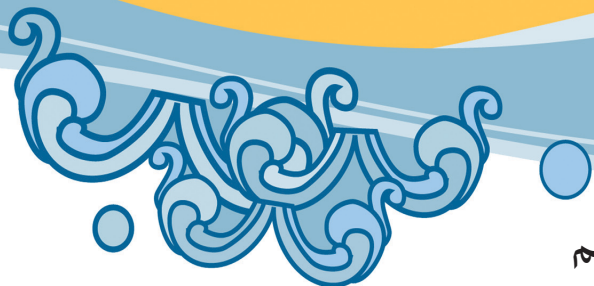




- ◆ شما ویژه‌گی‌های یک سخنران خوب را در چه چیزهایی می‌دانید؟
- ◆ منظور نویسنده از جمله «قبل و بعد از بیان، اندکی مکث کنید» چیست؟
- ◆ سخنرانی خوب در شخصیت انسان چه نقش دارد؟
- ◆ تصویر آتی را معرفی کنید:



- ◆ در مورد سخنرانی یک مقاله ترتیب دهید.
- ◆ متن کامل درس شانزدهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیریید.



درس شانزدهم

## عبدالرازق فانی



دلِ کس به کس نسوزد به محیط ما به حدی  
که غزال چوچه‌اش را به پلنگ می‌فروشد

عبدالرازق فانی شاعر معاصر و توانا، داستان نویس و طنزنگار نام‌دار زبان و ادب دری در سال ۱۳۲۲هـ. ش. در شهر کابل به دنیا آمد. تحصیلات عالی‌اش را در سال ۱۳۵۶هـ. ش. با به دست آوردن درجهٔ ماستری در رشتهٔ اقتصاد سیاسی از بلغاریا، به اتمام رسانید.

فانی سرودن شعر را از سال ۱۳۴۰ هـ. ش. آغاز کرد و در عرصهٔ نشرات و کارکردهای فرهنگی دست به فعالیت‌های ارزشمندی زد. فانی در سال ۱۳۶۷ هـ. ش. همراه با خانواده‌اش راه مهاجرت در پیش گرفت و مدت تقریباً بیست سال در غربت به سر برد.

فانی در غربت هم آرام ننشست و یاد و خاطر وطن مردم رنج‌دیده‌اش را با زبان دلنشین شعر فریاد کشید و سروده‌های ناب و دلپذیرش را درج صفحات تاریخ زرین ادبیات دری کشور ما نمود. اشعار فانی جذابیت خاصی دارد که خواننده را به طرف خود می‌کشاند و چنگ به دل‌ها می‌زند. از همین روست که تعداد زیادی از آواز خوانان مشهور و محبوب ما اشعار وی را برای آهنگ‌های خود انتخاب کرده اند.

فانی نا به سامانی‌های اجتماعی را آماج زبان طنز آمیزش ساخته، در شعرهایش گاهی از دو رنگی اشخاص ظالم و بیدادگر نالیده و می‌گوید:

همه جا دکان رنگ است همه رنگ می‌فروشد

دل من به شیشه سوزد همه سنگ می‌فروشد

و گاهی هم درد و رنج ملت مظلوم و آواره‌اش را فریاد کشیده و می‌گوید:

با هر دلی که شاد شود شاد می‌شوم آباد هر که گشت من آباد می‌شوم

و یا هم می‌گوید:

طعنه بر خسته رهروان زنید بوسه بر دست رهنان زنید

دست بلند او در سرایش شعر باعث شده است تا دنیای معانی را در اشعارش

بگنجد و خواننده را به بسیار راحتی به طرفش بکشاند و چه دلنشین در روح و روان مخاطب تأثیر ژرف به‌جا می‌گذارد.

فانی سرانجام در سال ۱۳۸۶ ه. ش. در شهر سان دیاگوی ایالت کالیفرنیا به دیار

حق پیوست و آثار به نشر رسیده وی اینها اند:

- ♦ ارمغان جوانی (مجموعه شعر) کابل سال ۱۳۴۴
- ♦ بارانه (داستان نیمه بلند) کابل سال ۱۳۶۲
- ♦ پیامبر باران (مجموعه شعر) کابل سال ۱۳۶۵
- ♦ آمر بی صلاحیت (گزینۀ طنزها) کابل سال ۱۳۶۶
- ♦ ابر و آفتاب (مجموعه شعر) کالیفرنیا سال ۱۳۷۳
- ♦ شکست شب (مجموعه شعر) کالیفرنیا سال ۱۳۷۶

نمونه کلام:

### مردان و نامردان

ای دل مرو سوی خطر، گر می روی لرزان مباش  
از رهنزان غافل مشو، از دشمنان ترسان مباش

چون با کسی همره شدی، از نیمه ره بر نگرد

چون از پی مردان روی، دیگر ز نامردان مباش

دشمن اگر جانب دهد، با او دم یاری مزن

در دوستی گر جان دهی، از دوست روگردان مباش

گر عاشق مستانه یی، زهد ریایی را بسوز

ور همنشین زاهدی، در حلقه رندان مباش

باد بهاران شو که تا، در مقدمت گل بشگفتد

چون گرد باد هرزه گرد، در دشت سرگردان مباش

همدست ما گر می شوی، پای کسی دیگر مگیر

با دوست چون پیمان کنی، با غیر هم پیمان مباش

فانی به کیش عاشقان، در فکر خود بودن خطاست

یا از سر و جان در گذر، یا عاشق جانان مباش

## انتخاب واژه و تعبیر

در نگارش، هر معنایی را می‌توان به تعبیرهای گوناگون بیان کرد. در انتخاب تعبیر مناسب، چند شرط را باید رعایت کرد: نوع نوشته، مخاطب و مقصودی که در نظر است. در نوشته‌های علمی، واژه‌ها و تعبیرات به معنای حقیقی خود به کار می‌روند؛ اما در نوشته‌های تخیلی، از جمله شعر و داستان، گاهی به حکم ضرورت، تعبیرهای غیر مستقیم مانند مجاز، کنایه و تمثیل را برتر شمرده؛ مثلاً: در نوشته‌های علمی، شب همان شب است؛ ولی در شعر زلف به شب تشبیه می‌گردد و یا جهالت و نادانی به تاریکی شب مانند می‌شود.

در هر زبانی، الفاظی است که دلالت به نمادی دارد؛ مانند: کبوتر (صلح)، باز(جنگ)، نرگس(خود شیفته‌گی، شوخ چشمی)، مورچه(سخت کوشی)، یخ (سردی و سکوت) و خارا (سختی).

هم‌چنین گاهی، به جای نام بردن از چیزی، عنوانی به کار می‌برند که صفت شاخص آن چیز است و ردالتعبیر خوانده می‌شود؛ مثل شاه ستاره‌گان(خورشید)، عروس آسمان(ماه) مهتر عالم (حضرت رسول اکرم ﷺ)، دبیر فلک (عطارد) و... کاربرد این گونه واژه‌ها و تعبیرات نوشته ما را زیبا و جالب می‌سازد.

بهره جویی از مثل‌ها نیز هم سخن را رنگین و هم معانی را خوش گوار می‌سازد. مثل‌ها در هر زبانی بارهای فرهنگی دارند که سوابق اساطیری، تاریخی و آداب و رسوم و باورهای قومی را منعکس می‌سازند.

بهره‌گیری درست از گنجینه لغوی برای آراستن سخن به شرطی میسر است که با مناسبات انواع کلمات آشنا باشیم؛ مثلاً: بدانیم چه صفتی را به چه موصوف می‌توان نسبت داد یا چه فعلی را در چه بافتی می‌توان به کار برد. هم‌چنین باید

مترادفات، متضادها، نمادها، ردالتعبیرها را شناخت و هر عنصر جمله را در جای مناسب آن به کار برد.



طعنه بر خسته رهروان ننزید      بوسه بر دست رهزنان ننزید  
 اصولاً بدون رعایت احترام نمی‌توان به حریم قلب‌ها نزدیک شد و رهروان راه  
 علم و اندیشه را شناخت. بر ما ضرور است تا از زحمات و تلاش‌های دانشمندان، شاعران  
 و نویسندگان ارجمند خود که سیمای متفکرشان نمایانگر خسته‌گی و افسرده‌گی  
 سال‌ها پژوهش و تحقیق در راه علم و معرفت است، قدردانی کنیم.  
 ارزش خسته‌گی‌های شبانه روزی آنان را که ثمرهٔ یک عمر پژوهش، تحقیق و کار و  
 زحمت فراوان است، بدانیم و کارنامه‌های علمی و ادبی آن‌ها را به دیدهٔ قدر بنگریم.

\* \* \*

در نگارش هر معنایی را می‌توان به تعبیرهای گوناگون بیان کرد. در انتخاب تعبیر  
 مناسب، چند شرط را باید رعایت کرد: نوع نوشته، مخاطب، مقصودی که در نظر است.  
 بهره‌گیری درست از گنجینهٔ لغوی برای آراستن سخن به شرطی میسر است که با مناسبات  
 انواع کلمات آشنا باشیم؛ مثلاً: بدانیم چه صفتی را به چه موصوف می‌توان نسبت داد یا  
 چه فعلی را در چه بافتی می‌توان به کار برد. هم‌چنین باید مترادف‌ها، متضادها، نمادها،  
 ردالتعبیرها را شناخت و هر عنصر جمله را در جای مناسب آن به کار برد.



♦ متنی را که معلم محترم می‌خواند املا بنویسید.



- ◆ با توجه به درس، واژه‌های زیر را در جمله‌های مناسب به کار ببرید:  
(طعنه، کیش، رهزنان)
- ◆ مفهوم بیت زیر را بنویسید:  
فانی به کیش عاشقان، در فکر خود بودن خطاست  
یا از سر و جان در گذر، یا عاشق جانان مباش

## کار گروهی و سخنرانی

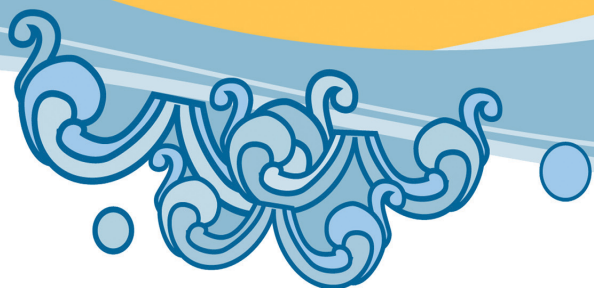
- ◆ به سه گروه تنظیم شوید، یک گروه زنده‌گینامه فانی را، گروه دیگر مفهوم شعر را و گروه سومی آثار آن را بنویسند.
- ◆ پس از مشوره در گروه، مفهوم بیت زیر را بیان کنید:  
چون با کسی همره شدی، از نیمه ره بر نگرد  
چون از پی مردان روی، دیگر ز نامردان مباش



- ◆ فانی مجموعه شعری «ارمغان جوانی» را در کدام سال نوشته است؟
- ◆ آثار فانی کدام‌ها اند؟
- ◆ گزینه طنز فانی چه نام دارد؟
- ◆ فرق بین نوشته‌های علمی و تخیلی چیست؟



- ◆ شعر درس را حفظ کنید و پیام آن را در ده سطر بنویسید.
- ◆ متن کامل درس هفدهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.



چیزی را که به خود نمی‌پسندی به دیگران نیز می‌پسند



خود ستایی پیشه شیطان بود  
هر که خود را کم زند انسان بود

حضرت محمد ﷺ به ما مسلمانان که امت ایشان هستیم فرموده است: «چیزی را که به خود نمی‌پسندید و روا نمی‌دارید، به دیگران هم مپسندید و چیزی را که به خود می‌خواهید، به دیگران هم بخواهید.»

اگر به این حدیث رسول الله ﷺ فکر کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که همه فرموده‌های حضرت رسول اکرم ﷺ سبب خوشبختی و سعادت است و دارای فایده‌های بس عظیم دنیوی و اخروی مسلمانان می‌باشد.

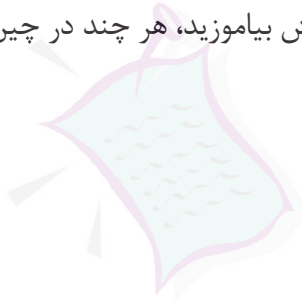
اگر هر فرد اجتماع مطابق به فرموده حضرت پیامبر اسلام ﷺ عمل کند، البته سعادت دایمی را نصیب می‌شود.

چون هیچ کس بی‌عدالتی و حق تلفی را در مورد خود قبول کرده نمی‌تواند، پس باید در برابر دیگران نیز بی‌عدالتی و حق تلفی نکند؛ همچنان کسی که غیبت، تهمت، کینه و خیانت دیگران را بر خود تحمل نمی‌کند، باید غیبت هیچ کس را نکند و بر کسی تهمت نبندد و با کسی کینه نگیرد و خیانت نکند.

خوشا به حال کسانی که به فرموده‌های ارزشمند حضرت پیامبر ﷺ عمل می‌کنند و به اثر آن حق تلفی، بی‌عدالتی و دشمنی‌ها را از بین می‌برند و از قتل و خونریزی اجتناب نموده، سعادت دو جهان را کمایی می‌کنند.

پس بر ما لازم است تا حس بشر دوستی خویش را پرورش دهیم و دل‌های خود را عاری از هر گونه کینه و کدورت و خود پسندی بسازیم و بهترین راهی که ما را به سوی رستگاری سوق می‌دهد، همانا فرا گرفتن علم می‌باشد. سرور سادات عالم حضرت محمد ﷺ در این باب چنین فرموده است:

(دانش بیاموزید، هر چند در چین باشد.)



## کار برد دقیق کلمه‌ها

در نگارش هر قدر کلمه‌ها را بیشتر بدانیم کار ما آسانتر می‌شود و می‌توانیم جذبات و حواس خواننده را تسخیرکنیم و نکته‌ی دیگری آنست، که باید بر اهمیت فرق بین کلمه‌ها آگاهی داشته باشیم.

وقتی می‌توانیم حاکمیت خویش را بر زبان بیشتر سازیم که، ذوق استعمال کلمه‌های دقیق را در خود انکشاف دهیم بین کلمه‌هایی که یک معنای مشترک دارند تشخیص و امتیاز قایل شویم. و این کار در نتیجه مطالعه و تمرین حاصل می‌گردد. هر قدر کلمات را در جای معین به کار بریم و در کار برد آن‌ها در نگارش دقیق باشیم نوشته ما زیبا می‌آید.

چند نکته را باید در نظر داشت:

۱. پیشوندها و پسوندها و ریشه‌های معروف را باید آموخت. چنین معلومات در به کار بردن دقیق کلمه‌ها و حصول معنای کلمه‌های غیر مانوس ما را کمک می‌کند.
۲. وقتی معنای کلمه‌ی در کتاب لغت یا فرهنگ دیده می‌شود، کلمه‌های مترادف، متضاد، و متشابه آن نیز مطالعه گردد.
۳. لغت‌هایی را که تازه در هنگام مطالعه با آن برمی‌خوریم باید در کتابچه یادداشت کنیم.
۴. کوشیده شود که، کلمه‌ها و اصطلاحات علمی در یک هفته، کلمه‌های فلسفی در هفته دیگر و به همین قسم کلمه‌های مختلف مطالعه شود.
۵. تبدیل نمودن نظم به نثر و بر عکس آن، این روش ذخیره لغت‌ها را زیاد می‌سازد؛ زیرا گاهی شخص مجبور می‌شود فکر یک جمله نثر را در نظم به یک کلمه افاده کرده یا نثر کردن اشعار موجب می‌شود کلمه‌هایی را دریابد که معانی و تفسیرهای جذباتی و هیجانی شاعر را به طور واضح بنمایاند.





اگر ما همیشه چیزی را که به خود می‌پسندیم و روا می‌داریم، به دیگران نیز بپسندیم و روا بداریم، هیچ‌گاهی خطایی و یا هم‌گناهی را مرتکب نخواهیم شد؛ چراکه این کار به نوعی حس انسان دوستی و محبت به هم‌نوع هر انسان را نشان می‌دهد. پیروی از فرموده‌های آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ما را به راه راست هدایت کرده و سرافرازی دو عالم را نصیب می‌گرداند.

ابیاتی را که در زیر می‌خوانید از شاعر بزرگ زبان دری نظامی گنجوی است که حفظ و عمل کردن به آن خالی از مفاد نیست:

دانش طلب و بزرگی آموز	تا به نگرند روزت از روز
هر چیز که دل بدان گراید	گر جهد کنی به دست آید

\* \* \*

در نگارش هر قدر کلمه‌ها را بیشتر بدانیم کار ما آسانتر می‌شود و می‌توانیم جذبات و حواس خواننده را تسخیر کنیم. وقتی می‌توانیم حاکمیت خویش را بر زبان بیشتر سازیم که، ذوق استعمال کلمه‌های دقیق را در خود انکشاف دهیم.





- ◆ متنی را که معلم محترم می‌خواند املا بنویسید.
- ◆ نکات مهم درس را، روی تخته بنویسید.
- ◆ دو شاگرد نکات عمده و مهم قواعد انشا و نگارش (کاربرد دقیق کلمه‌ها) را، روی تخته بنویسند.

## کار گروهی و سخنرانی

- ◆ با مشوره در گروه‌ها درباره مفهوم درس، سه شاگرد سخنرانی کنند.
- ◆ یک شاگرد از هر گروه، مفهوم بیت زیر را با زبان ساده به دیگران بیان کند:  
به اوج کبریا کز پهلوی عجز است راه آنجا  
سر مویی گر اینجا خم شوی، بشکن کلاه آنجا  
بیدل
- ◆ شاگردان در گروه‌های خود در مورد جمله زیر بحث کنند و نتیجه را یک تن از هر گروه به دیگران بیان نمایند:  
(دانش بیاموزید، هر چند در چین باشد.)



◆ مفهوم جمله زیر چیست؟

(چیزی را که به خود نمی پسندی به دیگران نیز میسند)

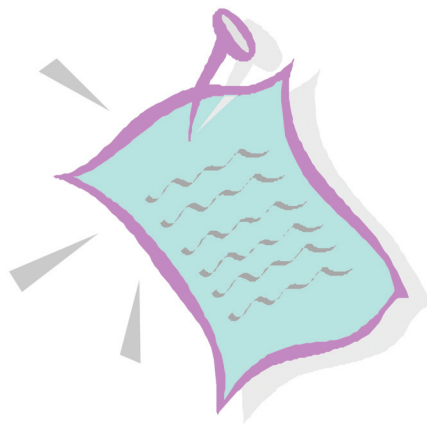
◆ ذخیره لغات در نگارش چه تاثیر دارد؟

◆ پیام اصلی درس چیست؟

.....

.....

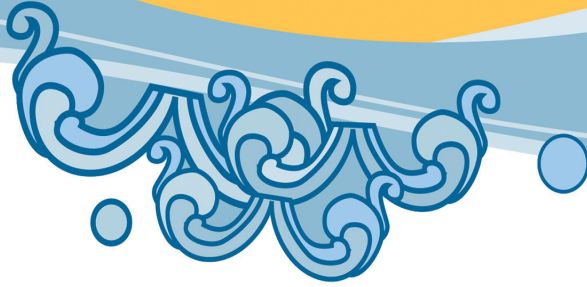
.....



◆ برداشت تان را از مفهوم درس در چند سطر بنویسید.

◆ متن کامل درس هژدهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی

بگیرید.



## بهارستان جامی



مولانا عبدالرحمن جامی مشهورترین شاعر عهد تیموریان است. ولادتش در سال ۸۱۷ ه.ق. و وفاتش در سال ۸۹۸ ه.ق. اتفاق افتاده است. تحصیلاتش در علوم ادبی، دینی و عرفان در هرات و سمرقند به پایان رسانید و تا مرحله ارشاد رسید. در اشعار جامی افکار صوفیانه، داستان‌ها و حکمت و اندرز زیاد دیده می‌شود. وی در مثنوی‌های خود روش نظامی را تقلید می‌کرد، در غزل از سعدی و حافظ پیروی می‌کرد و در قصیده تابع سبک شاعران قصیده گوی عراق بود. جامی علاوه بر دیوان قصاید، غزلیات، قطعات، رباعیات، هفت اورنگ از زبده‌ترین آثار وی به شمار می‌رود که شامل مثنوی‌های زیر است: سلسله الذهب، سلامان و ابسال، تحفة الاحرار، سبحة الابرار، یوسف و زلیخا، لیلی و مجنون و خردنامه.



از مهمترین آثار ادبی جامی کتاب بهارستان است که وی قسمتی از آن را به پیروی از گلستان سعدی نوشته؛ ولی مسلم است که مقصد او در این کار ساده تر کردن شیوه انشای گلستان سعدی بود و به همین سبب انشای بهارستان حتی در آن قسمت که رنگ ادبی آن بیشتر است، بیش از آن چه انتظار می‌رود متمایل به ساده‌گی بوده و شاید یکی از علل این تمایل، اختصاص کتاب به تعلیم است.

بهارستان در هشت روزه، مقدمه و خاتمه ترتیب یافته است. روزه نخستین در ذکر حکایاتی است درباره مشایخ صوفیه و بعضی از اسرار احوال آنان، روزه دوم متضمن حکم و مواظب و مشتمل بر چند حکمت و حکایات مناسب مقام، روزه سوم درباره اسرار حکومت و ذکر حکایاتی از شاهان، روزه چهارم درباره بخش و بخشنده‌گان، روزه پنجم در تقریر حال عشق و عاشقان، روزه ششم حاوی مطایبات و لطایف و ظرایف، روزه هفتم در شعر و بیان احوال شاعران و روزه هشتم حکایاتی چند از زبان و احوال جانوران.

جامی در آغاز کتاب گفته است که چون فرزندش ضی‌الدین یوسف به آموختن فنون ادب اشتغال داشت، این کتاب را برای وی فراهم آورد و آن را بر اسلوب گلستان نوشت و به نام سلطان حسین بایقرا موشح ساخت. با آنکه جامی روزه هفتم از کتاب خود را در شرح حال گروهی از شاعران برگزیده دری تا عهد خود با اختصار اختصاص داده است، لیکن همان اشارات می‌تواند محل استفاده باشد. عبارت‌ها، جمله‌ها و پاراگراف‌های کتاب بهارستان بسیار ساده و شیرین است و در میان آثار منثور دری مقام شامخ دارد، این کتاب بیشتر مشتمل بر موضوعات اخلاقی عالی و دستورهای سودمند برای زنده‌گانی است. قطعه‌های تاریخی آن نیز قسمت‌های مفیدی دارد که به روشن شدن احوال شعرا و عرفا کمک می‌کند، در مقام مقایسه بهارستان با گلستان سعدی، سخن منظوم بهارستان بیشتر است و تکلف زیاد در آن راه یافته و در روزه ششم آن پاره‌یی از مطایبات فراهم آمده است که خواننده را از سلیقه تربیتی مولانا جامی به شیگفتی می‌آورد.

## حکایتی از بهارستان

در مجلس کسری سه تن از علما جمع آمدند، فیلسوف رومی، حکیم هندی و بزرجمهر. سخن به اینجا رسید که سخت ترین چیز، چیست؟ رومی گفت: پیری و سستی با ناداری و تنگدستی، هندی گفت: تن بیمار و اندوه بسیار، بزرجمهر گفت: نزدیکی اجل با دوری از حسن عمل، همه به قول بزرجمهر رضا دادند و از قول خویشان باز آمدند.

پیش کسری زخردمند حکیمان می‌رفت

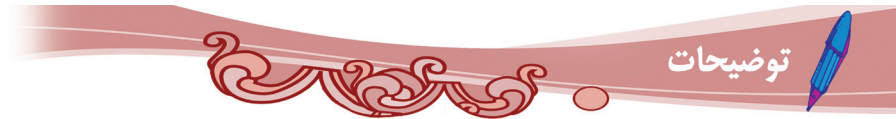
سخن از سخت ترین موج در این لُجَه غم

آن یکی گفت که بیماری و اندوه دراز

و آن دگر گفت که ناداری و پیریست به هم

سیمین گفت که قرب اجل و سوء عمل

عاقبت رفت به ترجیح سیم حکم حکم



- ۱- جام: شهری بوده در شرق هرات و هم اکنون قریه‌یی است در شمال شهر چغچران ولایت غور که منار جام در آنجا واقع است.
- ۲- روضه: باغ و گلستان، سبزه زار
- ۳- کسری: عنوان انوشیروان عادل، عنوان هر یک از شاهنشاهان ساسانی، جمع آن اکاسر، اکاسره.
- عرب‌ها هریک از پادشاهان ساسانی را کسری می‌گفتند.
- ۴- بزرجمهر: بزرگمهر، وزیر دانشمند انوشیروان عادل شاه ساسانی.
- ۵- سیمین: منظور از شخص سوم (بزرجمهر)، سومین
- ۶- صوفیه: پیروان طریقه و تصوف، اهل طریقت، اهل طریق، فرقه‌یی از مسلمانان

که طریق آنان ریاضت و عبادت است.

### آیین انشا و نگارش

#### توجه به قواعد دستوری

توجه به دستور زبان موجب جلوگیری از اشتباهات در به کار بردن کلمه‌ها در نگارش می‌گردد و به ما کمک می‌کند، که جمله چیست؟ چه سبب می‌شود جمله‌های بهتر، ساده، واضح و فصیح ترتیب گردد. همین که قواعد دستوری در نگارش در نظر گرفته شود فاعل، فعل، قید هر کدام در جایگاه مناسب به کار برده شود نوشته ما عاری از نواقص خواهد بود. در سراسر نوشته باید قواعد دستوری را رعایت کنیم، ارکان و اجزای جمله را در جای مناسب آن به کار ببریم.

### بیاموزیم

سرزمین تاریخی و کهن ما افغانستان در عرصه شعر و ادب فارسی دری، بزرگمردان زیادی را در آغوش پرمهر خود پرورده است که از آن جمله یکی هم مولانا عبدالرحمن جامی می‌باشد که در اواخر قرن هشتم می‌زیست. جامی آثار پر ارزشی از خود به جا مانده است که یکی هم کتاب بهارستان است. بهارستان در هشت روضه تحریر شده و شامل موضوعات مختلف می‌باشد که به پیروی از گلستان سعدی نوشته شده است.

- (نزدیکی اجل با دوری از حسن عمل)

یعنی سخت ترین چیز در زنده گی انسان زمانی واقع می‌شود که اجل نزدیک شود و کارنامه انسان خالی از اعمال نیک باشد.

\* \* \*

رعایت قواعد دستوری در نگارش سبب می‌شود تا جمله‌ها بهتر، ساده، واضح و فصیح ترتیب گردد. در سراسر نوشته باید قواعد دستوری را رعایت کنیم و ارکان و اجزای جمله را در جای مناسب آن به کار ببریم.



- ♦ متنی را که معلم محترم می‌خواند املا بنویسید.
- ♦ واژه‌های جدید درس را روی تخته بنویسید و معنی کنید.
- ♦ دو شاگرد واژه‌های معنی شده روی تخته را در جمله‌های مختلف استعمال کنند.
- ♦ مفهوم ابیات زیر را در چند سطر بنویسید:

گذری کن برین بهارستان      تا ببینی درو گلستان‌ها  
وز لطافت به هر گلستانی      رُسته گل‌ها، دمیده ریحان‌ها

## کار گروهی و سخنرانی

- ♦ یک شاگرد از هر گروه در مورد کتاب بهارستان سخنرانی کند.
- ♦ از هر گروه یک شاگرد شعر حکایت را با آواز بلند بخواند و معنی کند.
- ♦ گروه‌ها در مورد تصویر زیر بحث و گفتگو کنند و از هر گروه یک شاگرد نتیجه را به دیگران بیان کند:





- ◆ بهارستان به پیروی از کدام کتاب نوشته شده است؟
  - ◆ جامی کتاب بهارستان را در چند بخش تقسیم کرده است؟
  - ◆ آثار جامی کدامها اند؟ نام ببرید.
  - ◆ رعایت قواعد دستوری در نگارش سبب چه می‌شود؟
  - ◆ مفهوم جمله زیر چیست؟
- «تزدیکی اجل با دوری از حسن عمل»

.....

.....

.....

.....



مفهوم شعر زیر را در کتابچه‌های تان بنویسید:

مغرور مشو به مال چون بی خبران

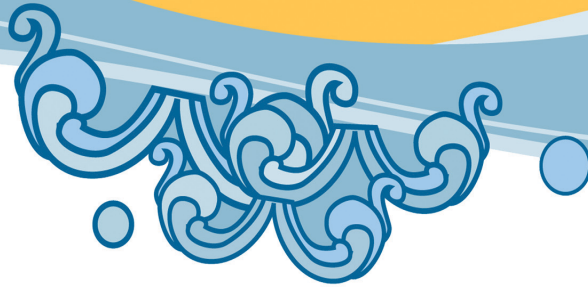
زیرا که بود مال چو ابر گذران

ابر گذران اگر چه گوهر بارد

خاطر نهد مرد خردمند بر آن

◆ متن کامل درس نهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی

بگیرید.



## مروت و مردانه‌گی



ره نیک مردان آزاده گیر  
چو ایستاده ای دست افتاده گیر

مردم داری، انسان دوستی و مردانه‌گی در هر کاری، نشان شرف و شأن آدمیست. دشمنی، تبعیض و تعصب انسان‌ها را از هم دور و پراکنده می‌سازد و انسانیت را از دل‌ها می‌کاهد. کوشش کنیم تا دل‌های خود را از نفاق و بد بینی، کینه و کدورت و دشمنی بزداييم و جایش را به خیر اندیشی و نودوستی بدهیم، که در این راه هیچ کسی را زیان نباشد.

آورده اند که در کرمان ملکی بود به غایت سخی و مهمان دوست. پیوسته در مهمان خانه او گشاده بود و خوان احسان او برای خاص و عام نهاده. هر که به شهر او آمدی، بر سفره کرم او نان خوردی، تا در آن شهر بودی، وظیفه چاشت و نان شام از ضیافت خانه وی بردی. وقتی عضدالدوله را کفایت بودی، فرستادی.

عضدالدوله به حصار آمدندی و جنگ سخت کردندی و هر شب ملک کرمان آن مقدار طعام که لشکر عضدالدوله پیغام داد که: روز حرب کردن و شب نان دادن وظیفه مردمی، ایشان اگر چه دشمن اند؛ اما غریب شهر و ولایت من اند. عضدالدوله بگریست و گفت: کسی را که چنین مروت باشد با وی حرب کردن از بی مروتیست، لشکر باز گردانید و تعرض وی نکرد.

مردمی کن به جای دشمن و دوست کز مروت زیان نکرد کسی

اخلاق محسنی



### حکایت

آورده اند که در پیش رسول اکرم صلی الله علیه و آله مردی را می‌ستودند که او مردی عظیم با قوت است. فرمود چگونه؟ گفتند: با هر کس که گشتی گیرد او را بیفگند و با همه کس بر آید. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: قوی و مردانه آن باشد که با خشم خویش بر آید، نه آن که، کسی را بیفگند.

نصیحت الملوک امام محمد غزالی

## توضیحات

- ۱- عضدالدوله: احمد میرزا بن فتح علی، شاه قاجار، شاهزاده قاجاری و از رجال قرن سیزدهم ه.ق. پدر سپهسالار وجیه الدوله میرزا و مؤلف تاریخ عضدی است؛ اما در لغت به معنای بازوی دولت، یار دولت.
- ۲- عظیم: در اینجا یعنی بسیار، زیاد
- ۳- با خشم خویش بر آید: یعنی خشم و غضب فرو خورد، هیچ‌گاهی خشمگین نشود.
- ۴- با همه کس بر آید: یعنی بر همه پیروز می‌شود.

## آیین انشا و نگارش

### توجه به املا در نگارش

یکی از مهمترین و عمده ترین موضوعات در نگارش درست نوشتن کلمات می‌باشد. هرگاه توجه به املا صورت نگیرد؛ معنای کلمات و جمله‌ها تغییر کرده باعث پراکنده‌گی در نوشته ما می‌گردد و خواننده را به مشکل مواجه ساخته معنایی درست از آن گرفته نمی‌تواند. در املاي واژه‌ها و وصل و فصل ترکیب‌ها باید دقت داشته باشیم و هرگز لغاتی که املاي درست آن‌را نمی‌دانیم، به کار نبریم یا به کتاب لغت مراجعه نماییم. گاهی تلفظ نادرست هم موجب اشتباه در املا می‌گردد.

چند راهنمایی برای املاي کلمات

فعل‌هایی که با (ا) شروع می‌شود؛ مانند: «افکندن، انداختن، اندوختن، افراشتن، افتادن» هر گاه با جز پیشین «ب» یا «ن» همراه شود، حرف (ا) به صورت «ی» در می‌آید:



ب + افگندم

ب + انداختیم

ب + اندوز

ب + افتادند

ب + افزود

ب + بیفتادند

ب + بیفزود

فعل‌هایی که با (آ) شروع می‌شوند؛ مانند: «آمدن، آوردن، آسودن، آراستن، آشامیدن و آلودن» هنگام پیوستن به جز پیشین «ب» علامت مد آن به «ی» تبدیل می‌شود.

ب + آمد

ب + آوردیم

ب + آلودند

بیامد

بیآوردیم

بیآلودند

### چنین ننویسیم

سؤال

مسئله

هیئت

جرئت

مسئول

زکوة و صلوة

داود، کاوس

طاوس

### چنین بنویسیم

سؤال

مسأله

هیأت

جرات

مسؤول

زکات و صلات

داوود، کاووس

طاووس



کمال‌الدین حسین واعظ کاشفی سبزواری، وفات سال ۵۰۵ ه.ق. مطابق سال ۱۵۰۴ م. از نثر نویسان نامدار بوده که آثار پر بار و گران‌بهایی از خود به جا مانده است. او واعظ هرات بود و به علت تصحیح مجموعه داستان‌های کلیله و دمنه آوازه گسترده‌یی به دست آورد.

حسین واعظ رساله روضة الشهداء (باغ شهیدان) را نوشت و در آن رنج‌های امام حسین نوۀ کوچک پیامبر ﷺ را تصویر کرد. وی هم‌چنین اثر اخلاقی خود به نام اخلاق محسنی را در سال ۱۴۹۵ م. نوشت که سومین اثر منثور در زمینه اخلاق به شمار می‌رود.



یکی از مهمترین و عمده‌ترین موضوعات در نگارش درست نوشتن کلمه‌ها می‌باشد هرگاه توجه به املا صورت نگیرد؛ معنای کلمات و جمله‌ها تغییر کرده باعث پراکنده‌گی در نوشته ما می‌گردد. در املاي واژه‌ها و وصل و فصل ترکیب‌ها باید دقت داشته باشیم و هرگز لغاتی که املاي درست آن را نمی‌دانیم، به کار نبریم.



- ♦ متنی را که معلم محترم می‌خواند املا بنویسید.
- ♦ دو شاگرد واژه‌های جدید درس را روی تخته معنی کنند.
- ♦ با توجه به درس، واژه‌های زیر را در جمله‌های مناسب به کار ببرید:  
(مروت، احسان، غایت، غریب)

## کار گروهی و سخنرانی

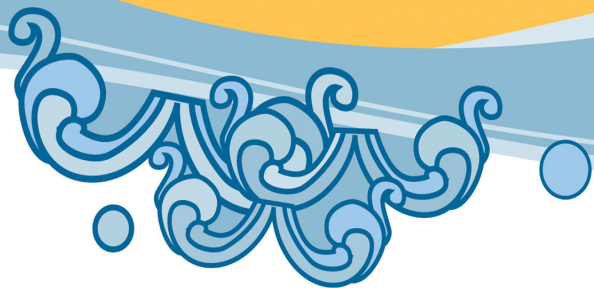
- ◆ یک شاگرد از هر گروه، اهمیت نشانه‌گذاری را بیان نماید.
- ◆ چند شاگرد در مورد مفهوم حکایت سخنرانی کنند.
- ◆ به سه گروه تنظیم شوید، یک گروه تعصب را، گروه دیگر دشمنی را و گروه سومی برادری و برابری را عنوان قرار داده، یک مقاله پنج سطره ترتیب دهید و هم‌چنین نشانه‌گذاری را در آن رعایت کنید.



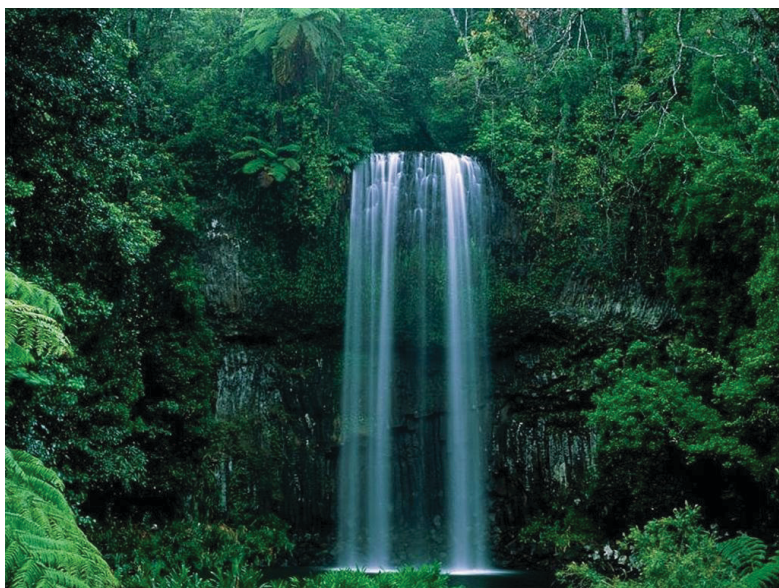
- ◆ واعظ کاشفی از کدام یک کشورهای زیر است:  
الف: هندوستان، ب: تاجکستان، ج: افغانستان، د: ایران.
- ◆ اثر اخلاقی واعظ کاشفی به نام چه یاد می‌شود؟
- ◆ پیام اصلی درس چیست؟



- ◆ برداشت تان را از مفهوم و محتوای درس در کتابچه‌های تان بنویسید.
- ◆ متن کامل درس بیستم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.



## زنده گی همین لحظه هاست



دانی که چرا همی کند نوحه گری؟  
کز عمر شبی گذشت و تو بی خبری  
خیام

هنگام سپیده دم خروس سحری  
یعنی که نمودند در آینه صبح

زنده‌گی مجموعه‌یی از روزها، ماه‌ها و سال‌ها است؛ روزهایی که به شتاب می‌گذرند و هرگز باز نمی‌گردند.

می‌گویند وقت طلاست؛ ولی بدون تردید وقت از طلا، گران‌بهاتر است؛ زیرا با صرف وقت می‌توان طلا به دست آورد؛ ولی دقایق تلف شده را با طلا نمی‌توان خرید. چه بسیارند آنانی که وقت خود را بیهوده تلف می‌کنند. گویی قرن‌های طولانی در این جهان زنده‌گی خواهند کرد. اگر پول شان گم شود، دل آزرده می‌شوند و در جستجوی آن دنیا را زیر و رو می‌کنند؛ اما هرگز از تلف شدن وقت خویش نگران و ناراحت نمی‌شوند.

عمر حقیقی را شناسنامه ما تعیین نمی‌کند، زیستن و زنده‌گی زیبا، تنها همان فرصت‌هایی است که با اعمال زیبا و کارهای بزرگ می‌گذرد.

می‌گویند، اسکندر در اثنای سفر به شهری رسید و از گورستان عبور کرد. سنگ‌مزارها را خواند و به حیرت فرو رفت؛ زیرا مدت حیات صاحبان قبور که بر روی سنگ‌ها حک شده بود، هیچ‌کدام از ده سال تجاوز نمی‌کرد. یکی از بزرگان شهر را پیش خواند، به او گفت: «شهری به این صفا، با هوای خوب و آب گوارا، چرا زنده‌گی مردمش چنین کوتاه است؟» آن مرد بزرگ پاسخ داد: «ما زنده‌گی را با نظری دیگر می‌نگریم، زنده‌گی به خوردن و خفتن و راه رفتن نیست. اگر چنین باشد، ما و حیوانات تفاوتی نداریم. زنده‌گی حقیقی آن است که در جستجوی دانش و یا کار مفید و سازنده بگذرد. با این قرار، هیچ کس بیش از پنج‌وشش و حد اکثر ده سال زنده‌گی نمی‌کند؛ زیرا قسمت اعظم عمر به غفلت سپری می‌شود. کسی در زنده‌گی موفق است که اکنون و فرصت حال را دریابد و همیشه فکر کند که بهترین فرصت من امروز است. امروز را به فردا افگندن و به امید آینده نشستن، کار درستی نیست؛ همچنان که امروز را به یاد آوری گذشته‌های از دست رفته، گذراندن و افسوس خوردن نیز شایسته نیست. خیام شاعر بزرگ ما گفته است:

از دی که گذشت هیچ از او یاد مکن  
فردا که نیامده است فریاد مکن

برنامه و گذشته بنیاد مکن  
حالی خوش باش و عمر برباد مکن

آیا منظور از خوش بودن در این شعر، خنده‌های بیهوده و خوش گذرانی است؟ نه، خوشی واقعی دل‌های دیگران را شاد کردن، گره از کار دیگران گشودن و با دیگران خندیدن است که خدا دوستدار کسانی است که شادی خود را با دیگران تقسیم و غم را از دل دیگران دور می‌کند. می‌گوییم قدر وقت را بدانید و دقایق گران‌بها را بیهوده از دست ندهید، مقصودم این نیست که دائماً در کوشش و اضطراب با شید و راحت و آرام را بر خود حرام کنید. ساعاتی که در مصاحبت دوستان می‌گذرد یا برای گردش و ورزش و بازی‌های تفریحی مصرف می‌شود، در ردیف اوقات تلف شده نیست.

وقتی زیبایی‌های آفرینش را می‌بینیم، وقتی سبزه‌ها، گل‌ها، درختان، آسمان آبی یا پرستاره را با شگفتی و اعجاب مرور می‌کنیم و یا بر ساحل دریا، یا رودخانه می‌نشینیم، وقت خود را تلف نکرده ایم. این‌ها جزء زنده‌گی است به خصوص اگر با تأمل و فکر و عبرت همراه باشد.

زنده‌گی همین لحظه‌هاست و از دست دادن فرصت‌ها جز غصه و اندوه چیزی

همراه ندارد.

عباس اقبال آشتیانی



## رعایت نشانه‌گذاری در نگارش

برای این که هر نوشته، منظور نویسنده آن را کامل و دقیق نشان دهد، علامت‌های خاصی را در آن به کار می‌برند؛ به طور مثال:

جمله «نادیه از سفر برگشت» را در نظر می‌گیریم؛ چون در آخر آن علامتی وجود ندارد فهمیده نمی‌شود، که جمله خبری است یا پرسشی یا تعجبی. حال سه نوع علامت را در آخر آن به کار می‌بریم.

۱- نادیه از سفر برگشت.

۲- نادیه از سفر برگشت؟

۳- نادیه از سفر برگشت!

در جملات فوق می‌بینیم که هر کدام با گذاشتن علامت واضح و آشکار شد. بنابراین نویسنده با علامت مورد نظر خود، می‌تواند منظورش را بهتر برای خواننده باز گوید.

۱- مطالب و هدف‌های نویسنده را بخوبی روشن می‌سازد.

۲- لحن سخن و بسیاری از عواطف تند و ملایم نویسنده را به خواننده منتقل می‌سازد.

۳- به خواننده کمک می‌کند تا نوشته را درست‌تر و آسانتر بخواند و در نتیجه منظور نویسنده را بهتر درک کند.

## نقطه(.)

۱- در پایان جمله‌های امری و خبری به کار می‌رود؛ مثلاً:

همه مردم به نوشتن نیاز دارند.

هرگز از خداوند غافل نشوید.

۲- هرگاه که حرف اول کلمه یا اسمی به صورت اختصاری بیاید.  
افغانستان در سال ۱۲۹۸ هـ.ش. به استرداد استقلال موفق گردید.

### سؤالیه (؟)

۱- این علامت در آخر جمله‌های پرسشی می‌آید؛ چنانچه:

خانه شما کجاست؟

### علامت تعجب!

۱- در آخر جمله تعجبی می‌آید: عجب روزگاری است!

۲- بعد از اصوات و گاهی بعد از منادا قرار می‌گیرد: به به! زنه‌ار! عجب! خوشا! آفرین!

خدایا!

### ویرگول یا کامه (،)

۱- در پایان جمله‌های ناقص پیرو می‌آید:

هنگامی که وارد شد، شادمان به نظر می‌رسید.

چو بد کردی، مباش ایمن زآفات.

۲- هرگاه چند کلمه در جمله، دارای نقش مشترک باشند دو تای آخر را با حرف «و»

به هم می‌پیوندیم؛ اما بقیه را باعلامت ویرگول:

هر دانش آموز با هوشی نسبت به درس، کوشش، علاقه و پشتکار دارد.

### سیمیکولن (؛)

۱- برای جداکردن جمله‌های که از جهت ساختمان و مفهوم، مستقل به نظر می‌رسند؛

ولی در یک عبارت طولانی، از جهت بیان کلی یک مطلب، به یک‌دیگر پیوسته باشند و یا

از یک حکم کلی پیروی کنند:

نه هر که به قامت مهتر؛ به قیمت بهتر.

الهی! می‌پنداشتم که تو را شناختم؛ اکنون آن پنداشت و شناخت را در آب انداختم.

### خط فاصله (-)

۱- هرگاه بخشی از یک نوشته به صورت سؤال و جواب یا بحث و مکالمه باشد،



گوینده‌گان آن مشخص نباشد، برای بار نخست نام‌ها را می‌نویسند؛ ولی پس از آن، سخن هر کدام را بعد از خط فاصله در اول سطر می‌نویسند.

دیروز حسین را دیدم؛ از او پرسیدم:

- حالت چطور است؟

- خوب هستم.

- امتحانات چطور شد؟

- کامیاب شدم.

۲- هر گاه بخش‌های گوناگون یک موضوع را جدا بنویسند و هر بخش را با شماره

مشخص کنند، بعد از هر شماره یا حروف الفبا، یا خط فاصله می‌گذارند:

اصول دین اسلام سه تا است:

۱- توحید

۲- نبوت

۳- معاد

گیومه»

در موارد زیر استعمال می‌گردد:

۱- هنگامی که سخنی را عیناً از کسی یا جایی نقل قول کنند آن را در این نوع

قوس یا گیومه می‌گیرند؛ مثلاً: پیامبر ﷺ فرموده است: «طلب علم بر مرد و زن مسلمان فرض است.»

۲- هر گاه بخواهند عنوان آثار هنری، مقاله، شعر یا کتاب را در جمله‌یی بیاورند؛ مانند:

سعدی «بوستان» را در ۶۵۵ سرود و «گلستان» را در ۶۵۶ نوشت.

شارحه یا دونقطه بیانی (:)

هر گاه در جمله به سخن کسی یا موضوعی از جایی اشاره شود و سپس عین آن

موضوع نقل شود، آن را در گیومه می‌گیرند.

معلم گفت: ((شاگرد خوب همیشه با همصنفان خود برخورد نیک می‌داشته

باشد.))



زنده گی همین لحظه‌هاست، لحظه‌هایی که مثل باد و باران می‌گذرند و هرگز دوباره بر نمی‌گردند.

بنابراین لازم است با نشاط و خرمی، خوب درس بخوانیم، به وظایف انسان ساز اسلامی عمل کنیم، اخلاق نیکو داشته باشیم، اطاعت و خدمت پدر و مادر را بر خود لازم شمرده، آن‌ها را راضی نگاه‌داریم، به معلمان و بزرگان احترام کنیم و سعی نماییم، برای کشور خود مفید باشیم.

\* \* \*

برای این‌که هر نوشته، منظور نویسنده آن را کامل و دقیق نشان دهد، علامت‌های خاصی را در آن به کار می‌برند.



♦ متنی را که معلم محترم می‌خواند املا بنویسید.

♦ در مورد ارزش وقت دو جمله بنویسید.

♦ مفهوم رباعی زیر را بنویسید:

این عمر به ابر نو بهاران ماند	وین دیده به سیل کوهساران ماند
ای دوست چنان بزی که بعد از مردن	انگشت گزیدنی، به یاران ماند

## کار گروهی و سخنرانی

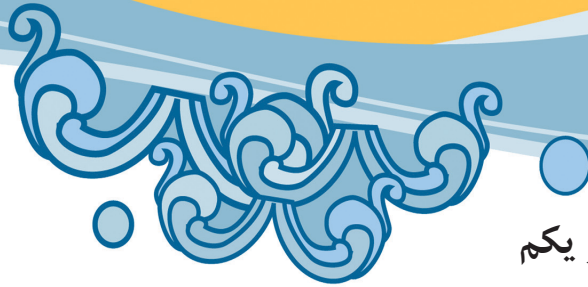
- ♦ از هر گروه دو شاگرد نکات عمده و مهم قواعد انشا و نگارش (علامت گذاری) را، روی تخته بنویسند.
- ♦ یک شاگرد از هر گروه واژه‌های جدید درس را روی تخته بنویسد، معنی کند و جمله بسازد.
- ♦ با مشوره در گروه‌ها درباره مفهوم درس، سه شاگرد سخنرانی کنند.



- ♦ چرا وقت از طلا گران‌بها تر است؟
- ♦ منظور از «عمر حقیقی را شناسنامه ما تعیین نمی‌کند» چیست؟
- ♦ نگارش تخیلی به چگونه نگارشی می‌گویند؟
- ♦ چگونه می‌توان از ساعات عمر بهتر استفاده کرد؟



- ♦ در مورد ارزش وقت ده سطر بنویسید.
- ♦ متن کامل درس بیست و چهارم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.



درس بیست و یکم

## جهان معنوی



شیخ فریدالدین عطار

یکی از پندنامه‌های منظوم و مشهور در ادب فارسی دری هم پندنامهٔ منسوب به شیخ فریدالدین عطارنیشاپوری است که شامل منظومه‌های حکمی - اخلاقی، در قالب مثنوی است. عطار نخستین شاعری است که عرفان را به طور مبسوط به زبان شعر بیان کرد استقبال از پندنامهٔ عطار در شبه قارهٔ هند کم نظیر بوده و این تألیف، حتی به عنوان کتاب درسی هم، در حوزه‌های درسی تدریس می‌شد. شعری را که می‌خوانید یکی از مثنوی‌های این پندنامه است.

بلبل از باد صبا در بوستان  
مدتی فریاد و زاری در چمن  
کار دنیا این چنین است ای پسر  
آمدند آنجا همه مرغان باغ  
گریه و زاری همی کردند و آه  
عارف مرغان که طوطی نام اوست  
تعزیت چون داد، بر شاخی نشست  
از ملایک تا به انسان و پری  
کس نماند در جهان بر روی خاک  
ای خوشا آنکس که او چالاک رفت  
کی بقا دارد جهان، ای بو الهوس

نوحه‌ها می‌کرد بهر دوستان  
کرد بلبل پیش نسرين و سمن  
الحذر از کار دنیا الحذر  
با دل پر درد و با جان بداغ  
شب همه شب تا به وقت صبحگاه  
شکر شیرین همه در کام اوست  
گفت: از بالای گردون تا به پست  
وز سلاطین تا گدا و لشکری  
بلکه زیر خاک خواهد رفت پاک  
دل به دست آورد و زیر خاک رفت  
کی بماند این جهان با هیچ کس

از گل و گلزار و گلشن دور شو  
در جهان معنوی مستور شو

پند نامهٔ عطار

آیین انشا و نگارش

### نگارش تشریحی

نوشته‌های تشریحی نوشته‌هایی را گویند که در آن موضوعی با موشگافی و دقت هر چه بیشتر شرح داده شده باشد. این نوع نوشته‌ها را به دو دستهٔ عینی و ذهنی تقسیم می‌کنیم:

۱- نگارش‌های تشریحی عینی: عبارت است از نوشته‌هایی که نویسنده صحنه یا موضوعی را به چشم خود دیده باشد و سپس جزء جزء آن را به روی کاغذ آورده باشد. طوری که شنونده یا خواننده بتواند به خوبی آن منظره یا آن شی را در نظر مجسم کند. در این نگارش‌ها هر چه دقت در مشاهده باشد و ریزه‌کاری‌ها تشریح شده باشد رنگ

و جلوه آن زیادتر است. نثرهای تاریخی (مانند نثر تاریخ بیهقی) نیز جزء این نوشته‌ها می‌باشد.

۲- نگارش‌های تشریحی ذهنی: در این نگارش‌ها نویسنده صحنه یا موضوعی را در ذهن خویش مجسم کرده و شرح جزئیات آن را داده باشد طوری که برای خواننده تصور گردد که نویسنده خود شاهد بوده و به چشم دیده است؛ مثلاً: داستان ابن سماک از بیهقی را می‌توان از جمله این نگارش‌ها دانست.

اگر شاگردان به نوشته‌های تشریحی ذهنی و عینی خود را عادت دهند در آینده نویسنده‌گان خوبی خواهند شد.



ای خوشا آن کس که او چالاک رفت  
دل به دست آورد و زیر خاک رفت  
خوشا به حال آن کس که در شادی و رضایت دل‌ها کوشید و هرگز دلی را  
نرنجانید و باعث آزار و اذیت کس نشد. بدان که این دنیا به کسی پاینده نیست و دل  
بستن به مال و متاع و دارایی آن کاریست بی مورد و بیجا.  
پس نباید مرتکب عملی شویم که باعث سرافگنده‌گی و شرمساری ما در دنیا  
و آخرت گردد. چنان که شاعر گرانمایه و عارف بزرگ ما خواجه عبدالله انصاری چنین  
گفته است:

دل به دست آور که حج اکبر است      از هزاران کعبه یک دل بهتر است

\* \* \*

نوشته‌های تشریحی نوشته‌یی را گویند که در آن موضوعی با موشگافی و دقت  
هر چه بیشتر شرح داده شده باشد. این نوع نوشته‌ها را به دو دسته عینی و ذهنی تقسیم  
می‌کنیم:

۱- نگارش‌های تشریحی عینی

۲- نگارش‌های تشریحی ذهنی



- ◆ متنی را که معلم محترم می‌خواند املا بنویسید.
- ◆ دو شاگرد نکات عمده و مهم (نگارش تشریحی) را، روی تخته بنویسند.
- ◆ یک شاگرد واژه‌های جدید درس را روی تخته بنویسد، معنی کند و جمله بسازد.

## کار گروهی و سخنرانی

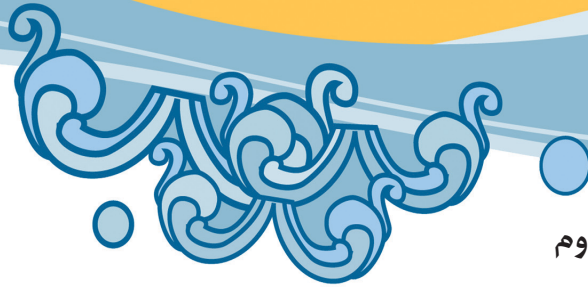
- ◆ با مشوره در گروه‌ها درباره مفهوم درس، سه شاگرد سخنرانی کنند.
- ◆ از هر گروه یک شاگرد نکات مهم درس را، روی تخته بنویسد.



- ◆ منظور شاعر از بیت زیر چیست؟  
بلبل از باد صبا در بوستان نوحه‌ها می‌کرد بهر دوستان
- ◆ نگارش تشریحی ذهنی چیست؟
- ◆ دو شاگرد شعر درس را با صدای بلند دکلمه کنند.



- ◆ متن درس را حفظ کنید و در مورد مفهوم آن یک مضمون بنویسید.
- ◆ متن کامل درس بیست و دوم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.



## شرط نیک‌نامی



همیشه باید کوشش کنیم تا حرف دل و زبان ما یکی باشد و کاری را باید انجام بدهیم که عقل و خرد برای ما دستور می‌دهد؛ به گونه‌ی مثال: دل حاجت مندی را به دست گرفتن، پای برهنه‌یی را پوشاندن و خلاصه آسایش و آرامش خلق خدای را خواستن، این‌ها همه و همه راه‌هایی است که انسان را نام نیک بخشیده و خوشبختی‌های دنیا و آخرت را نصیب می‌گرداند.



خِنگِ آز و هوس همی‌رانندن  
وقت کوشش، ز کار واماندن  
دل خلق خدای رنجاندن  
دیگران را ز دیو ترساندن  
زهر را جای شهد نوشاندن  
هر کجا خرمی است سوزاندن  
سر ز فرمان عقل پیچاندن  
عیب پیدای خویش پوشاندن  
آسیا چون زمانه گرداندن  
زانکه این نکته بایدت خواندن

نیکنامی نباشد از ره عَجَب  
روز دعوا، چو طبل بانگ زدن  
خسته‌گان را زطعنه، جان خستن  
خود سلیمان شدن به ثروت و جاه  
با در افتاده‌گان، ستم کردن  
اندر امید خوشه هوسی  
گم‌رهان را رفیق ره بودن  
عیب پنهان دیگران گفتن  
بهر یک مشّت آرد بر سر خلق  
گویمت شرط نیکنامی چیست

خاری از پای عاجزی کندن  
گردی از دامنی بیفشاندن

پروین اعتصامی



## توضیحات

- ۱- عَجَب: خود بینی، خود پسندی
- ۲- خِنگ: در اینجا اسپ سفید رنگ و سفید موی
- ۳- خِنگِ آز و هوس: در اینجا یعنی ظاهر سفید و باطن سیاه.

## نگارش توصیفی یا وصفی

در این گونه نگارش نویسنده منظرهایی را که به چشم دیده است نه تنها تشریح می‌کند؛ بلکه زیبایی‌ها و یا زشتی‌های آن را به صورت دل‌پسند جلوه می‌دهد و در چشم و دل خواننده می‌آراید. هنری که نویسنده در نوشته‌ی وصفی به کار می‌برد تخیل است. بنابراین نوشته‌ی وصفی را باید مخلوطی از حقیقت و تخیل دانست، که قدرت نویسنده آن‌ها را با هم آمیخته است و به صورت دلپذیر در آورده است.

در ادبیات کلاسیک زبان دری، نثر توصیفی بسیار اندک است؛ زیرا اول این که نثر نسبت به شعر کمتر است، دوم این که نثرهایی هم است که بیشتر جنبه‌ی تاریخی دارد از واقعات زنده‌گی سخن می‌گوید و جنبه‌ی وصفی آن کمتر است؛ اما در شعر آنقدر پرده‌های بدیع رنگارنگ وصف به ملاحظه می‌رسد که خواننده از این همه زیبایی به اعجاب و شگفتی دچار می‌شود.



هیچ‌گاهی فریب آدم‌های فریب‌کار را نخوریم و هرگز باید زیر تأثیر حرف‌ها و چرب‌زبانی‌های آنان نرویم، چنانچه در بیت چهارم درس خواندیم که:

خود سلیمان شدن به ثروت و جاه      دیگران را ز دیو ترساندن  
شاعر آنانی را که دل و زبانشان یکی نیست خطاب قرار داده و می‌گوید: هستند کسانی که در ظاهر بسیار خوب می‌نمایند؛ اما در باطن خیلی بد نیت و ظالم اند و فکر می‌کنند که نام نیک را با داشتن پول، ثروت، ظلم، فساد و آزار و اذیت مظلومان می‌توان کمایی کرد؛ ولی غافل از این‌که به جز از رنج و عذاب آخرت چیز دیگری را به دست نمی‌آورند.

\* \* \*

پروین اعتصامی شاعر نام‌دار و توانای معاصر شعر فارسی دری در سال ۱۲۸۵ ه.ش. در خانوادهٔ اهل علم و ادب متولد شد و پدرش یوسف اعتصام‌الملک، نویسنده و مترجم چیره‌دستی بود. پروین در خدمت پدر فاضل خود به فراگرفتن علم پرداخت و ادبیات فارسی و عربی را از او آموخت و از هشت سالگی به سرودن شعر آغاز کرد. نخستین دیوان شعرش در سال ۱۳۱۴ ه.ش. انتشار یافت. قصاید پروین از حیث الفاظ پیرو شیوهٔ شاعران قرن پنجم و ششم ه.ق. و به خصوص ناصر خسرو بلخی است.

سرانجام در سال ۱۳۲۰ ه.ش. به بیماری حصبه مبتلا شد و به سن ۳۵ ساله‌گی درگذشت و در قم ایران مدفون است.

\* \* \*

نوشتهٔ وصفی را باید مخلوطی از حقیقت و تخیل دانست، که قدرت نویسنده آن‌ها را با هم آمیخته است و به صورت دلپذیر در آورده است. هنری که نویسنده در نوشتهٔ وصفی به کار می‌برد تخیل است.

در ادبیات کلاسیک زبان دری، نثر توصیفی بسیار اندک است؛ زیرا اول این‌که نثر نسبت به شعر کمتر است، دوم این‌که نثرهایی هم است که بیشتر جنبهٔ تاریخی دارد.



- ♦ متنی را که معلم محترم می‌خواند املا بنویسید.
  - ♦ پیام درس را به صورت خلاصه بنویسید.
  - ♦ در مورد بیت زیر چند جمله بنویسید:
- عیب پنهان دیگران گفتن      عیب پیدای خویش پوشاندن

## کار گروهی و سخنرانی

- ♦ پس از مشوره در گروه، درباره مفهوم شعر سه شاگرد سخنرانی کنند.
  - ♦ گروه‌ها در مورد تصویر و بیت زیر با هم مشوره کنند و در آخر یک‌تن به نماینده‌گی گروه خود نتیجه را بیان کنند:
- گرت همواره باید کامگاری      ز مور آموز رسم بردباری

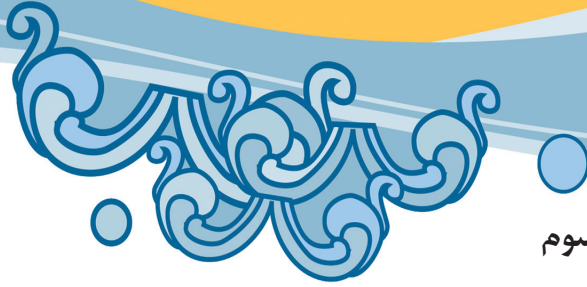




- ◆ از مفهوم شعر چه را آموختید؟
- ◆ چگونه می‌توان نیکنام و خوشبخت شد؟
- ◆ ظلم وستم بر مظلومان را، چه نوع عمل می‌دانید؟
- ◆ پروین اعتصامی در سرودن شعر از کی پیروی می‌کرد؟
- ◆ پیام اصلی درس چیست؟



- ◆ ابیات زیر از پروین اعتصامی است، برداشت تان را از مفهوم آن به نثر ساده در کتابچه‌های تان بنویسید:  
در آسمان علم، عمل برترین پر است  
در کشور وجود، هنر بهترین غناست  
جان را هرآنکه معرفت آموخت مردم است  
دل را هرآنکه نیک نگهداشت پادشاست
- ◆ متن کامل درس بیست و سوم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.



## نیک‌خواهی و خدمت به مردم



قسمی که در آیت فوق خواندیم که (خداوند جلا با صابران است) منظور از صابران، کسانی اند که در برابر سختی‌ها و نا‌ملایمات روزگار چون کوه استوار و پایدار می‌ایستند و در زمان عصبانیت و قهر گذشت و نرمی اختیار می‌کنند. انسان نباید در مقابل اتفاقات و حوادثی که گاه‌گاهی در زنده‌گی اتفاق می‌افتد، کاری بکند که باعث آزردگی و اذیت دیگران شده، ندامت و پشیمانی به بار آورد. گذشت در هر کاری سبب می‌شود تا انسان پیروز، سرافراز، خوشبخت و نیک‌نام شود. بیایید تا خصلت عالی بشری را که همانا گذشت و بردباری است در دل‌های خود پرورش دهیم و کاری بکنیم که برای خیر و صلاح مردم و جامعه ما باشد.

کلید باب جنت بردباریست  
که بدکاری بود رنجاندن کس  
زسگ طبعی بود گرگ آشنایی  
میفزای از جفایش درد بر درد  
چو مرهم می‌نسازی، نیش کم زن  
چی باشد دیو بودن؟ آدمی باش  
به کوه آواز خوش ده تا خوش آید  
گر آسان‌گیری اش، آسان شود زود  
به تمکین باش همچون ماه و خورشید  
که ندهد بهر تو میراث خوارت  
بترس از روز حاجتمندی خویش  
زهر کس این صفت ناید، بخیل است  
کس از دست و زبان خود میازار

در گنج سعادت ساز گاریست  
مرنجان کس مخواهش عذر آن پس  
مکن قصد جفا گر با وفایی  
چو نتوانی علاج درد کس کرد  
سنان جور بر دلریش کم زن  
ز مردم زاده‌ای، با مردمی باش  
مگو ناخوش که پاسخ ناخوش آید  
هر آن سختی که با تو روی بنمود  
به هر بادی مجنب از جای چون بید  
بده چون داد نعمت کردگارت  
برآور حاجت درویش دلریش  
جوانمردی سعادت را دلیل است  
به لطف و مرحمت دل‌ها نگه‌دار

به کار افتاده، کار آموز می‌باش

شبستری

به هر دلسوخته، دلسوز می‌باش

آیین انشا و نگارش

### نگارش تخیلی

گاهی نوشته‌ها نه تشریحی و نه وصفی است؛ اما حالت، شادی یا غم را در روح خواننده ایجاد می‌کند و او را با فکر نویسنده شریک می‌سازد. این نوع نوشته‌ها را تخیلی می‌نامند. از کلمه (تخیلی) نباید تصور کرد که آن‌چه زاده خیال و اندیشه است، نوشته تخیلی نامیده می‌شود؛ بلکه همان‌گونه که در نوشته‌های تشریحی گفته شد، گاهی ذهن انسان منظره، حالتی یا داستانی را در خود ایجاد می‌کند و آن را به صورت نوشته‌یی به

خواننده بیان می‌کند. بنابراین مقصد از نوشته تخیلی، نوشته‌یی نیست که ذهن و اندیشه انسانی منظره یا حالتی را تخیل کرده باشد؛ بلکه مقصود ایجاد ارتباط بسیار ضعیفی است میان حوادث مختلف و صحنه‌های متفاوت (گاهی هم این ارتباط از بین می‌رود و خواننده احساس گسیخته‌گی در میان متن می‌کند) تا حالتی که نویسنده انتظار دارد در خواننده خود ایجاد کند.

این نوع نوشته‌ها بیشتر نماینده روح نویسنده خود می‌باشند. نویسنده با ذهن خلاقش حالات خود را به خواننده انعکاس می‌دهد. این گونه نوشته‌ها غالباً هنرمندانه و گیراست.



شیخ سعدالدین محمود شبستری از عارفان و شاعران قرن هشتم هجری در شبستر تبریز دیده به جهان گشود. او به انواع علوم ظاهری و باطنی آراسته بود و در فنون حقایق و معارف صوری و معنوی در عصر خود از مشرق تا به مغرب، نظیر نداشته و تصانیف عالی از ایشان بر صفحه روزگار به یادگار مانده است که یکی آن گلشن راز و دیگری سعادتنامه است.

سعادتنامه اثر منظوم دیگر شیخ است مشتمل بر سه هزار بیت و در هشت باب که شیخ در این منظومه به سفرهای طولانی خود و زیارت عالمان اشاره کرده است.

\* \* \*

گاهی نوشته‌ها نه تشریحی و نه وصفی است؛ اما حالت، شادی یا غم را در روح خواننده ایجاد می‌کند و او را با فکر نویسنده شریک می‌سازد. این نوع نوشته‌ها را تخیلی می‌نامند.





- ♦ متنی را که معلم محترم می‌خواند املا بنویسید.
- ♦ دو شاگرد چند بیت درس را روی تخته بنویسند.
- ♦ یک شاگرد کلمه‌های جدید درس را روی تخته بنویسد و معنا کند.

### کار گروهی و سخنرانی

- ♦ پس از مشوره در گروه، چند شاگرد در مورد مفهوم شعر سخنرانی کنند؟
  - ♦ گروه‌ها در مورد مفهوم ابیات زیر چند سطر بنویسند:
- به لطف و مرحمت دل‌ها نگهدار      کس از دست و زبان خود میازار

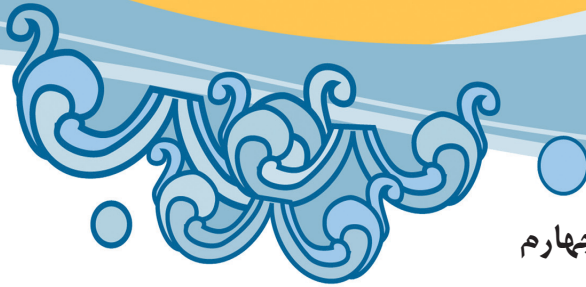


- ♦ شیخ محمود شبستری از کجا بود؟
  - ♦ مجموع آثار شبستری را نام ببرید؟
  - ♦ نگارش تخیلی را توضیح دهید؟
  - ♦ منظور شاعر از بیت زیر چیست:
- در گنج سعادت سازگاریست      کلید باب جنت بردباریست



- ♦ برداشت تان را از مفهوم بیت زیر در چند سطر انشا کنید:
- مگو نا خوش که پاسخ نا خوش آید      به کوه آواز خوش ده تا خوش آید
- ♦ متن کامل درس بیست و یکم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی

بگیرید



## امام فخرالدین رازی



اگر دشمن سازد پا تو ای دوست  
ترا باید که با دشمن بسازی  
گرت رنجی رسد مخروشی و مخراشی  
تو گل کن به لطف پی نیازی  
وگر نه چند روزی صبر فرمای  
نه تو مانی نه او نی فخر رازی  
امام فخر رازی

محمد بن عمر بن حسین بن علی طبرستانی، فیلسوف مسلمان بود که در سال ۵۴۴ ه.ق. در شهر ری خراسان متولد شد. لقبش فخرالدین می‌باشد و به خاندان قریش منسوب است. او به امام رازی یا امام فخر رازی شهرت یافته است. وی بر علوم عقلی و نقلی، تاریخ، کلام، فقه، اصول و علوم ادبی عصر خود تسلط کامل داشت. کتاب‌هایش در دوران حیاتش بسیار مورد استقبال قرار گرفت و به عنوان کتب درسی از آن‌ها استفاده می‌شد. برجسته‌ترین دورهٔ زنده‌گی امام فخر رازی در شهر هرات بوده و در مجمع درسی‌اش بیشتر از دو هزار نفر دانشمند شرکت می‌کردند و حتی در هنگام سواری نیز بیش از سیصد نفر از فقها و شاگردانش برای بهره بردن از دانشش او را همراهی می‌کردند. وی در عرصهٔ وعظ نیز سرآمد روزگار خود بود که به زبان‌های دری و عربی وعظ می‌گفته است. امام در سال ۶۰۶ ه.ق. در شهر هرات وفات کرد. مرقدش در شمال غرب شهر هرات و در سمت غربی متوسط جاده خیابان هرات واقع بوده و زیارت‌گاه خاص و عام می‌باشد.

مهمترین آثار امام عبارتند از: تفسیر کبیر که به مفاتیح الغیب موسوم است در هشت مجلد، تفسیر سورهٔ فاتحه در یک مجلد، البیان و البرهان، المحصول، المخلص، شرح قانون ابن سینا و...

## توضیحات

- علوم عقلی و نقلی:
- عقلی: منسوب به عقل، یا دلیل عقلی، برهانی که مبنای آن بر استدلال عقلی باشد، مقابل دلیل نقلی.
- نقلی: منسوب به نقل، دلیلی که از آیات قرآن و احادیث و اخبار آورند، مقابل دلیل عقلی.

## نگارش تحقیقی

در این نگارش نویسنده دربارهٔ موضوع علمی، اجتماعی، ادبی، تاریخی و مانند این‌ها یا از راه مشاهده یا مطالعه با دقت هر چه بیشتر و استفاده از منابع ممکن موضوعاتی را فراهم می‌کند و به نوشتهٔ آن می‌پردازد. آنچه در این نوشته اهمیت دارد. امانت نویسنده است، که اولاً خواننده‌گان خود را با دادن منابع موهوم و ضعیف گمراه نسازد، دوم این که آنچه را از منابع گرفته است مشخص نماید و آن را از خود بشمارد. در نوشته‌های تحقیقی، دانش و آگاهی نویسنده نقش مهم دارد. این نوشته‌ها باید ساخت استوار و نظم داشته باشد از زبان معیاری دور نگردد و در آن پیچیده‌گی راه نیابد. مایهٔ اصلی این نوشته‌ها را می‌توان در مقدمهٔ آن بیان کرد، سپس به شرح و بسط آن‌ها پرداخت و سرانجام در پایان، نتیجه و حاصل تحقیق را جا داد. خلاصه آنکه نگارش تحقیقی باید پیام یا بیان تازه داشته باشد، مستند و منظم و بهرمند از ساخت منطقی بوده با زبان روشن و عاری از شاخ و برگ زاید نوشته شود.

امام فخر رازی یکی از برجسته‌ترین چهره‌های تاریخ است. او در شهر ری خراسان به دنیا آمد و بیشترین عمر خود را در هرات گذراندید و در همان جا مدفون است.

\* \* \*

در نوشته‌های تحقیقی، دانش و آگاهی نویسنده نقش مهم دارد. این نوشته‌ها باید ساخت استوار و نظم داشته باشد از زبان معیار دور نگردد و در آن پیچیده‌گی راه نیابد.



- ♦ متنی را که معلم محترم می‌خواند املا بنویسید.
- ♦ دو شاگرد کلمه‌های جدید درس را روی تخته بنویسند و معنا نمایند.
- ♦ کلمه‌های زیر را در جمله‌های مناسب ادبی به کار ببرید:  
تسلط، مجمع، بهره، وعظ

## کار گروهی و سخنرانی

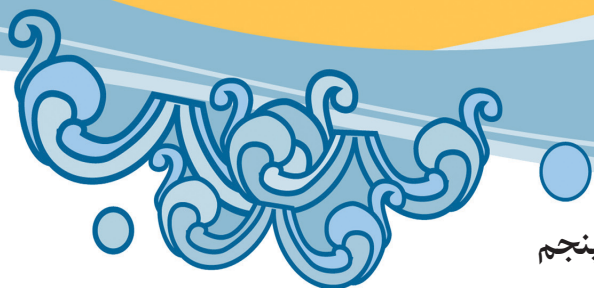
- ♦ یک نفر از هر گروه در مورد زندگینامه امام فخر رازی سخنرانی کند.
- ♦ پس از مشوره در گروه، نکات عمده نگارش تحقیقی را بیان کنید؟



- ♦ امام فخر رازی در کدام سال و در کجا تولد شد؟
- ♦ مهمترین آثار امام کدام‌ها اند؟
- ♦ در نگارش تحقیقی کدام موضوعات مهم است؟



- ♦ هر کدام به میل خود در مورد یکی از دانشمندان و شاعران ادب دری یک مقاله بنویسید.
- ♦ متن کامل درس بیست و پنجم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.



## نوع دوستی



شرف و قیمت و قدر تو به فضل و هنر است  
نه به دیدار و به دینار و به سود و به زیان

هر بزرگی که به فضل و به هنر گشت بزرگ  
نشود خُرد به بد گفتن بهمان و فلان

نوع دوستی یکی از بهترین و عالیترین احساس انسانی است. برادری، برابری و احترام به حقوق یکدیگر را می‌توان یکی از برانزده‌ترین راه‌های رسیدن به هم‌دیگر پذیری و نوع دوستی دانست و زمانی می‌توانیم به این راه برسیم که حس بشر دوستی خویش را تقویه کنیم، با تمام افراد بشر مهربان باشیم و بدون تبعیض زبان، قوم، ملیت، مذهب و نژاد با هم‌دیگر رابطه خوب و نیکو داشته باشیم؛ زیرا همه انسان‌های روی زمین دارای حقوق مساوی اند.

انسان هیچ‌گاهی قادر نیست که دور از اجتماع و به تنهایی زیست نماید؛ چراکه انسان‌ها در جامعه بشری مانند ریسمانی با هم بافت خورده اند که جدایی از هم‌دیگر، امریست ناممکن.

دین مقدس اسلام در سلسله ادیان سماوی یگانه دینی است که با طرح و پیریزی اساسات بشر دوستانه خویش اجتماعات بشری را به وسیله عاطفه و ترحم با هم وصل نموده و تقویه روحیه بشردوستی را، راه مهم و اصل با اهمیت تنظیم و بهبود حیات اجتماعی می‌داند.

آفتاب درخشان اسلام جهان را روشن گردانید و به انسان‌ها درس نوع پروری، بشردوستی و صلح و صفا را آموخت و به پیروان خود امر فرمود که دامان زنده‌گی اجتماعی خویش را از آلوده‌گی‌ها و تعرضات بی رحمانه و صفات وحشیانه پاک ساخته و برادر وار با هم زیست نمایند. حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

مؤمنان را در مرحمت و دوستی و تحکیم علائق ذات البینی شان مانند اعضای یک بدن می‌بینی، وقتی عضوی از اعضای بدن به درد آید سایر اعضای بدن نیز دچار تکلیف درد و الم می‌گردند. یعنی مسلمانان در میان خود به ترحم، شفقت، عاطفه و همدردی چنان نزدیک اند که اگر به یکی از افراد جامعه آسیبی برسد و تکلیفی ببیند سایر افراد یا اعضای آن جامعه متأثر شده خود را مکلف می‌دانند تا با عضو آسیب رسیده معاونت و یاری نمایند و از تکلیف و رنج رهاییش بخشند.

پس انسانیت و نوع دوستی یک امر بزرگ اسلامی است و وظیفه هر مسلمان است

که همواره در هر جا بشردوستانه عمل نماید، تا جامعه بشری به سوی خیر و رستگاری حرکت نموده و زنده‌گی بهتری را برای انسان امروز و فردا آماده سازد. شاعر شیرین سخن سعدی با استفاده از حدیث مبارک چنین گفته است:



بنی آدم اعضای یکدیگر اند  
که در آفرینش ز یک گوهر اند  
چو عضوی به درد آورد روزگار  
دیگر عضوها را نماند قرار  
تو کز محنت دیگران بی غمی  
نشاید که نامت نهند آدمی

### توضیحات

فنون بلاغی: یعنی بدیع، بیان و معانی.

### آیین انشا و نگارش

نگارش مطبوعاتی: مراد از نوشته‌های مطبوعاتی انواع نوشته‌هایی است که در روزنامه‌ها، مجله‌ها و دیگر نشریه‌ها درج و عامه مردم از اقشار و سطوح فرهنگی گوناگون، مخاطبان آن‌ها به شمار می‌روند. این نوشته‌ها عنوان‌های متعددی دارند، از جمله سر مقاله، خبر، گزارش خبری، تفسیر، مصاحبه عنوان‌های دیگر نیز ممکن است به ورزش، جوانان، زنان، صحت، خانواده، امور فرهنگی اختصاص یابد.

انواع این نوشته‌ها، به مقتضای کار ویژه آن‌ها، در برخی از خصوصیات مشترک اند در عین آنکه هر کدام از آن‌ها برای خود ویژه‌گی‌هایی دارد. مهمترین خصوصیت



مشترک آن‌ها تازه بودن و زنده بودن موضوع آن‌هاست؛ مثلاً: تازه‌ترین حادثه، کتاب، فلم، نمایش در آن‌ها مطرح می‌شود. بحث‌های نظری محض و مطالب خشک و بی‌روح مناسب مطبوعات نیست خصوصیت مشترک دیگر زبان آن‌هاست که زبان روزنامه‌یی نام گرفته است و آن زبان‌یست زنده، مردم‌پسند، بی‌پیرایه و احیاناً نزدیک به زبان محاوره. سر مقاله: موضوع اصلی سر مقاله مهمترین حادثه و مسأله روز است در سر مقاله باید یک موضوع عمده شگافته، شرح و بسط داده شود. و نباید حد اکثر بیش از یک ستون روزنامه را اشغال کند. سر مقاله سخنگوی روزنامه است؛ لذا در نگارش آن باید احتیاط رعایت شود.

خبر: خبر باید کوتاه، موثر و حاوی همه اطلاعاتی باشد که خواننده‌گان کنجکاو جویای آن اند. زبان خبر علاوه بر ساده‌گی و بی‌پیرایه‌گی، باید موجز و دارای بار معنای زیاد باشد.

گزارش خبری (رپورتاژ): می‌تواند چند ستون روزنامه را اشغال کند. زبان آن باید شیرین و دل‌چسپ باشد. در آن برای توصیف زنده، فنون بلاغی در حد اعتدال به کار رود. مصاحبه: به پرسش‌های مصاحبه‌کننده بسته‌گی دارد که پرسش‌هایش باید مغز دار و پر مایه باشد، زبان مصاحبه برحسب مورد، گاه صمیمی و گاه رسمی با مراعات نزاکت سیاسی و تشریفات است.



عمر و زمان که چون برق و باد می‌گذرند، با اهمیت ترین پدیده‌های هستی و سرمایه و فرصت در زنده‌گی هستند. در این مجال و فرصت محدود زنده‌گی، هم‌دیگر پذیری و نودوستی را در دل‌های خود جا دهیم، تا ارتباط و همبسته‌گی واحد داشته باشیم.

بر قراری ارتباط با هم‌دیگر، علاوه بر آنکه نعهدوستی به ما می‌آموزاند، باعث ترقی و پیشرفت کشور ما نیز می‌گردد. احسان، نیکوکاری و بخشش به هر اندازه و شیوه‌یی که باشد، نماد شگوفایی درک انسان توانمند به هم‌نوعان محتاج و درمانده در گردش زنده‌گانی است، که سبب برقراری، سلامت و رشد جامعه می‌گردد. افلاطون در این باره گفته است:

(هر کس که در طلب خیر و سعادت دیگران باشد، بالاخره سعادت خودش را هم به دست خواهد آورد.)

\* \* \*

انواع نوشته‌هایی است که در روزنامه‌ها، مجله‌ها و دیگر نشریه‌ها به چاپ می‌رسد.

این نوشته‌ها عنوان‌های متعددی دارند، از جمله سر مقاله، خبر، گزارش خبری، تفسیر، مصاحبه عناوین دیگر نیز ممکن است به ورزش، جوانان، زنان، صحت، خانواده، امور فرهنگی اختصاص یابد.



♦ متنی را که معلم محترم می‌خواند املا بنویسید.

♦ دو شاگرد یک جمله در باره نعهدوستی روی تخته بنویسند.

♦ هدف شاعر را از بیت زیر در چند سطر بنویسید:

از شبنم عشق خاک آدم گل شد	صد فتنه و شور در جهان حاصل شد
سر نشتر عشق بر رگ روح رسید	یک قطره فرو چکید، نامش دل شد

نجم‌الدین رازی

## کار گروهی و سخنرانی

- ◆ یک نفر از هر گروه در مورد روابط اجتماعی سخنرانی کند.
- ◆ گروه‌ها پس از مشوره، نکات مهم درس را بنویسند.
- ◆ گروه‌ها پس از مشوره، منظور شاعر را از بیت زیر بیان کنند:  
تو کز محنت دیگران بی غمی      نشاید که نامت نهند آدمی

### خود آزمایی



- ◆ نوع دوستی چیست؟
- ◆ چگونه می‌توان حس بشردوستی را در خود تقویت بخشید؟
- ◆ دین مقدس اسلام در زمینه نوع دوستی چه فرموده است؟
- ◆ چگونه نگارشی را، نگارش مطبوعاتی می‌گویند؟



### کارخانه‌گی



- ◆ بیت زیر را حفظ کنید و در مورد مفهوم آن هر کدام چند سطر بنویسید:  
شرف مرد به جودست و کرامت به سجود  
هر که این هر دو ندارد عدمش به ز وجود
- ◆ متن کامل درس بیست و ششم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.



## فردوسی

حماسه سرای بزرگ



ز باران و از تابش آفتاب  
که از باد و باران نیابد گزند

بناهای آباد گردد خراب  
پی افگندم از نظم، کاخ بلند

شاعر بزرگ و حماسه سرای نامدار حکیم ابوالقاسم فردوسی از جمله ستاره‌گان درخشان در صحنه ادبیات و در زمره بزرگمردان علم و ادب جهان می‌باشد که در نیمه اول قرن چهارم ه.ق. در روستای باژ، از توابع طوس در یک خانواده دهقان دیده به جهان گشود که سال تولد آن را ۳۲۹ و سال وفاتش را ۴۱۱ ه.ق. می‌دانند.

فردوسی در نوجوانی به کسب معلومات و تحصیلات ابتدایی مشغول شد که در این زمینه مطالعات بسیار کرد و اطلاعات ارزنده‌یی به دست آورد. فردوسی از جوانی طبع شعر داشت و اشعار بسیار سرود که برخی از منظومه‌هایش چون: «رزم بیژن و گرازان» و داستان «بیژن و منیژه» از سروده‌های شاعر در این زمان‌ها می‌باشد.

پس از چندی فردوسی تمایل به سرودن اشعار حماسی کرد و در حدود سال ۳۷۰ ه.ق. بعد از مرگ دقیقی که نظم شاهنامه ناتمام مانده بود برای اتمام آن همت گماشت و مطالبی را از مأخذ دیگر مانند: اخبار رستم و اخبار اسکندر و بعضی داستان‌های پراکنده بر شاهنامه افزود. وی که ثروت خانوادگی متناسبی داشت، کار و زنده‌گی خود را معطوف به سرودن شاهنامه نمود که در این راه تمام هستی خود را هزینه کرد و آن را در سال ۴۰۰ یا ۴۰۱ ه.ق. به پایان رسانید که در حدود ۳۰ یا ۳۵ سال را در بر گرفت؛ فردوسی بزرگ می‌گوید:

بسی رنج بردم در این سال سی      عجم زنده کردم بدین پارسی

فردوسی در سرودن شاهنامه واژه‌های سچه و خالص فارسی دری را به کار برده است و تقریباً مبری از واژه‌های غیر فارسی دری است. این شاهکار بزرگ در حدود شصت هزار بیت دارد که به زبان‌های: تازی، ترکی، فرانسوی، آلمانی، انگلیسی و ایتالیایی ترجمه شده است.



نمونه کلام:

## خَرَد

سخن چون برابر شود با خرد  
کسی را که اندیشه ناخوش بود  
همی خویشتن را چلیپا کند  
ولیکن نبیند کس آهوی خویش  
تو چندان که باشی سخنگوی باش  
چو رفتی سر و کار با ایزدست  
نگر تا چه کاری همان بدروی  
سخن هر چه گویی همان بشنوی  
دُرُشتی ز کس نشنوی نرم گوی  
سخن تا توانی به آزرم گوی

### توضیحات

- ۱- طوس: یکی از شهرهای خراسان که بنابر موجودیت مرقد حضرت امام رضا (ع) آن را به نام مشهد طوس نامیدند و بعدها مضاف الیه حذف شد و مشهد جایگزین آن گردید. شهر طوس توسط مغول‌ها ویران شد که هنوز خرابه‌های آن باقیست.
- ۲- تازی: عربی، زبان عربی.
- ۳- چلیپا: صلیب، دو چوب متقاطع و نیز کنایه از مویی که چون چلیپا باشد یا می‌تواند به معنای خم شده گفته شود.
- ۴- ولیکن نبیند کس آهوی خویش: یعنی کسی که عیب خود را نمی‌بیند. آهو در این جا به معنای عیب است.

## تقلید چیست؟

از روی کار کسی کاری را انجام دادن تقلید است. تقلید از خواص اجتماعی شخصیت است، این خاصیت در اجتماع تشکل می‌پذیرد، تقلید در مود و فیشن، نگارش، آواز خوانی و همه موارد وجود دارد. شخصی که دارای جهان‌بینی نبوده و ذوق و سلیقه خود را مطرح نیست. کوشش می‌نمایند که همواره تقلید کند. این شخص مُقلد در نگارش صاحب سبک به خصوص خود نمی‌گردد؛ نو آوری و خلاقیت در کارش دیده نمی‌شود. تقلید دو نوع است: یکی تقلید آگاهانه (مثبت) و دیگر تقلید کورکورانه (منفی). تقلید آگاهانه می‌تواند مؤثریت در کار نویسنده داشته باشد و باعث رشد استعداد شخص مُقلد گردد به شرطی که از شخصی که تقلید می‌کند آن شخص در جامعه مقام و جایگاه خوبی داشته باشد؛ اما تقلیدهای کورکورانه علاوه بر این که استعداد مُقلد را ضربه می‌زند، مانع کارهای بعدی یعنی پیشرفت و خلاقیت وی نیز می‌گردد. هیچ‌گاهی نمی‌تواند دارای جهان‌بینی واقعی و دید منطقی گردد. تقلید کورکورانه نتیجه منفی در قبال دارد و قابل قبول برای مردم و جامعه نمی‌باشد.

سخن چون برابر شود با خرد      روانِ سراینده رامش برد  
 منظور شاعر کسانی اند که همیشه عاقلانه صحبت می‌کنند، حق می‌گویند و حقیقت می‌جویند و آرامش وجدان را نصیب می‌گردند.  
 هستند کسانی که بدون فکر و دقت و خلاف حق و حقیقت صحبت می‌کنند و همیشه دروغ می‌گویند که نصیب این گونه افراد عذاب وجدان، رسوایی و عذاب آخرت

می‌گردد.

شاهنامه شاهکار بزرگیست از فردوسی به زبان دری، که در حدود شصت هزار بیت دارد و همهٔ این ابیات با واژه‌های اصیل و خالص فارسی دری، در مدت زمان ۳۰ سال سروده شده است.

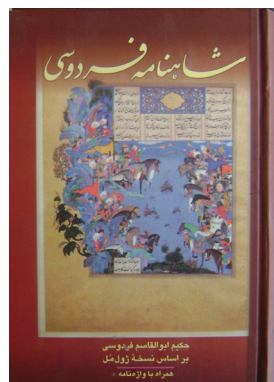
بناهای آباد گردد خراب      ز باران و از تابش آفتاب  
پی افگندم از نظم، کاخ بلند      که از باد و باران نیابد گزند

\* \* \*

از روی کار کسی کاری را انجام دادن تقلید است و از خواص اجتماعی شخصیت می‌باشد. تقلید آگاهانه می‌تواند مؤثریت در کار نویسنده داشته باشد و باعث رشد استعداد شخص مقلد می‌گردد به شرطی که از شخصی که تقلید می‌کند آن شخص در جامعه مقام و منزلت خوبی داشته باشد.



- ♦ متنی را که معلم محترم می‌خواند املا بنویسید.
- ♦ هر گروه برداشت شان را از مفهوم شعر بنویسند.
- ♦ تصویرهای زیر را به دقت ببینید و در مورد آن هر چه می‌دانید بنویسید:





## کار گروهی و سخنرانی

- ♦ با مشوره در گروه‌ها دربارهٔ زندگینامهٔ فردوسی سه شاگرد سخنرانی کنند.
- ♦ گروه‌ها در مورد مفهوم و محتوای شعر بحث کنند و در آخر از هر گروه یک شاگرد برداشت گروهش را با زبان ساده بیان دارد.
- ♦ پس از مشوره در گروه، سه شاگرد مفهوم شعر زیر و هدف شاعر را بیان کنند:  
پی افگندم از نظم، کاخ بلند      که از باد و باران نیابد گزند



- ♦ فردوسی کی بود و شاهنامه را در چه مدتی به اتمام رسانید؟
- ♦ مجموع ابیات شاهنامه چند است؟
- ♦ تقلید در نگارش باعث چه می‌شود؟
- ♦ منظور شاعر از بیت زیر چیست:  
نگر تا چه کاری همان بدروی      سخن هر چه گویی همان بشنوی



- ♦ در مورد بیت زیر آن چه می‌دانید در کتابچه‌های خود بنویسید.  
نگر تا چه کاری همان بدروی      سخن هر چه گویی همان بشنوی
- ♦ متن کامل درس بیست و هفتم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.



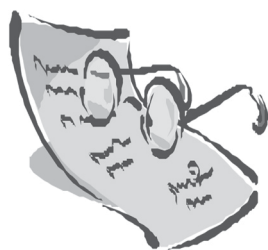
## در وصف وطن



کشور عزیز و پر افتخار ما افغانستان سرزمین علم و فرهنگ است. این سرزمین زادگاه دانشمندان، شاعران و نویسندگان است که مانند آفتاب درخشان در آسمان شعر و ادب ما می‌درخشند. اقوام گوناگون این سرزمین همیشه همچون زنجیری نا گسستنی وحدت و همبستگی خود را حفظ کرده اند و دست در دست هم مانند برادران و خواهران هم‌دیگر سرافرازی و متانت خود را به جهانیان نشان داده اند.

چیست آن لعبت که پرورد منش دایم به جان  
خاک‌هایش مشکبیز و مرغزارش دلستان  
از هوای روح بخشش زنده دل‌های نژند  
آسمان بی‌غبارش شسته چون روی بتان  
جویبارش شاخه از قلزم خلد برین  
دشت و هامونش به سان روضه باغ جنان  
رودبارش مست و غلتان می‌زند پهلو به سنگ  
وز غریوش برزند غوغا به سوی آسمان  
بوستانش عطر می‌پاشد به هنگام ربیع  
گستراند حله‌هایش را به فصل مهرگان  
بلبل دستان سرایش می‌کند وقت صبح  
بر فراز شاخساران چمن گوهر فشان  
صعوه‌هایش می‌کند کار تزر و تیز چنگ  
گوره‌هایش می‌کند مشق هژبر نیستان  
کان‌هایش بکر افتاده در زیر زمین  
بهره برداری بیاید تازه ای نسل جوان  
هست این مام وطن دارم به نامش افتخار  
زادگاه شیرمردان کهن افغانستان  
زادگاه نصر فارابی، سنایی، مولوی  
زادگاه ابن سینا، بیدل شیوا بیان  
مولد گوینده‌گان شعر شیرین دری  
مولد رازی و جامی هم ظهیر نکته دان  
مولد ده‌ها مفسر، عالم علم حدیث  
چون شفیق بو سلیمان، فانی والا مکان

خاصه این مرزی که دارد یاد از هفتاد نسل  
گه به نام فاریاب و میمنه گه گوزگان  
نازم این مرز سخن پرداز کز لطف الله  
پروریده بس رجال و فاضل صاحب‌دلان  
پروریده رادمردانی که هنگام مصاف  
برکنند از یوز موی و ناخن از شیر ژیان  
سرخرو بادا خدایا قوم عرفان پرورش  
کوکب بختش فروزان باد تا آخر زمان  
مصرعی گفتم تمنا چند در وصف وطن  
خود از این مجمل حدیث شعر افسونگر بخوان



## توضیحات



**گوزگان:** منظور از جوزجان امروزی که کلمه درست آن گوزگان است.  
**مُجَمَّل:** کلامی که معنای آن محتاج به شرح و تفصیل باشد، مختصر، کوتاه، خلاف  
مفصل

**تزرُو:** یا تذرُو، خروس صحرائی، قرقاول، پرنده‌یی است حلال گوشت که بیشتر در  
سواحل بحر خزر پیدا می‌شود، نر آن؛ دم دراز و پرهای خوشرنگ و زیبا دارد و ماده آن  
کوچکتر و دمش کوتاه است.

## سبک در نگارش

کسی که در نگارش دارای جهان‌بینی است کوشش می‌نماید که با ذوق و سلیقه شخصی خود موضوع را انتخاب و با کلمه‌ها و الفاظ زیبا و پسندیده با تسلسل منطقی آن را بنویسد کسانی که چنین خواص دارند متکی به خود می‌باشند نو آوری‌ها در کار شان دیده می‌شود و بالاخره دارای سبک می‌شوند. سبک در نگارش انعکاس شخصیت است. از بزرگترین شعرا و نویسندگان جهان گرفته تا شاگردی که در نگارش مشکل دارد، دارای سبک می‌باشد. این شاگرد مبتدی پس از تمرین زیاد می‌تواند سبک خود را پرورش دهد. احساس خود را در برابر زیبایی که در طبیعت وجود دارد، بپرورد.

رضوانقل تمنا فرزند ضیاءقل در سال ۱۳۰۸ هـ. ش. در شهر میمنه مرکز ولایت فاریاب دیده به جهان گشود. تعلیمات ابتدایی و ثانوی را در شهر میمنه به پایه اکمال رسانید و بعد از آن به صفت معلم به تدریس اولاد وطن روی آورد. تمنا این فرهیخته مرد فرهنگی، اساسات ژورنالیزم را در یک دوره آموزشی در شهر کابل فراگرفته و خدمات ارزنده‌یی را در مطبوعات کشور انجام داده است. تمنا علاوه بر زبان ازبیکی به زبان‌های ترکمنی، فارسی دری، پشتو، عربی و ترکی نیز بلدیت داشت؛ چنان که آثار زیادی را از زبان عربی ترجمه نموده است که از آن جمله می‌توان از یوسف و زلیخا نام برد.

مرحوم تمنا در ماه سرطان سال ۱۳۸۹ هـ. ش. به عمر ۸۱ ساله‌گی به دیار حق پیوست و در شهر میمنه ولایت فاریاب مدفون گشت.

\* \* \*

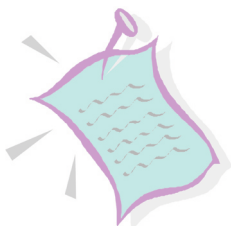
کسی که در نگارش دارای جهان‌بینی است کوشش می‌نماید که با ذوق و سلیقه شخصی خود موضوع را انتخاب و با کلمه‌ها و الفاظ زیبا و پسندیده با تسلسل منطقی آن را بنویسد



- ♦ متنی را که معلم محترم می‌خواند املا بنویسید.
- ♦ دو شاگرد نکات مهم درس را روی تخته بنویسند.
- ♦ هر گروه برداشت شان را از سبک نگارش بنویسند.

## کار گروهی و سخنرانی

- ♦ پس از مشوره در گروه، چند شاگرد مفهوم شعر را با زبان ساده بیان کنند؟
- ♦ یک نفر از هر گروه در مورد زنده‌گینامه رضوانقل تمنا سخنرانی کند؟





- ◆ منظور شاعر از ابیات زیر چیست:
- مولد گوینده‌گان شعر شیرین دری
- مولد رازی و جامی هم ظهیر نکته دان
- مولد ده‌ها مفسر، عالم علم حدیث
- چون شفیق بو سلیمان، فانی والا مکان
- ◆ اگر بخواهیم در نگارش سبک واحدی داشته باشیم چه باید بکنیم؟
- ◆ پیام اصلی درس چیست؟



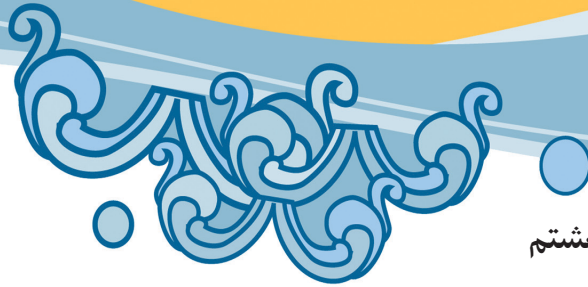
- ◆ مفهوم شعر درس را در چند سطر بنویسید.
- ◆ متن کامل درس بیست و هشتم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیریید.

- ◆ بیت زیر را به حافظه بسپارید:

برو طواف دلی کن که کعبه مخفی است

که آن خلیل بنا کرد و این خدا خود ساخت

زیب النسا مخفی



درس بیست و هشتم

## ورزش و تندرستی



به ورزش گرای و سرافراز باش  
که فرجام سستی سر افکنده گی است

ملک الشعرا بهار



تمرین‌های پی در پی و منظم ورزشی، جسم را نیرو می‌بخشد و باعث انکشاف ذهن، رشد بدن و طراوت و شادابی انسان می‌گردد. ورزش تن را سالم و نیرومند ساخته و نمی‌گذارد امراض در وجود انسان جا گیرد.

### ♦ تأثیر ورزش در زنده‌گی خانواده‌گی، اجتماعی و در شغل افراد

مسئلاً یک شخص ورزشکار با تنبلی و کسالت بیگانه است و علاوه بر داشتن هیكل متناسب و زیبا از روحیه عالی و شادابی نیز برخوردار است و این موفقیت، ارتباطات وی را در زنده‌گی روزمره، چه در خانواده و چه در اجتماع یا محیط کار تضمین می‌کند.

کارفرمایان در استخدام افراد، این معیارهای مهم را در نظر می‌گیرند، بنابراین یک شخص سالم و تندرست، از موقعیت و پیشرفت شغلی بهتری نسبت به افراد چاق و کم تحرک برخوردار خواهد بود.

### ♦ جلوگیری از ابتلا به آلوده‌گی‌های اجتماعی

یک فرد سالم و ورزشکار از سگرت دوری می‌کند، چون در می‌یابد با ورزش به اکسیجن بیشتری نیاز دارد؛ ولی سگرت یا مواد مخدر به وضوح انرژی وی را کم کرده و او را ضعیف می‌سازد، بنابراین خود به خود برای پیشرفت در امور ورزشی خویش و برای انجام تمرینات، از این عمل دوری می‌جوید.

در یک محیط ورزشی سالم از افراد معتاد و آلوده‌گی‌ها کمتر می‌توان اثری یافت و احتمال ابتلای چنین افرادی به آلوده‌گی‌های اجتماعی بسیار پایین بوده و به دلیل روحیه ورزشی از بسیاری انحرافات‌های دیگر اجتماعی، که با خُلق و خوی جوانمردی و ورزشکاری مطابقت ندارد، پرهیز می‌کنند.

ورزش‌های امروزی تنها یک فعالیت جسمی ساده نیستند؛ بلکه قابلیت‌های پیچیده مغز را در امور مختلف از جمله هماهنگی، چالاکی و سریع بودن، درست عمل کردن و درست تصمیم گرفتن را تقویت می‌کنند. به گونه‌یی که در یک شخص غیر ورزشکار این قابلیت‌های مغز، خاموش می‌ماند و به تدریج ذهن تنبل و سست می‌شود. و

این گونه افراد، بیشتر تمایل دارند در یک گوشه بنشینند و در فکر فرو روند. به طور کلی می‌توان گفت ورزش در کلیه اجزای جسم و ذهن مفید و در تمام مراحل زنده‌گی انسان تأثیر غیر قابل انکار و به سزایی دارد.

### ♦ تقویت عملکرد ذهن در یادگیری و هماهنگی

تعریف ورزش تنها در افزایش فعالیت جسمانی خلاصه نمی‌شود. بسیاری از ورزش‌های امروزی نظیر پینگ پانگ، اسکیت، اسکی، باسکتبال، شنا و... حرفه‌یی هستند و نیاز به فراگیری و حتی مربیان مجرب دارند و کار فکری زیادی را نیز می‌طلبند.

### ♦ جلوگیری از افسرده‌گی و بالا بردن روحیه عمومی فرد

ورزش باعث از بین رفتن افسرده‌گی و سبب طراوت، زیبایی و نشاط انسان می‌شود.

از طرفی ورزش به طور طبیعی باعث بالا بردن سطح هوشیاری و روحیه عمومی فرد شده و احساس انرژی و شادابی بیشتری برای انجام کارهای روزمره زنده‌گی، به شخص ورزشکار اعطا می‌کند، بنابراین در میان افرادی که به طور منظم ورزش می‌کنند، به ندرت می‌توان شخص افسرده‌یی یافت؛ چنانچه شاعر بزرگ تقی بهار گفته است:

به ورزش گرای و سر افراز باش که فرجام سستی سر افکنده‌گی است



### چگونه دارای سبک شویم؟

نخست تقلید نکنیم نوشته ما جوابگوی احتیاجات زنده‌گی متغیر و متحول افراد باشد، افکار عمومی را ارتقا دهد، دید اجتماعی مردم را بالا ببرد، افراد جامعه را با حوادث تازه‌ی زمان آشنا سازد. خود نویسنده وسعت اندیشه، قدرت تخیل، ابتکار و نوآوری، آشنایی با زبان مادری داشته باشد، واقع بین و حقیقت گرا باشد، تنوع و تناسب در بیان موضوعات و انتخاب کلمه‌ها و عبارات داشته باشد.

اگر آرزومند زنده‌گی پر نشاط و خانواده‌ صحتمند استید، در پهلوی این‌که درس می‌خوانید باید تمرینات ورزشی را هم جزء عادات و کارهای روزانه خویش قرار دهید. چرا که ورزش دوامدار ذهن انسان را انکشاف داده و آماده آموزش می‌سازد. ورزش باعث افتخار و سرافرازی انسان می‌گردد، به شرط آنکه تنها برای صحتمندی و پرورش جان صورت گیرد، نه برای غرور و تکبر، آزار و اذیت مردم.



\*\*\*

چگونه دارای سبک شویم؟

نوشته‌های ما باید افراد جامعه را با حوادث تازه‌ زمان آشنا سازد و جوابگوی احتیاجات زنده‌گی آنها باشد.



- ♦ متنی را که معلم محترم می‌خواند املا بنویسید.
- ♦ دو شاگرد نکات مهم درس را روی تخته بنویسند.
- ♦ یک شاگرد واژه‌های جدید درس را روی تخته بنویسد، معنی کند و جمله بسازد.
- ♦ در مورد نقش ورزش در صحت‌مندی انسان چند سطر در کتابچه‌های تان بنویسید.

## کار گروهی و سخنرانی

- ♦ پس از مشوره در گروه، چند شاگرد مفهوم شعر زیر را با زبان ساده بیان کنند؟  
به ورزش گرای و سر افراز باش که فرجام سستی سر افکنده‌گی است
- ♦ از هر گروه دو شاگرد یک جمله زیبا در باره فواید ورزش روی تخته بنویسند.





- ◆ ورزش در زنده گی خانواده گی، اجتماعی و در شغل افراد چه تأثیر دارد؟
- ◆ یک شخص ورزشکار با یک شخص معتاد چه تفاوت‌هایی دارند؟
- ◆ چگونه می‌توان در نگارش دارای سبک شد؟
- ◆ دو تن از شاگردان در مورد فواید ورزش سخنرانی کنند.

.....

.....

.....

.....

.....



- ◆ بیت زیر را حفظ کنید:
- تن زنده والا به ورزشده گی است      که ورزشده گی مایه زنده گی است

## واژه‌نامه

آب زنده‌گانی	آب حیوان
شرم و حیا	آزرم
صدمه، ضرب، زخم کوب	آسیب
هدف، نشانه	آماج
درهم کرده، مخلوط	آمیخته
مبتلا شدن، گرفتار رنجی شدن	ابتلا
چیز نو آوردن، ایجاد، اختراع، آفرینش	ابداع
پرهیز کردن، دور شدن	اجتناب
کوتاه کردن	اختصار
خاص کردن، تخصیص دادن	اختصاص
افسانه‌ها، جمع اسطوره	اساطیر
شیوه، طریق، روش	اسلوب
نجابت، شرافت، اصیل بودن	اصالت
موج زدن، تحرک، پریشان‌حالی، آشفتگی	اضطراب
میان حال شدن، معتدل	اعتدال
در تعجب آوردن	اعجاب
جمع عدو، دشمنان	اعدا
جمع عصر، روزگار، زمانه	اعصار
از حد در گذشتن، زیاده روی	افراط
انداختن، گستردن، پهن کردن	افگندن
جمع فلک، چرخ گردون، آسمان	افلاک
خبردار و آگاه باش	الحذر
رنج و درد، دردمند شدن	الم
پر کرده	انباشته
راه‌ها، روش‌ها، طریقه‌ها، جمع نحوه	انحاء
آلوده شده، چرب کرده، آب طلا داده شده، پوشانیده شده	اندوده
ویران شدن	انهدام
مونس، انس گرفته، خوگرفته	انیس
در امن و امان	ایمن
در، دروازه، باره، پیرامون	باب
صحرا	بادیه
تازه و دست نخورده، اول هر چیز	بکر
همراهی، مشایعت، رهبری و رهبر و رهنما	بدرقه
گرفتن گلو، غصه، دشمنی	بغض
زیست، زنده‌گانی، باقی ماندن	بقا
اول هر چیز، تازه	بکر
خوش بیان، شیرین سخن، تیز زبان، سخنگوی	بلیغ
بسیار هوس، خوش گذران	بوالهوس

کلمهٔ تحسین، خوشا، خرما	به
بی‌آلایش، بی‌غش، پاک	بی‌پیرایه
تاریدن، تاختن، دویدن	تازش
درنگ، دقت، فکر کردن، اندیشه کردن	تأمل
خاک	تریت
افزونی دادن	ترجیح
شگاف، رخنه و خندقی که گرداگرد حصار و قلعه حفر کنند	تَرَک
بیان کردن خواب و آگاه کردن	تعبیر
کاستن از شدت چیزی، از روی عدالت چیزی را تقسیم کردن	تعديل
تسلی دادن و به صبر فرمودن	تعزیت
فکر کردن در کاری	تعقل
ژرف بینی، دور اندیشیدن	تعقق
تنگی هر چیزی، جای تنگ	تنگنا
گوناگون، نوع نوع شدن	تنوع
مربوطات و حیطة، جزء	توابع
سرزنش و ملامت کردن	توبیخ
ماده‌یی است مانند: سرمه	توتیا
طعام مسافران	توشه
خالی	تهی
جمع جنت، بهشت	جَنان
محکمی و استواری، خوبی و بزرگی	جزالت
ریسمان محکم	حبل‌المتین
نبرد، ستیز، جنگ	حرب
پیشه	حرفه
عزت و احترام	حرمت
آز پرور، زیاده طلب	حریص
جامه، لباس نو، جامهٔ بلندی که بدن را بپوشاند	حُله
دلآوری و دلیری، شجاعت	حماسه
ثنا و صفت خداوند ﷻ	حمد
ماهی	حوت
زنان زیبا و سیاه چشم	حور عین
ظرف سفالی	خزف
دشمن	خصم
باطل شدن	خط بطلان
سرزمین	خطه
بهشت برین	خَلد برین
بهشت برین، دوام، بقای همیشه‌گی	خَلد برین
جامه‌یی که شخص بزرگی به کسی بخشد، جمع آن خَلع	خلعت
دوست	خلیل
روز گذشته، دیروز	دی

دارای حیات، زنده جان‌ها	ذی‌حیات
اندیشه، تدبیر، فکر	رأی
فصل بهار	ربیع
مردان	رجال
باز گردانیدن تعبیر	ردالتعبیر
کنایه از باریک بینان و دقیق نظران	رندان
دزدان	رهزنان
دریچه، سوراخ	روزنه
بسیار، زیادتر، افزونتر	زاید
آواز، گریه و زاری، نوحه	زوزه
پاداش	زه
نخواستن چیزی و ترک کردن آن، پرهیزگاری	زهد
بوی بد، بوی گوشت گندیده	زهومت
عمیق	ژرف
خشم آلود، خشمگین، تندخو، درنده	ژیان
خالص و پاک	سُچه
دست پاچه، وارخطا	سراسیمه
خوی، فطرت، طبیعت	سرشت
سرنیزه	سنان
آسان	سَهَل
جمع شأن، به معنای امور	شؤون
بلند برآمده از هر چیزی	شاخص
بنیاد، اساس، پایه	شالوده
بلند و مرتفع	شامخ
پهن شدن، گسترده شدن	شرح و بسط
تعجب، تَحْجِر	شگفت
تالاب، حوض خُرد و کوچک	شَمَر
گنجشک کوچک، هر پرنده کوچک به اندازه گنجشک	صعوه
مهمانی	ضیافت
پرنده مقدس	طاير قدس
دهل	طبل
نکوهش کردن	طعنه
جمالش، صورتش	طلعتش
گردش	طواف
غیر عرب	عجم
شبيه نبودن	عدم تشابه
لگام	عنان
آشکار	عیان
پایان، نهایت	غایت
نهایی	غایی



فریاد، خروش، بانگ و فریاد از روی چشم	غریو
چشم برهم زدن، شوخ	غمزه
ادب آموخته‌گان	فرهیخته‌گان
دارای فصاحت، واضح و روشن	فصیح
دانشمندان علم شریعت	فقها
قدرت، توانایی	قریحه
پس گردن، پس سر، سیلی	قفا
دریا یا رود بزرگ، در قدیم نام بندری بود در ساحل بحیرهٔ احمر	قَلْبُوم
روزی	قوت
که او را	کَش
پنهان‌گاه، به معنای کمترین نیز آمده است	کمین
ستاره، دستهٔ گل	کوکب
کوچی، خانه به دوش	کولی
دین و آیین	کیش
گراییدن، میل کردن	گرای
بریده‌گی، جداشده، گسیختن	گسیخته‌گی
عمیق‌ترین نقطه دریا	لُجَه
آوازخوش و موزون	لُحْن
بازیچه، اسباب بازی، دلبر و معشوق زیبا	لُعبَت
حیران و سرگردان، درمانده	مات و مبهوت
انس گرفته، دوست شده	مأنوس
منزل کردن، جای گرفتن، سکونت کردن	ماوا
شروع کننده و آغاز کننده	مبتدی
پیش پا افتاده	مبتدل
برهان آورده شده، دلیل، راست و آشکار	مُبْرَهَن
واضح، آشکار کرده شده	مبین
بر گشتن از جایی به جایی، منتقل شدن	متحول
جنبنده، لرزنده	متزلزل
ضامن و کفیل، تاوان دهنده	متضمن
دگرگون شده	مُتَغَیِر
میل کننده، علاقه مند	متمایل
با تجربه، کار آزموده	مجرب
جای گرد آمدن، مجامع جمع	مجمع
هر چیز خالص، آمیخته نا شده با چیزی دیگری	محض
بلا، آفت	محنت
خیال	مخیله
هدایت، رهبری	مدلول
رد شده، طرد شده	مردود
مردی، مردانه‌گی	مروت
از مصدر ستودن، به معنای تعریف مکن	مستای

نیازمندان، حاجت‌مندان	مستمندان
چیزی که بر آن استناد کنند، دلیل و مدرک	مستند
پوشیده، نهان	مستور
باور کرده، قبول شده، تسلیم شده	مسلم
جمع مشهور	مشاهیر
در برگیرنده، فراگیر	مشمول
همصحبت، همنشین	مصاحبت
جای صف بستن و میدان جنگ، جمع مصف	مَصاف
شوخی و مزاح، خوش طبعی	مطایبه
فرمانبردار	مطیع
ظاهر شدن، عرض کردن	معروض
متصل شدن پیوسته کردن	معطوف
آب روان، یاری کننده.	معین
جمع مقتضی، خواهش شده‌ها، تقاضا شده‌ها	مقتضیات
دَرَنگ کردن، انتظار	مکث
کوشیدن، مشخص کردن، تجربه کردن	ممارست
کم کردن از آن، تفریق کردن از آن، وضع کردن از آن	منها
موعظه، پندها و نصیحت‌ها	مواعظ
جای تولد، زادگاه	مولد
ماه مهر، پاییز	مهرگان
نرمی و آهسته‌گی	مَهَل
آماده	مهیا
خشن و نا ملایم، بر خلاف طریقهٔ معین	نا هنجار
آتش	نار
شتر	ناقه
پشیمانی	ندامت
کم	نُدرت
وصف کردن کسی یا چیزی را به نیکی، ستایش، صفت.	نعت
پا افزار، قطعه‌یی آهنی که به پاشنهٔ کفش یا سُم چهار پا کوبند.	نعل
نمود، نماینده و ظاهر کننده	نماد
گریه کردن، بیان مصیبت	نوحه
پنهان	نهان
روشنی، آشکار شدن	وضوح
جمع وقف، واقف، آگاه	وقوف
آواره، کسی که بیهوده در همه جا گردش می‌کند	هرزه گرد
خرج	هزینه
شیر درنده	هَرَبِر
حیوانی است شبیه پلنگ اما کوچکتر از او	یوز